



هراس بزرگ جمهوری اسلامی

نه خاتمی نه رهبری، هر دو فدای پهلوی!

- پرونده‌های فساد اقتصادی نشان می‌دهد که همه جریان‌های حکومتی، دستی بر سفره‌ی گسترده‌ی فساد در نظام دارند.
- فساد فراگیر سیاسی و اقتصادی و اخلاقی و مشروعیت جمهوری اسلامی چنان با هم گره خورده که بسیاری از مقامات نظام به شدت نگران عدم مشارکت مردم در انتخابات اسفندماه مجلس شورای اسلامی هستند.
- پس از تحریم علی خامنه‌ای رهبر نظام، حالا تحریم محمدجواد ظریف از سوی آمریکا رژیم را بیشتر در تنگنا قرار داده.



تفسیر سیاسی هفته را در صفحه ۲ بخوانید

«خط مبدأ» کاسپین کجا آغاز می‌شود؟ از منافع ملی یا منافع نظام؟! سرمقاله

محمدجواد ظریف وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی، اندکی پیش از تحریم شدنش از سوی آمریکا در جلسه علنی مجلس شورای اسلامی شرکت کرد تا درباره «کنوانسیون دریای خزر» به برخی پرسش‌ها پاسخ دهد. وی همان حرف‌هایی را تکرار کرد که حسن روحانی سال گذشته پس از امضای این کنوانسیون گفته بود. ظریف تصمیم نهایی را وابسته به رأی نمایندگان مجلس دانست ولی تأکید کرد «هر تصمیمی در خصوص کنوانسیون حقوقی دریای خزر، با اجازه شورای عالی امنیت ملی و امضای مقام معظم رهبری انجام شده!» گذشته از ادعاهای ظریف درباره حفظ تمامیت ارضی کشور قبل و پس از انقلاب، وی توضیح داد دلیل اینکه کنوانسیون تا کنون به مجلس نیامده این است که «منتظر هستیم تا خط مبدأ در دریای خزر ترسیم شود». این درحالیست که یک سال پیش سخنگوی وزیر خارجه ادعا کرده بود: «موضوع تقسیم خزر میان کشورها و تعیین خطوط مبدأ» مطرح نیست! یک هفته بعد یکی از معاونان سابق وزارت خارجه نیز مدعی شد: «دو مسئله‌ی عمده‌ی ما یکی خط مبدأ و دیگری تقسیم بود اما ما اینها را قبول نکردیم... با مخالفت ایران این دو موضوع به آینده موکول شد!» حال آنکه در همین کنوانسیون که ترجمه فارسی آن همان موقع منتشر شد، برای کاسپین یک خط مبدأ عادی معین شده است! تمام مسئله نیز بر سر همین «خط مبدأ» و تقسیم بزرگترین دریاچه جهان بین کشورهای ساحلی آن است!

«کانون حقوقدانان ایران» بلافاصله پس از انتشار متن کنوانسیون، آن را «ترکمانچای دوم» نامید و با شواهد و مدارک حقوقی آن را علیه منافع ملی ایران اعلام کرد. حالا با آن سخنان متناقض مقامات و اعتراضاتی که در شبکه‌های اجتماعی اوج می‌گیرد، دولت منتظر است تا «خط مبدأ» ترسیم شود! آنچه روشن است، فروپاشی اتحاد شوروی، استفاده مشترک یا مشاع به معنی عدم تعیین محدوده‌ی معین را با به وجود آمدن کشورهای جدید دچار مشکل کرد. چه در قرارداد ۱۹۲۱ (پس از انقلاب اکتبر) و چه در قرارداد ۱۹۴۰ (اوج قدرت اتحاد شوروی) این دریاچه از سوی دو کشور «بالسویه» استفاده می‌شد. پس از آنهم هیچ قراردادی نیست که این استفاده‌ی مشاع را نفی کند تا سال ۱۹۹۱ که شوروی فرو پاشید. حالا ظریف اعلام می‌کند که «کنوانسیون دریای خزر منافع جمهوری اسلامی ایران را حفظ خواهد کرد» و کیست که نداند «منافع جمهوری اسلامی» همان «منافع ملی ایران» نیست به ویژه در شرایطی که نظام ایران با تشدید تحریم‌های آمریکا بیش از پیش در تنگنا و انزوا قرار گرفته. روزنامه گاردین که لطف‌اش نسبت به رژیم ایران پنهان نیست و اخیر «سرمقاله» حجت‌الاسلام محمد خاتمی را منتشر کرد همان موقع در گزارشی نوشت: امضای این کنوانسیون برای شکستن احساس انزوای اقتصادی جمهوری اسلامی ایران پس از تحریم‌های آمریکا بسیار اهمیت دارد. جمهوری اسلامی برای فرار از انزوا به تنها تکیه‌گاهش باج می‌دهد و «فدراسیون روسیه» از موقعیت ضعیف ایران تحت حکومت اسلامی، مانند همه‌ی سال‌های گذشته، سوء استفاده می‌کند. اما همانطور که تغییر رژیم در روسیه تزاری به الغای معاهده‌ی ترکمانچای انجامید، با تغییر رژیم در ایران نیز ترکمانچای دوم، اگر به تصویب نمایندگان مجلس شورای اسلامی برسد، می‌تواند ملغی شود. **الاهه بقراط**

زنان ایران

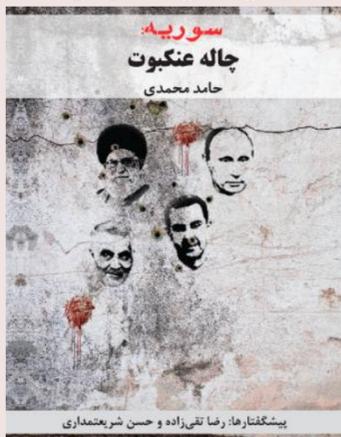
همواره علیه سرکوب، همیشه برای آزادی



۴۰ سال از آغاز فعالیت انواع و اقسام نهادهای مغزشویی نظام در دستگاه‌های آموزشی و تبلیغی می‌گذرد تا اصول و خطوطی را به نام «ارزش»، «اخلاق» و «امنیت اجتماعی» در نسل‌های رو به زایش و در حال پرورش تزریق کنند.

در صفحه ۲

کیهان لندن منتشر کرد:



کتاب «سوریه: چاله عنکبوت» به قلم حامد محمدی (افسر خلبان) برای نخستین بار ایجاد کرده حضور نظامی و ناگفته‌های دخالت رژیم جمهوری اسلامی در جنگ داخلی سوریه را به صورت مستند از آغاز این جنگ تا به امروز به تصویر می‌کشد. علاقه‌مندان می‌توانند این کتاب را مستقیماً از طریق ایمیل یا کیهان لندن ads@kayhan.london و یا انتشارات ساتراپ و سوپر هرز در لندن و کتابفروشی‌های معتبر ایران در اروپا و آمریکا به نشانی‌های زیر به مبلغ معادل ۲۰ پوند شامل هزینه بسته بندی و پست خریداری کنند.
 Satrap Publishing: Email: satrap@btconnect.com www.satrap.co.uk
 Super Hornuz, Finchley Road, Golders Green, NW11 0AD
 Ibox Publishers Bookshop, Inc. PO Box 30087, Bethesda, MD 20824-0087, USA
 Ferdosi Bookshop, Box 45095, SE-104 30 Stockholm, SWEDEN
 UTOPIRAN, 89 Rue du Ruisseau, 75018 Paris, FRANCE
 Forough Publishing and Bookshop, Jahnstraße 24, 50676 Köln, GERMANY

کار، کار انگلیسی‌هاست! درباره کتاب مفرّج و پر از اشتباه جک استراو

در صفحه ۱۸

اگان برنال، قهرمان مسابقات
 دوچرخه‌سواری دور فرانسه ۲۰۱۹

 معاون روحانی:
 حضور خانم هادر ورزشگاه هادر آینده نزدیک

 خمین قهرمان میچ‌اندازی بانوان ایران

 نقش جهان قهرمان چوگان ایران

 رئیس پیشین سازمان تربیت بدنی:
 مردانه - زنانه شدن ورزشگاه‌ها
 معنی ندارد
 در صفحه ۱۰

کیهان منتشر کرد:

سقوط بهشت

خاندان پهلوی و روزهای پایانی ایران پادشاهی

اندرو اسکات کوپر **ترجمه رضا تقی زاده**

کتاب سقوط بهشت را از تاریخ ۲۳ فوریه تنها از کیهان لندن می‌توان خریداری کرد

قیمت: ۲۵ پوند + هزینه بسته بندی و پست



هراس بزرگ جمهوری اسلامی

نه خاتمی نه رهبری، هر دو فدای پهلوی!

- پرونده‌های فساد اقتصادی نشان می‌دهد که همه جریان‌های حکومتی، دستی بر سفره‌ی گسترده‌ی فساد در نظام دارند.
- فساد فراگیر سیاسی و اقتصادی و اخلاقی و مشروعیت جمهوری اسلامی چنان با هم گره خورده که بسیاری از مقامات نظام به شدت نگران عدم مشارکت مردم در انتخابات اسفندماه مجلس شورای اسلامی هستند.
- پس از تحریم علی خامنه‌ای رهبر نظام، حالا تحریم محمدجواد ظریف از سوی آمریکا رژیم را بیشتر در تنگنا قرار داده.

جمهوری اسلامی در دام چاله‌های خودساخته‌ای گرفتار شده که گریزناپذیر به نظر می‌رسد و فضای تنفس برای مقامات نظام در داخل، خارج و حتی شبکه‌های اجتماعی و در مواجهه با کاربران ایرانی نیز هر روز تنگ‌تر از پیش می‌شود.

بحران‌های اقتصادی و اجتماعی موجود در کشور از یکسو و بحران جاری در سیاست خارجی از سوی دیگر، موجب شده جمهوری اسلامی به هر دستاویزی چنگ ببندد تا شاید از خطر سقوط نجات یابد اما چون حکیم حاذقی در نظام وجود ندارد تا نسخه‌ای شفابخش بپیچد، نتیجه همواره برعکس می‌شود.

پرونده‌های فساد اقتصادی

رسیدگی به پرونده‌های فساد اقتصادی نمونه‌ای از اقداماتی است که نظام تلاش دارد با آن چهره‌ی مثبتی از خود نشان بدهد اما روند رسیدگی به این پرونده‌ها این واقعیت را بار دیگر آشکار می‌سازد که همه جریان‌های حکومتی از اصلاح‌طلب تا اصولگرا، از داماد وزیر کار تا فرزند اکبر هاشمی رفسنجانی و از رئیس ستاد قالیباف تا افراد نزدیک به میرحسین موسوی و افرادی در «بیت رهبری» یا حتی مقامات خود قوه قضاییه دستی بر سفره‌ی گسترده فساد در نظام دارند.

در تناقض رفتارهای نظام همین بس که در حالی که این روزها مدعی مبارزه با فساد است دست افرادی چون ناطق نوری و صادق آملی لاریجانی را چنان باز گذاشته که هم در زمین‌خواری‌های کلک لواسان نقش دارند و هم اولی‌مالک یک مدرسه علمیه «لاکچری» در لواسان و دومی عضو هیئت امنای دانشگاه «امام صادق» است. ناطق نوری در پی زد و بند برای تثبیت موقعیت خود در سال‌های آینده نظام است و آملی لاریجانی نه تنها به ریاست مجمع تشخیص مصلحت نظام در می‌آید بلکه عضویت او در خبرگان رهبری و شورای نگهبان نیز همچنان پابرجاست.

در هفته‌ای که گذشت دو تن از متهمان فساد اقتصادی با احکام کیفری روبرو شدند که هر یک با بخشی از بدنه قدرت پیوندی عمیق داشته‌اند. محمدرضا ریاحی رئیس ستاد انتخاباتی محمدباقر قالیباف در استان خراسان رضوی طی انتخابات ریاست جمهوری سال ۸۴، در پرونده پدیده شاندریز به ۲۰ سال حبس، استرداد کلیه اموال منقول و غیرمنقول و سهام شرکت پدیده و محرومیت دائمی از خدمات دولتی محکوم شد. متهم ردیف اول همین پرونده، محسن پهلوان مقدم از نزدیکان فرزند آیت‌الله واعظ طیبی به حبس ابد و استرداد کلیه اموال منقول و غیرمنقول و سهام شرکت پدیده و محرومیت دائمی از خدمات دولتی محکوم شد.

در تهران نیز محمدهادی رضوی از متهمان فساد در بانک سرمایه که داماد محمد شریعتمداری وزیر کار است، به جرم اخلاص عمده در نظام اقتصادی به ۲۰ سال حبس، رد مال و ۷۴ ضربه شلاق و محرومیت از خدمات دولتی محکوم شد.

اینها تنها دو نمونه از صدها افرادی هستند که همچون مهدی هاشمی پسر اکبرهاشمی رفسنجانی به زندان محکوم و راهی زندان شدند و یا مانند حسین فریدون و مهدی جهانگیری، برادران حسن روحانی رئیس جمهوری و اسحاق جهانگیری معاون اول رئیس جمهور، به دلیل انجام تخلفات مالی و اداری در انتظار حکم دادگاه هستند. فساد که طی چهار دهه گذشته همه ارکان نظام اسلامی را فراگرفته و هزاران میلیارد تومان اختلاس و دزدی از منابع کشور به همراه داشته، انقدر گسترده است که حتی در یک اقدام کوچک قوه قضاییه، آنهم در برخوردی گزینشی با مفسدان اقتصادی، یک به یک نام مقامات جمهوری اسلامی و وابستگانشان را در صدر پرونده‌های فساد به نمایش می‌گذارد.

افتادن تشت رسوایی از بام نظام

تضاد میان عملکرد مسئولان و وابستگان رانت‌خوارشان و گسترش فقر و بیکاری، موجی گسترده از نارضایتی را در میان مردم

است، در بخش دیگری از این مصاحبه گفته که «بسیاری از مردم الان به این نتیجه رسیده‌اند که مسئولین برای خودشان جیب می‌داد و ماها را سر بلا قرار داده‌اند که به هدف‌های خودشان برسند. این حاصل استمرار یک سوء عملکرد و سوء رفتار مستمر و ۴۰ ساله در سطح مسئولان عالی و بالادست کشور است.»

از این دست سخنان حاوی احساس نارضایتی از عملکرد نظام و فساد و تباهی در کشور این روزها در یادداشت‌ها، مصاحبه‌ها و توییت‌های دیگر افرادی که بخشی از نظام هستند، زیاد به چشم می‌خورد.

آنها ریزش حامیان و عدم مشروعیت نظام را موضوعی قابل توجه و نگران‌کننده عنوان می‌کنند و تلاش دارند راهکارهایی ارائه دهند. از جمله غلامرضا تاجگردون رئیس کمیسیون برنامه، بودجه و محاسبات مجلس شورای اسلامی در سخن علنی پارلمان گفته است که روند فساد اداری و اقتصادی در حال تبدیل شدن به فساد سیستماتیک است و آن را خطری جدی برای نظام توصیف کرده است.

هر چند که سال‌هاست کارشناسان از شکل گرفتن فساد سازمان‌یافته در همه ارکان نظام سخن می‌گویند و تاجگردون خیلی دیر به فکر این موضوع افتاده، اما او نیز در سخنانش موضوع مشروعیت نظام را مورد تأکید قرار داده و با ابراز نگرانی گفته است «بدون تعارف، مردم از ما نگران هستند و این نگرانی چپ و راست و اصلاح طلب و اصولگرا نمی‌شناسد...»

دولت، مجلس، قوه قضائیه و مردم همه در یک کشتی نشست‌ه‌ایم و متأسفانه هر کس می‌خی بر کف این کشتی کوبیده تا خود را مستحکم کند و نادانسته جامعه را به انحراف می‌کشاند.»

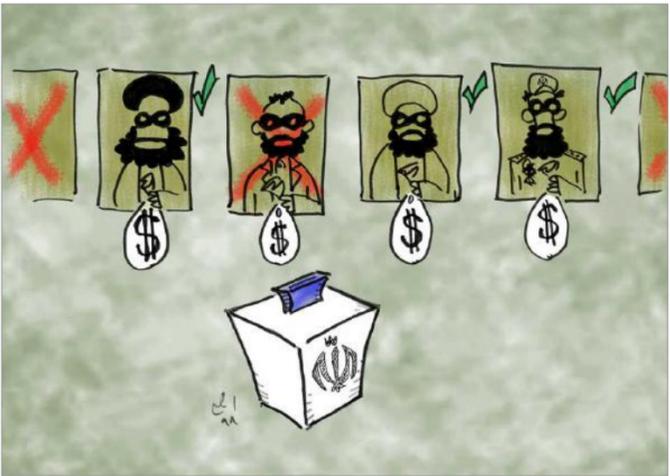
هراس نظام، امید مردم

همانطور که از اظهار نظر امثال تاجگردون مشخص است، فساد فراگیر سیاسی و اقتصادی و اخلاقی و مشروعیت جمهوری اسلامی چنان به هم گره خورده که بسیاری از مقامات نظام به شدت نگران عدم مشارکت مردم در انتخابات استوایی مجلس شورای اسلامی هستند که قرار است در اسفند ۹۸ برگزار شود.

تاجگردون و احمد توکلی نیز به انتخابات اسفندماه اشاره کرده‌اند؛ توکلی در لاف‌ها به «مشروعیت» و «انتخابات» و اختلافات جناحی اشاره کرده، و تاجگردون گفته «صندوق‌های رأی که هر یک میخ استحکام

ایران ایجاد کرده و گسل میان مردم و نظام را بیشتر و پایه‌های نظام را به لرزه درآورده است. این واقعیت را بسیاری از مقامات در جناح‌های مختلف نظام دریافته و بازگو می‌کنند. احمد توکلی نماینده سابق مجلس شورای اسلامی و عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام که نگران از دست رفتن مشروعیت نظام است چند روز پیش در گفتگویی با روزنامه «ایران» ضمن انتقاد از حجم فساد گسترده در نظام و سوء عملکرد مدیریت کلان کشور، به شعار «اسلام رو پله کردند، مردم رو ذله کردند» اشاره و اعتراف کرده است که «مردم می‌دانند ما اسلام را پله کرده‌ایم!»

احمد توکلی که از یکسو با برادران لاریجانی و از سوی دیگر با صادق زیباکلام خوشایند



بلندگو و توجیه‌گر اقدامات خرابکارانه‌ی جمهوری اسلامی پر کنند؟! دولت روحانی و بطور کلی نظام جمهوری اسلامی که گمان می‌کرد با امضای برجام امتیازی از قدرت‌های بزرگ جهان گرفته و دست‌کم خواهد توانست در حوزه اقتصادی خود را حفظ کند، حالا نه تنها اقتصاد کشور در آستانه‌ی مرگ مغزی قرار گرفته بلکه محمدجواد ظریف که او را «سردار دیپلماسی» می‌خواندند و نماینده ارشد جمهوری اسلامی در مذاکرات هسته‌ای بود، از سوی ایالات متحده تحریم شده و وزارت خارجه آمریکا در توییت رسمی خود وی را «ماله‌کش اعظم رهبر» نامیده است.

در فرای سیاهچالی که جمهوری اسلامی بر لبه آن قرار گرفته اما مردم ایران بر خلاف جهت نظام و گام به گام در مسیر تغییر ساختاری حکومت دینی ایران حرکت می‌کنند. مهمان امر سبب شده از رهبر نظام تا برخی مقامات کشوری و لشکری بیش از پیش درباره خاندان پهلوی حساسیت نشان دهند و نگرانی خود را به زبان بیاورند و حتی نسبت به «بازگشت پهلوی‌ها» هشدار بدهند. این هشدارها که با چاشنی دروغ و تحریف و تخریب همراه است از سوی علی خامنه‌ای و دفترش مدتهاست که پیگیرانه مطرح می‌شود. نظام هنوز از ضربه‌ی سنگین شعارهای دی‌ماه ۹۶ به اینسو به خود نیامده که در پاسخ به تلاش‌های حجت‌الاسلام محمد خاتمی که حرف دو سال پیش خامنه‌ای را تکرار کرده و گفته که مخالفان «به خاطر ایران» در رأی‌گیری اسفند ۹۸ شرکت کنند، شنیده می‌شود که بسیاری آنچه را تکرار می‌کنند که از مدت‌ها پیش بر سر زبان‌ها افتاده بود: نه خاتمی نه رهبری، هر دو فدای پهلوی!

این شعار چیزی جز ادامه و در هم آمیختن شعارهای گذار از جناحین نظام و تأیید دستاوردهای پهلوی‌ها نیست تا تردیدی برای کسی باقی نماند که آنچه می‌بایست و شایسته است بعد از جمهوری اسلامی بیاید، یک نظام مبتنی بر حاکمیت ملی و میراث‌دار سربلندی‌های داخلی و بین‌المللی دوران پهلوی است که باید حقوق انسانی و آزادی‌های فردی و اجتماعی را تأمین و تضمین کند. میراث‌قابل‌انکالی که می‌تواند نقطه‌ی پایان بر دوران انسداده و خفت‌بار حکومت دینی گذشته و راه را برای آزادی و آسایش مردم به سوی آینده بگشاید.

روشنگ آسترکی

۴۰ سال از آغاز فعالیت انواع و اقسام نهادهای مغزسویی نظام در دستگاه‌های آموزشی و تبلیغی می‌گذرد تا اصول و خطوطی را به نام «ارزش»، «اخلاق» و «امنیت اجتماعی» در نسل‌های رو به زایش و در حال پرورش تزریق کنند. از دیوارنوشته‌هایی در مدح حجاب تا تصاویر زنانه‌ی که هویت‌شان در پس چادری سیاه پنهان است و باید زن «خوب» ایرانی را به عنوان زن مسلمان، مجذبه و بی‌چهره تعریف کند.

اما سال‌هاست پس از آنکه نخستین صدای اعتراض زنان علیه حجاب اجباری در ۱۷ اسفند ۱۳۵۷ از سوی حکومت و همه‌ی گروه‌های مدعی سیاست ناشنیده ماند، زنان راه خود را می‌روند. مدت‌هاست که با وجود تمام تبلیغات گسترده و فشارهای جانفرسا، زنان ایران در پی حقوق بدیهی خویش هستند. اگرچه تلاش زنان برای کسب آزادی، برابری حقوقی با مردان، و بیرون رستن از اسارت ایدئولوژی و جنسیت‌زدگی حاکم،

برای گفتن ندارد بلکه سیاست و اسلام سیاسی است که وارد میدان شده و تنها حربه‌اش برای تحمیل خود، سرکوب است. در حالی که تصور میشد این کارزارها علیه حجاب اجباری بر اثر سرکوب، مانند «آزادی‌های یواشکی» به تدریج کم‌رنگ و بی‌رنگ شود، ولی نه تنها بر شمار زنانه‌ی که به دنبال آزادی یواشکی نیستند افزوده شد بلکه تلاش‌های فردی آنها اکنون به یک خواست جمعی بدل شده و تماشایچیان دیروز را به همراهان امروز بدل کرده است. با این حال، مقامات و نهادهای مربوطه از جمله نیروی انتظامی سعی می‌کنند اینطور نشان دهند که فقط بخش اندکی از زنان ایران خواهان آزادی پوشش هستند. جانشین فرمانده نیروی انتظامی حتی ادعا کرد که ۹۰ درصد زنان به حجاب و پوشش اسلامی اعتقاد دارند و پلیس فقط با ۱۰ درصد باقی‌مانده برخورد می‌کند!

این در حالیست که به اعتبار



همواره وجود داشته، ولی از دی‌ماه سال ۹۶ حرکت زنان ایران برای گذشتن از سد «باید» حجاب، نه در پستوی گفت‌وگو و سیاست‌گذاری اصلاح‌طلبان بلکه بطور علنی بر سکوها توسط «دختران خیابان انقلاب» فریاد زده می‌شود. حالا مبارزان این عرصه نه صرفاً فعالان حقوق بشر و حقوق زنان بلکه توده‌ی زنان هستند که در تلاش‌اند حجاب اجباری را از زندگی خود و جامعه حذف کنند.

دین یا سیاست؟!

حجاب یا پوشش سر و تن زنان از بنیان‌های اساسی نظام اسلامی و همراه با ضمانت‌نامه‌ای از احکام فقهی مراجع حاکم بر ایران است. از این روست که اعتراض به حجاب اجباری، ریشه‌سست «نظام مقدس» را به لرزه می‌اندازد و برای حفظ آن از نیروهای سرکوبگر بهره می‌برد.

در این بین، استراتژی حکومتی مجالی برای نگاه نقادانه به محق بودن «دین» در تفسیر و ارائه بایدها در انتخاب پوشش و لباس را بر نمی‌تابد و سعی می‌کند تا با تکیه بر دستگاه قضایی و استفاده از اهرم‌های فشار شامل نیروی انتظامی، گشت ارشاد، نیروهای بسیج و سپاه، دلواپسان و حال‌اتش به اختیاریان، فقط تحمیل کند. اما در دو سال اخیر و پس از آنکه ویدا موحد به عنوان اولین «دختر خیابان انقلاب» روسری خود را بر چوب کرد، اعتراض به حجاب اجباری در بافت‌های مختلف جامعه‌ی زنان و همچنین مردان نفوذ یافته و کمپین‌های گسترده‌ای که عمدتاً توسط مسیح علینژاد روزنامه‌نگار پارلمانی سابق و فعال حقوق زنان کنونی، راه‌اندازی شده‌اند، مورد قبال بسیار قرار می‌گیرند. زنان بی‌حجاب و با حجاب که معتقد به آزادی پوشش هستند در «دوربین ما اسلحه ما»، «چهارشنبه‌های سفید» و «پیاپی‌های بدون حجاب» مشارکت کرده‌اند.

در چنین کارزارهایی «دین» حرفی

زنان ایران

همواره علیه سرکوب، همیشه برای آزادی

زندان ۲۰ ساله روبرو شدند که از آن میان مریم شریعتمداری و شاپرک شجری‌زاده ایران را ترک کردند. به تازگی، یاسمن آریانی، منیره عربشاهی و مژگان کشاورز از معترضان به حجاب اجباری که در مترو تهران به مناسبت روز جهانی زن به زنان محجبه گل داده بودند، در مجموع به ۵۵ سال زندان محکوم شدند. فرشته دیدنی، صبا کردافشاری و راحله احمدی از دیگر معترضان به مقررات تحمیلی حجاب اجباری که از فروردین‌ماه سال جاری بازداشت شده‌اند، با موارد اتهامی چون «تشویق و فراهم نمودن موجبات فساد و فحشا»، «اجتماع و تبانی به قصد اقدام علیه امنیت ملی» در زندان بسر می‌برند.

حکومت هارتر می‌شود

اگر تا دهه ۷۰ خورشیدی، «بی‌حجابی» و «بدحجابی» مجازات شلاق داشت، حالا در بحرانی‌ترین دوران عمر جمهوری اسلامی، زنان به جرم آزادیخواهی در انتخاب پوشش خود، به زندان‌های طولانی محکوم می‌شوند و در کوچه و خیابان توسط اعوان و انصار حکومت مورد تهدید، تحقیر و تعقیب قرار گرفته و حتی در زندان مورد ضرب و جرح قرار می‌گیرند.

در این میان، نیروی انتظامی تلاش کرده است با صدور مجوز برای فعالیت ایذایی آتش به اختیاریان در مزاحمت و اعمال خشونت علیه زنان و عمومی اعلام کردن حریم خصوصی اتومبیل و حتی تراس خانه‌ها، عرصه را برای فعالیت زنان علیه حجاب اجباری تنگتر کند. نهادهای سرکوب حتی بر آن شدند تا مردم را علیه خود به «جاسوسی» و «خبرچینی» کردند تا از زنان «بدحجاب» فیلم

و عکس بگیرند و درباره آنها گزارش بدهند! اما صفحه‌ی «دادسرای ارشاد» با گزارش همین مردم در اینستاگرام مسدود شد!

سپس نیروی انتظامی تلاش کرد با ارسال پیامک اخطار به رانندگان «بدحجاب» و همچنین تاکسی‌ها و آژانس‌های حامل «بدحجاب»، اهرم فشار و سرکوب را بیرون از سیستم خود طراحی کند و رانندگان سرویس‌های رفت و آمد را تحت فشار قرار دهد تا از سوار کردن زنان «بدحجاب» خودداری کنند!

از اینهمه تعیین زندان از یک تا ده سال به جرم ارسال فیلم و عکس به خارج و برای مسیح علینژاد را می‌توان نقطه‌ی اوج حقارت و بیچارگی نظام جمهوری اسلامی و دستگاه‌های عرض و طویل قضایی و تبلیغاتی آن در مقابله با زنانه‌ی دانست که فقط حقوق اولیه‌ی خود را می‌خواهند! حقوقی که یکی از آنها پیش از انقلاب اسلامی در ایران حتی یک امر کاملاً بدیهی و پیش پا افتاده بوده است: پوشش اختیاری!

حالا حکومت انتظار دارد با اینهمه تجارب ناکام در سرکوب و اینهمه فشار علیه زنان، چه پاسخی از آنها بشنود؟! تسلیم شوند؟! نه! آنها یک گام فراتر رفته و انگشت بر نقطه‌ی حساس نظام گذاشته‌اند: رأی بی‌رأی!

انتخابات استوایی مجلس شورای اسلامی که قرار است اسفندماه ۹۸ برگزار شود چنان برای نظام اهمیت حیاتی دارد که مقامات از مدت‌ها پیش تبلیغ زودرس برای آن را شروع کرده و حتی از مخالفان خواسته‌اند که در آن شرکت کنند! بخش مهمی از این مخالفان اما زنان هستند! بخش مهمی از موافقانش هم زنانی هستند که مخالف حجاب اجباری‌اند! این زنان نه تنها می‌توانند آرای خود را از نظام دریغ کنند بلکه این ظرفیت را دارند که مردان جامعه را نیز با خود همراه نمایند.

آزاده کریمی

تمدید معافیت‌های تحریم برنامه اتمی غیر نظامی ایران؛ تدارک برای تحویل «ناهیدها» به وزارت دفاع



ترامپ، بولتون و پمپئو در کاخ سفید، ۲۰ ژوئیه ۲۰۱۹

درباره‌ی به پرتاب ماهواره «ناهیدها» گفته «کار پژوهشگران پژوهشگاه فضایی تمام و تست‌های نهایی آنها انجام شد و احتمالاً ظرف یکی دو هفته آینده ماهواره ناهید ۱ برای قرار گرفتن در مدار، تحویل وزارت دفاع داده خواهد شد و بعد از سیکل آزمایش‌هایی که وزارت دفاع باید روی آن انجام دهد، طی مراحل آماده‌سازی، ماهواره در مسیر مدار قرار می‌گیرد.»

آذری جهرمی گفت: «زمان و چگونگی قرار گرفتن ماهواره در مدار، بسته به همت و تلاش وزارت دفاع دارد و با توجه به ایراداتی که در دو پرتاب قبلی بود، ایرادات را استخراج کردند و الان امید بسیار بالایی برای قرار گرفتن ماهواره در مدار وجود دارد. ماهواره ناهید ۱، نخستین ماهواره مخابراتی کشورمان است که در پژوهشگاه فضایی سامانه‌های ماهواره پژوهشگاه فضایی ایران طراحی و ساخته شده است.»

در اوج بحران‌های خاورمیانه، منابع آمریکایی گزارش می‌دهند که در آخرین ساعات روز چهارشنبه ۱۴ ژوئیه (یکم مرداد)، سپاه یک موشک بالستیک میان‌برد را آزمایش کرده است.

اگر به این موارد مسائل دامنه‌دار مربوط به نفتکش‌ها افزوده شود از مجموعه‌ی همه اینها به نظر می‌رسد که تهران در روزهای آینده در موقعیتی به مراتب پیچیده‌تر قرار خواهد گرفت. همچنین با قرار گرفتن نام محمدجواد ظریف در فهرست تحریم‌های آمریکا بجز واکنش‌های لفظی هنوز اقدام عملی از سوی جمهوری اسلامی صورت نگرفته و حتی مشخص نیست اگر بنا بر تقابل عملی باشد چه ابزار و راهکارهایی برای تهران باقی مانده است؟

یک روز پیش از آنکه نامش در فهرست تحریم‌های آمریکا قرار گیرد در حاشیه جلسه هیات دولت گفت، کانال مالی اینستکس هنوز عملیاتی نشده و اگر هم عملیاتی شود باید پول نفت به این سامانه بیاید و نباید وسیله‌ای برای اجرای دستورات آمریکا باشد. بنا به آخرین گزارش‌ها میزان فروش نفت ایران به ۱۰۰ هزار بشکه در روز رسیده که در چهل سال گذشته بی‌سابقه است.

تحریم‌های آمریکا در مرحله‌ی جدید شرکت‌های نفتی و نفتکش‌های چینی را هدف قرار داده و سنگاپور دو کشتی چینی را که حامل گاز مایع ایران بودند توقیف کرده است. مقام‌های جمهوری اسلامی ایران تهدید کردند اگر اروپا در مهلت باقی مانده به تعهدات خود عمل نکند «گام سوم» در کاهش تعهدات برجاسی برداشته خواهد شد. سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی تهدید کرده «گام سوم» آخرین مهلت طرف اروپایی برجاسی است. روشن نیست در صورتی که اروپایی‌ها نتوانند نفت ایران را خریداری کنند رژیم چطور تهدیدات خود را عملی خواهد کرد.

جمهوری اسلامی هفته گذشته بار دیگر دست به آزمایش موشکی زد و امیر حاتمی وزیر دفاع جمهوری اسلامی آن را اقدامی طبیعی دانست که بر اساس برنامه اجرا شده و گفت، «اگر بر روی بعضی از موضوعات کار رسانه‌ای خاص می‌کنند دنبال اهداف خاص خودشان هستند اما نیروهای مسلح برنامه‌هایشان کاملاً مرتب اجرا می‌شود از جمله تست موشک.»

در این میان، محمدجواد آذری جهرمی وزیر ارتباطات نیز از آزمایش نهایی ماهواره مخابراتی «ناهیدها» خبر داده است. آذری جهرمی در پاسخ به پرسشی

● وزیر خزانه‌داری آمریکا استدلال کرده که بخشی از فعالیت اتمی ایران که به امور غیر نظامی مربوط می‌شود و ممکن است از نظر درمان بیماران نیز ضروری باشد، از تحریم‌های اعلام شده حذف شود.

● مقام‌های ایران تهدید کرده‌اند اگر اروپا در مهلت باقی مانده به تعهدات خود عمل نکند «گام سوم» در کاهش تعهدات برجاسی برداشته خواهد شد.

● امیر حاتمی وزیر دفاع: تست موشک طبیعی است. ● آذری جهرمی وزیر ارتباطات: احتمالاً ظرف یکی دو هفته آینده ماهواره ناهید ۱ برای قرار گرفتن در مدار، تحویل وزارت دفاع داده خواهد شد.

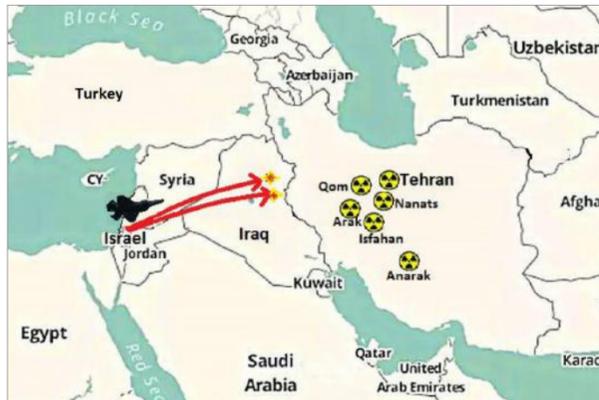
مشاور امنیت ملی کاخ سفید اعلام کرد که تعلیق تحریم‌های ناظر بر فعالیت‌های غیر نظامی اتمی جمهوری اسلامی برای ۹۰ روز دیگر تمدید می‌شود، هم‌زمان جمهوری اسلامی خود را آماده سومین مرحله از کاهش تعهداتش در برجاسی می‌کند. به گزارش رویترز، جان بولتون تأکید کرده آمریکا با دقت تمام فعالیت‌های اتمی ایران را زیر نظر دارد.

گزارش‌ها حاکیست دولت‌های اروپایی برای تمدید این معافیت‌ها با آمریکا مذاکره کرده‌اند. آنها نگران فروپاشی برجاسی هستند، روسیه، چین و کشورهای اروپایی از این تصمیم دولت آمریکا استقبال کرده‌اند.

روزنامه واشنگتن پست پیش از این نوشته بود بولتون به شدت مخالف تمدید این معافیت‌ها است اما به تقاضای وزیر خزانه‌داری آمریکا ترامپ به تمدید معافیت‌ها موافقت کرده. استدلال استیون منوچین این بوده که بخشی از فعالیت اتمی ایران که به امور غیر نظامی مربوط می‌شود و ممکن است از نظر درمان بیماران نیز ضروری باشد، از تحریم‌های اعلام شده حذف شود.

محمدجواد ظریف وزیر خارجه جمهوری اسلامی ایران، نهم مرداد،

عملیات جنگنده‌های اسرائیل در عراق؛ نگرانی جمهوری اسلامی از سکوت بغداد



این کشور که ادعای دوستی با جمهوری اسلامی دارند در مورد این اقدامات سنگین جواب بخواهند. در مقابل اما گروهی دیگر معتقدند باید سیاست سکوت در پیش گرفت و از اتخاذ هرگونه موضع رسمی که بر حضور نیروهای سپاه در عراق مهر تأیید می‌زند پرهیز کرد.

توانایی جنگنده‌های اسرائیل برای مأموریت‌های دور دست و امکانات ناکافی پدافندی برای مقابله با آنها به نگرانی جدی برای جمهوری اسلامی ایران تبدیل شده است.

● در میان سیاستمداران و نظامیان این «ابهام جدی» مطرح است که رهبران عراق از حملات اسرائیل مطلع بوده و ایران را در جریان نگذاشته‌اند و یا بدون اطلاع آنان این حملات صورت گرفته است؟ ● اگر پدافند ارتش و سپاه نتوانند در مقابل جنگنده‌های اسرائیلی واکنش نشان دهند مقابله با آنها با توجه به فرسودگی جنگنده‌های نیروی هوایی ارتش تقریباً غیرممکن است.

این کشور که ادعای دوستی با جمهوری اسلامی دارند در مورد این اقدامات سنگین جواب بخواهند. در مقابل اما گروهی دیگر معتقدند باید سیاست سکوت در پیش گرفت و از اتخاذ هرگونه موضع رسمی که بر حضور نیروهای سپاه در عراق مهر تأیید می‌زند پرهیز کرد. توانایی جنگنده‌های اسرائیل برای مأموریت‌های دور دست و امکانات ناکافی پدافندی برای مقابله با آنها به نگرانی جدی برای جمهوری اسلامی ایران تبدیل شده است.

● در عراق هیچ معنایی جز نزدیک شدن هواپیماهای اسرائیلی به سایت‌ها و مراکز اتمی ایران ندارد.

● در عراق هیچ معنایی جز نزدیک شدن هواپیماهای اسرائیلی به سایت‌ها و مراکز اتمی ایران ندارد.

● در عراق هیچ معنایی جز نزدیک شدن هواپیماهای اسرائیلی به سایت‌ها و مراکز اتمی ایران ندارد.

● در عراق هیچ معنایی جز نزدیک شدن هواپیماهای اسرائیلی به سایت‌ها و مراکز اتمی ایران ندارد.

● در عراق هیچ معنایی جز نزدیک شدن هواپیماهای اسرائیلی به سایت‌ها و مراکز اتمی ایران ندارد.

● در عراق هیچ معنایی جز نزدیک شدن هواپیماهای اسرائیلی به سایت‌ها و مراکز اتمی ایران ندارد.

هیأتی از شبه نظامیان «النجماء» هفته آینده به ایران سفر می‌کند

پاسداران انقلاب اسلامی در ایران دستور می‌گیرند. آنها سهم زیادی در کشتن نیروهای آمریکایی و غیر نظامی‌ها داشته‌اند و بازوی اصلی رژیم ایران در عراق به شمار می‌روند.

هر قدر کانال‌های دیپلماتیک در فضای بین‌المللی به روی جمهوری اسلامی بیشتر بسته می‌شود، رفت و آمد رهبران شبه نظامیان و گروه‌های نیابتی به ایران افزایش می‌یابد.

پایگاه خبری فارین پالیسی در گزارشی نوشته است که دولتمردان عراق تلاش می‌کنند تا کنترل شبه نظامیان مورد حمایت جمهوری اسلامی را به دست بگیرند اما می‌دانند که این کار در شرایط کنونی ممکن نیست، هر چند آمریکا برای رسیدن به این هدف به بغداد فشار می‌آورد.

بین ۱۳۰ تا ۱۵۰ هزار شبه نظامی در عراق فعال‌اند که از سپاه



النجماء یکی از گروه‌های شبه نظامی است که به حشدالشعبی پیوسته و مورد حمایت تهران قرار دارد

شبه نظامی عصاب اهل الحق منشعب شد و اکرم الکعبی رهبری آن را به عهده گرفت. این گروه نیز که یکی از زیرمجموعه‌های حشدالشعبی است در خدمت جمهوری اسلامی است و هم‌زمان در خاک سوریه در حمایت از رژیم بشار اسد می‌جنگد. یک هفته پیش از این هیأتی از حماس به تهران سفر کرد و با مقامات ارشد جمهوری اسلامی از جمله علی خامنه‌ای دیدار و گفتگو کرد. رهبران حماس سفر اخیر به تهران را نقطه عطفی در روابط دو جانبه دانسته‌اند.

● بعد از سفر اخیر اعضای بلند پایه حماس، گروهی از اعضای النجماء به ایران سفر خواهند کرد. ● نمایندگان گروه‌های شبه نظامی مورد حمایت جمهوری اسلامی از لبنان، فلسطین، یمن و بحرین قرار است در نشستنی با عنوان بررسی تبعات منفی حضور آمریکا در منطقه غرب آسیا شرکت کنند.

● بعد از سفر اخیر اعضای بلند پایه حماس، گروهی از اعضای النجماء به ایران سفر خواهند کرد. ● نمایندگان گروه‌های شبه نظامی مورد حمایت جمهوری اسلامی از لبنان، فلسطین، یمن و بحرین قرار است در نشستنی با عنوان بررسی تبعات منفی حضور آمریکا در منطقه غرب آسیا شرکت کنند.

هیأتی از شبه نظامیان جنبش مقاومت اسلامی «النجماء» به ریاست معاون دبیرکل و سخنگوی رسمی این تشکیلات هفته آینده وارد ایران می‌شود. خبرگزاری ایلنا، پنجشنبه دهم مرداد، نوشت نصر الشمری در رأس این هیأت با مراجع تقلید و چهره‌های سیاسی و نظامی دیدار خواهد کرد. این هیأت که سفرش از قم شروع خواهد شد قرار است پیام شیخ اکرم الکعبی دبیرکل جنبش نجماء را به تهران منتقل کند. این گروه قرار است در نشستنی با موضوع «بررسی تبعات منفی حضور

● در میان سیاستمداران و نظامیان این «ابهام جدی» مطرح است که رهبران عراق از حملات اسرائیل مطلع بوده و ایران را در جریان نگذاشته‌اند و یا بدون اطلاع آنان این حملات صورت گرفته است؟

● اگر پدافند ارتش و سپاه نتوانند در مقابل جنگنده‌های اسرائیلی واکنش نشان دهند مقابله با آنها با توجه به فرسودگی جنگنده‌های نیروی هوایی ارتش تقریباً غیرممکن است.

● در عراق هیچ معنایی جز نزدیک شدن هواپیماهای اسرائیلی به سایت‌ها و مراکز اتمی ایران ندارد.

طی ۱۰ روز نیروی هوایی ارتش اسرائیل دو مقر نظامی نیروهای حشدالشعبی در عراق را که گروهی از نیروهای سپاه پاسداران در آنها مستقر بودند مورد حمله قرار داد.

در حمله اول پایگاه امرلی در استان صلاح‌الدین و در حمله دوم پایگاه «ابومنظور المحمداوی» (کمپ اشرف) در استان دیالی در ۸۰ کیلومتری مرز ایران که هدف قرار گرفت. دولت عراق به هیچیک از این حملات واکنش نشان نداد، در حالی که وزارت خارجه این کشور حمله هوایی ارتش ترکیه به سلیمانیه را که اواسط تیرماه صورت گرفت محکوم کرد.

گزارش‌ها حاکیست اسرائیل با جنگنده‌های رادارگریز F35 این حملات را انجام داد و تعدادی از فرماندهان و نیروهای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در این حملات کشته و زخمی شدند اما جمهوری اسلامی طبق معمول سکوت کرد.

در یک سال و نیم گذشته اسرائیل بیش از ۲۰۰ عملیات هوایی و موشکی علیه سپاه قدس و حزب‌الله در خاک سوریه انجام داد اما بمباران مراکز نظامی وابسته به نیروهای «مقاومت» حاکی از عزم جدی اسرائیل برای مقابله با سپاه و شبه نظامیان شیعه وابسته به آن دارد.

منابع اطلاعاتی اسرائیل در هفته‌های گذشته خبر دادند که شبه نظامیان در عراق محموله‌های تسلیحاتی از جمله موشک‌های نقطه‌زن از ایران دریافت کرده‌اند که تهدیدی برای اسرائیل به شمار می‌رود. همچنین گزارش شده بود ایران از طریق نیروهای حماس تحرکات تازه‌ای را در غزه آغاز کرده است. منابع غیررسمی نیز مدعی شده‌اند اخیراً قاسم سلیمانی فرمانده سپاه قدس در منطقه ابوکمال سوریه حوالی مرز عراق دیده شده است.

● سکوت بغداد هدف قراردادن دو پایگاه نزدیک مرزهای ایران، برای جمهوری اسلامی نگران کننده است اما از آن مهمتر برای تهران سکوت دولت عراق است. برهم صالح رئیس جمهوری عراق، پنجم تیرماه ۱۳۹۸، در مصاحبه با CNN گفت کشورش تحت هیچ شرایطی اجازه استفاده از پایگاه‌های عراق را برای حمله نظامی به ایران نخواهد داد و اجازه نمی‌دهد عراق جبهه‌ای برای اقدام خصمانه علیه هیچیک از همسایگان تبدیل شود.

در ایران اکنون میان سیاستمداران و نظامیان این «ابهام جدی» مطرح است که آیا رهبران عراق از حملات اسرائیل مطلع بوده و ایران را در جریان نگذاشته‌اند و یا بدون اطلاع آنان این حملات صورت گرفته است که در این صورت چرا دولت بغداد واکنشی به آن نشان نداده است؟

اکنون برخی از جریان‌های نزدیک به جریان اصلی قدرت، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و وزارت خارجه جمهوری اسلامی را تحت فشار قرارداده‌اند که نسبت به سکوت دولت عراق اعتراض کنند و یا از دولتمردان

دارالترجمه بین المللی فریس

زیر نظر و با مسئولیت دکتر ناصر رحیمی (استاد دانشگاه)

ترجمه رسمی شناسنامه، قبالة ازدواج و طلاق، مدارک حقوقی، تجاری، طبی، تحصیلی و مدارک مربوط به تقاضای پناهندگی

تلفن: 020-8735 6500 / 020-8222 8884 / 020-8222 8831

فکس: 020-7760 7160

www.assot.co.uk
Email: assot@aol.com

Suite 611, Britannia House, 11 Glenthorne Road
Hammersmith, London W6 0LH

دوشنبه تا جمعه ۱۰ صبح تا ۵ بعد از ظهر

عضو پیشین وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی: دی ماه ۹۶ مردم به هواداری از پهلوی ها شعار دادند



تهران، ولعیصر، ۱۰ دی ماه ۱۳۹۶

می‌دهند!
هشدار اصلاح طلبان نسبت به قدرت گرفتن جریان براندازی و پهلوی‌ها

در هفته‌های اخیر این چندمین بار است که مهره‌های ارشد نظام، اطلاعاتی‌ها، تحلیلگران و رسانه‌های وابسته به حکومت از تقویت جریان براندازی و استقبال عمومی مردم از پهلوی‌ها می‌گویند.

اواسط خردادماه، صادق زیباکلام استاد علوم سیاسی و از حامیان پروپاقرص جریان موسوم به اصلاحات در یک مصاحبه گفت «بازار براندازها و فرسنگ‌ردی‌ها خیلی پررونق شده است».

حجت‌الاسلام محمد خاتمی رئیس دولت اصلاحات نیز، ۱۵ تیرماه، در دیدار با اعضای جامعه مهندسان نسبت به قوت گرفتن «ذهنیت براندازی» و موفقیت براندازان هشدار داد.

نگرانی از آغاز مجدد اعتراضات و اعتصابات

رحمانی فضلی، شنبه شب پنجم مرداد، در برنامه «نگاه یک» در پاسخ به «شکندگی‌های موجود در بحث امنیت» گفت، یکی از اهداف اصلی تحریم و دشمنان افزایش اعتراضات بود و مبنای این هدف‌گذاری به دی‌ماه ۹۶ برمی‌گردد. او با اشاره به اینکه دشمنان نسبت به آن اتفاقات، تحلیل غلط داشتند گفت با همین تحلیل غلط مجموعه‌ای از اقدامات را شروع کردند و شاید یکی از دلایل تقویت تحریم‌ها همان موضوع بوده است.

رحمانی فضلی ادعا کرده، مخالفان جمهوری اسلامی دچار تحلیل غلط شدند و «روند تنش‌ها و اعتراضات شش ماهی که تحریم‌ها بیشتر شده است رو به پایین است».

او اشاره کرد در سه ماهه اول امسال نسبت به سه ماهه اول سال گذشته ۲۸ درصد کاهش اعتراضات و تنش‌ها را داشته‌ایم اما با تاکید کرده، «این به معنای این نیست که مردم راضی هستند. چون ما در نظرسنجی‌هایی که انجام می‌دهیم، مردم از برخی قیمت‌ها و افزایش تورم ناراضی هستند؛ اما چرا تبدیل سیاسی مردم و فقهی و شناخت درست‌شان از دشمن، اولویت اولشان حفظ امنیت و انسجام داخلی است و می‌دانند که کشور داخل یک جنگ تحریمی اقتصادی است و هدف دشمن تحریک و تهییج داخلی است. بنابر این مردم جواب خوبی به دشمنان دادند.»

او همچنین گفت، «به لطف خداوند متعال و هدایت‌های درست رهبر انقلاب و تصمیمات درستی که دولت و نیروهای امنیتی و نظامی و انتظامی گرفتند شرایط امنیتی کشور خوب است. البته این نباید ما را غفلت‌زده کند و اعتراضات و ناراضی‌ها را نینیم و پاسخ مشکلات را ندهیم. هر حادثه‌ای می‌تواند منجر به یک اتفاق بزرگ شود ما باید با مردم همراه باشیم و مسائل را حل کنیم».

رحمانی فضلی این معما را حل نکرد که اگر جمهوری اسلامی می‌تواند به مشکلات پاسخ دهد، چرا در دوران آرامش قادر به این کار نیست و هر بار در شرایط بحرانی ادعا می‌شود که باید «مسائل را حل کنیم»!

ناصر رضوی در گفتگو با مهر: در شورش ۹۶ جمعیت گفتند «رضاشاه، روح شاد» و رضا پهلوی بهره‌اش را برد. «وقتی مردم شعار دادند رضاشاه، روح شاد آمریکا تصور کرد آن جمعیت را رضا پهلوی به خیابان‌ها کشانده به همین دلیل سرمایه‌گذاری آمریکا از آن زمان به بعد، به سمت او کشیده شد».

«گرایش آمریکا امروز بیشتر به سمت سلطنت‌طلبان است؛ در عین حال، سازمان مجاهدین را هم پس نمی‌زند».

رحمانی فضلی وزیر کشور: شرایط امنیتی کشور خوب است ولی هر حادثه‌ای می‌تواند منجر به یک اتفاق بزرگ شود!

مأمور سابق امنیتی ادعا می‌کند تظاهرات ۹۶ را مجاهدین به راه‌انداختند، اصلاح طلبان می‌گویند حامیان رئیسی جرقه تظاهرات را زدند و حزب‌اللهی‌ها مدعی‌اند فتنه‌گران و حامیان اصلاحات آن را به راه‌انداختند! واقعیت اما بسیار ساده‌تر از اینهاست: مردم برای مطالبات خود به خیابان‌ها آمده و از آن موقع هر بار در تجمعات و تظاهرات مختلف در سراسر کشور شعار به سود «پهلوی‌ها» شنیده می‌شود. اگر این ادعاها که با هدف کم‌رنگ کردن «پهلوی‌ها» تبلیغ می‌شوند، درست باشد، تازه نشان می‌دهد که گروه‌های مربوطه چقدر از واقعیت جامعه به دور هستند که نمی‌دانند اگر تظاهراتی به راه بیندازند، تظاهرکنندگان نه اهداف آنها بلکه خواست خودشان را شعار می‌دهند!

یکی از اعضای پیشین وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی با توجه به حساسیت‌های موجود در جامعه مدعی شده است که «کل تظاهرات دی‌ماه ۹۶ کار سازمان مجاهدین بود!» وی اما در این گفتگو به هواداری مردم از شاهزاده رضا پهلوی نیز اعتراف کرده است!

ناصر رضوی از ماموران سابق وزارت اطلاعات در مصاحبه‌ای با خبرگزاری مهر که امروز، نهم مرداد، منتشر شد ادعا کرده سازمان مجاهدین در دی‌ماه ۹۶ شورش ایجاد کرد اما به یکباره عقب کشید چون دید جمعیت را به خیابان آورد اما آنها گفتند «رضاشاه، روح شاد» و رضا پهلوی بهره‌اش را برد.

این مامور پیشین وزارت اطلاعات ارادت خالصانه خود را به نظام نشان داده و بارها در اظهار نظرها و مطالبی که در روزنامه‌اش چاپ کرده است علیه مخالفان نظام که از دمکراسی دفاع می‌کنند و به دنبال براندازی نظام هستند، موضع‌گرفته و برای خوش‌خدمتی به ولایت و ولی فقیه چیزی کم نگذاشته است.

با وجود تمام این گمانه‌زنی‌ها، و با فرض جدی بودن شکایت شورای عالی امنیت ملی، باید دید که نظام و علی‌خامنه‌ای به عنوان رهبر آن، تا چه اندازه متعطف و گمانه‌زنی‌ها، و با فرض جدی بودن شکایت شورای عالی امنیت ملی، باید دید که نظام و علی‌خامنه‌ای به عنوان رهبر آن، تا چه اندازه متعطف و بسته عمل می‌کنند. حتی مطرح کردن پیشنهاد وزارت اطلاعات و سناریوهای مشابه که با هدف کم‌رنگ کردن «پهلوی‌ها» تبلیغ می‌شوند، درست باشند، تازه نشان می‌دهد که گروه‌های مربوطه چقدر از واقعیت جامعه به دور هستند که نمی‌دانند اگر تظاهراتی به راه بیندازند، تظاهرکنندگان نه اهداف آنها بلکه خواست خودشان را شعار

شاهزاده رضا پهلوی: برای حفاظت و حراست از آب و خاک و منافع ملی به پاخیزید و نمایندگان مجلس را وادار به دفاع از حقوق خود کنید!



این سرزمین می‌دهد. جای تعجب نیست که مجلسی که باید متشکل از نمایندگان واقعی مردم باشد، به دلیل ماهیت فرمایشی و غیرآزاد انتخابات در جمهوری اسلامی، به جای دفاع از حقوق مردم، در برابر فاجعه بزرگ واگذاری خزر (کاسپین) سکوت کرده است.

هم‌میهن‌ها، اکنون بجاست که خود برای حفاظت و حراست از آب و خاک و منافع ملی به پاخیزید و مصمم و یک‌صدا، نشستگان بر کرسی نمایندگی مجلس را وادار به دفاع از حقوق خود کنید و بدین ترتیب از تکرار و تداوم حوادث شوم تاریخی جلوگیری نمایید.

بدانیم که تنها راه پیروزی، اتحاد و همدلی است. پاینده ایران از خزر تا خلیج فارس رضا پهلوی»

شاهزاده رضا پهلوی، جمعه شب ۱۱ مرداد ۱۳۹۸، در بیانیه‌ای با اشاره به واگذاری سهم ایران از دریای خزر (کاسپین) از منافع ملی، نمایندگان مجلس شورای اسلامی را وادار به دفاع از حقوق خود کنند. متن این بیانیه که از طریق اینستاگرام و کانال تلگرامی رسمی رضا پهلوی منتشر شد به این شرح است: «هم‌میهن‌ها،

حدود یک سال قبل (۲۳ مردادماه ۱۳۹۷) در بیانیه‌ای در خصوص «کنوانسیون وضعیت حقوقی دریای خزر» یادآور شدم که پاسداری از منافع ملی، از موضع ضعف و در چارچوب سیاست‌های بحران‌زا و بحران‌زوی فرقه تبهکار حاکم بر ایران ممکن نیست. در آن بیانیه تاکید کردم که جمهوری اسلامی در تاریخ چهل ساله خود به قراردادهای ننگین و شرایط تحمیل‌شده از سوی فرصت‌طلبان استعمارگر تن داده که متأسفانه، تاوان سنگین آن را ملت ایران و آب و خاک

شکایت شورای عالی امنیت ملی از نمایندگان به دلیل طرح پیشنهاد مذاکره با آمریکا

دیگری سردار سپاه بوده است. نفوذ الیاس حضرتی در سیستم در این حد است که اواخر دی‌ماه سال ۱۳۹۴ صلاحیت او برای حضور در رقابت‌های دهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی به همراه جمعی دیگر رد شد، اما ۲۰ بهمن تایید صلاحیت گرفت و دو سه روز بعد «الیست امید» به همراه اسم او بسته شد.

یادآوری می‌شود که دوم مرداد، اعضای کمیسیون اقتصادی مجلس و در راس آنها حضرتی که رئیس این کمیسیون است با شمخانی دبیر شورای عالی امنیت ملی دیدار کرده بودند و ظاهراً خبری از این شکایت نبود! البته شمخانی در این دیدار تاکید کرد «مذاکره با کسی که به هیچ چیز پایبند نیست، حماقت است.» این حرف می‌تواند پاسخی به پیشنهاد حضرتی در همین دیدار بوده باشد. ولی با توجه به اینکه حضرتی زودتر از فلاح‌پیشه پیشنهاد مذاکره با آمریکا را مطرح کرد چرا ابتدا شکایت از فلاح‌پیشه مطرح می‌گردد این مصوبه فقط شفاهی اعلام شده است.

حضرتی ۳۱ اردیبهشت، در مصاحبه با «خانه‌ملت» گفته بود «محمدجواد ظریف به تنهایی در این برهوت دنیا، صدای جمهوری اسلامی شده در حالی که معتقدم از این تک‌صدایی باید خارج شویم.» وی سپس پیشنهاد تشکیل لایه ۱۰۰ نفره برای گفتگو با مقامات آمریکایی و اروپایی را داده بود. نکته مهم اینجاست که رئیس شورای عالی امنیت ملی، حسن روحانی است که ادعا می‌کند در پی مذاکره با آمریکا در شرایط برابر است. یکی دیگر از آنهایی که پیشنهاد مذاکره با آمریکا را مطرح کرده حجت‌الاسلام احمد مازنی از «فراکسیون امید» است.

شکایت شورای عالی امنیت ملی از نمایندگان که صرفاً پیشنهاد مذاکره با آمریکا را مطرح کرده‌اند از چند زاویه قابل بررسی است.

از قرار معلوم مسیری‌هایی که جمهوری اسلامی پیدا و پنهان برای مذاکره با آمریکایی‌ها تحت شرایط مورد نظر علی‌خامنه‌ای به دنبال آن بوده، به نتیجه نرسیده و حالا کاسه و کوزه‌ها را سر فلاح‌پیشه و حضرتی می‌شکنند. از این دو نفر یکی امنیتی است و



الیاس حضرتی

شورای عالی امنیت ملی علیه من شکایتی مطرح کرد که قرار است فردا [سه‌شنبه] در جلسه هیات نظارت بر رفتار نمایندگان به آن رسیدگی شود.» به گفته وی علت این شکایت تخلف از مصوبه‌ای درباره ممنوعیت مذاکره با آمریکا عنوان شده در حالی که ما معتقدیم محدودیت مذاکره با دولت ترامپ وجود دارد، اما با بقیه نهادهای آمریکایی می‌توان مذاکره کرد. حضرتی می‌گوید این مصوبه فقط شفاهی اعلام شده است.

حضرتی رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی، رستوراندار، قائم مقام حزب «اعتماد ملی» و مدیرمسئول روزنامه اعتماد، دوشنبه هفتم مرداد، در حاشیه جلسه علنی مجلس با اعلام این خبر به خبرنگاران گفت، «مقابله با فشارهای سنگین خارجی را نباید بر دوش فقط یک نفر مانند آقای ظریف بگذاریم. آنجا برای مثال هم افرادی مانند آقای کمال خرازی جهت بیان مواضع به حق جمهوری اسلامی پیشنهاد دادم. گفتم این افراد جلساتی بگذارند و صحبت‌ها را بیان کنند».

او می‌گوید، «به همین دلیل

● مصمم و یک‌صدا، نشستگان بر کرسی نمایندگی مجلس را وادار به دفاع از حقوق خود کنید.

● مجلسی که باید متشکل از نمایندگان واقعی مردم باشد به جای دفاع از حقوق مردم، در برابر فاجعه بزرگ واگذاری خزر (کاسپین) سکوت کرده است.

شاهزاده رضا پهلوی، جمعه شب ۱۱ مرداد ۱۳۹۸، در بیانیه‌ای با اشاره به واگذاری سهم ایران از دریای خزر (کاسپین) از منافع ملی، نمایندگان مجلس شورای اسلامی را وادار به دفاع از حقوق خود کنند. متن این بیانیه که از طریق اینستاگرام و کانال تلگرامی رسمی رضا پهلوی منتشر شد به این شرح است: «هم‌میهن‌ها،

حدود یک سال قبل (۲۳ مردادماه ۱۳۹۷) در بیانیه‌ای در خصوص «کنوانسیون وضعیت حقوقی دریای خزر» یادآور شدم که پاسداری از منافع ملی، از موضع ضعف و در چارچوب سیاست‌های بحران‌زا و بحران‌زوی فرقه تبهکار حاکم بر ایران ممکن نیست. در آن بیانیه تاکید کردم که جمهوری اسلامی در تاریخ چهل ساله خود به قراردادهای ننگین و شرایط تحمیل‌شده از سوی فرصت‌طلبان استعمارگر تن داده که متأسفانه، تاوان سنگین آن را ملت ایران و آب و خاک

شکایت شورای عالی امنیت ملی از نمایندگان به دلیل طرح پیشنهاد مذاکره با آمریکا

● الیاس حضرتی می‌گوید پیشنهاد داده بودم برای مقابله با فشارهای سنگین خارجی افرادی مانند آقای کمال خرازی جهت بیان مواضع بحق جمهوری اسلامی مذاکره کنند.

● این احتمال را نباید نادیده گرفت که طرح شکایت از حضرتی و فلاح‌پیشه با هدف برجسته ساختن تبلیغاتی آنها برای انتخابات آینده مجلس جهت تقویت جناح «بد» در برابر جناح «بدتر» باشد!

● با وجود تمام این گمانه‌زنی‌ها، و با فرض جدی بودن شکایت شورای عالی امنیت ملی، باید دید که نظام و علی‌خامنه‌ای به عنوان رهبر آن، تا چه اندازه متعطف و بسته عمل می‌کنند. چرا حتی مطرح کردن پیشنهاد مذاکره با آمریکا از سوی معتمدین نظام با چنین واکنشی روبرو می‌شود؟!

شورای عالی امنیت ملی جمهوری اسلامی پس از حشمت‌الله فلاح‌پیشه حالا از الیاس حضرتی نیز به دلیل مطرح کردن پیشنهاد مذاکره با آمریکا شکایت کرده است.

حضرتی رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی، رستوراندار، قائم مقام حزب «اعتماد ملی» و مدیرمسئول روزنامه اعتماد، دوشنبه هفتم مرداد، در حاشیه جلسه علنی مجلس با اعلام این خبر به خبرنگاران گفت، «مقابله با فشارهای سنگین خارجی را نباید بر دوش فقط یک نفر مانند آقای ظریف بگذاریم. آنجا برای مثال هم افرادی مانند آقای کمال خرازی جهت بیان مواضع به حق جمهوری اسلامی پیشنهاد دادم. گفتم این افراد جلساتی بگذارند و صحبت‌ها را بیان کنند».

قنوس در آتش

رضا مقصدی - در نوزدهمین سالگرد از دست دادن عزیز شعر پارسی ایستاده‌ایم. این شعر سال‌ها پیش در اسپانیا با یاد آن یار «آن، یگانه‌ترین یار» نوشته شده است.

در آنجا دو چیز بیش از هر چیز مرا به جانب خود می‌خواند: «ماه» و «گارسیا لورکا».

در ساحل، در دیدارهای مهربان با ماه، پیایی صدای هوش‌ربای شاملو با کلام شورانگیز لورکا در جانم می‌ریخت و مرا تا دور، تا لحظه‌های پرشور می‌برد.

نخستین سطرهای این شعر در زیر منشور نور ماه و در آن ساحل، بر کاغذ نشست.

سپس در سال ۷۶ در «دفتر هنر» ویژه احمد شاملو به سردبیری مهریام «بیزن اسدی‌پور» در آمریکا انتشار یافت.

در این لحظه، با بهره‌گیری از کلام فاخر «سایه» عزیزم، به آن «بامداد» همیشه می‌گویم:

یاد دلنشین‌ات، ای امید جان
هر کجا روم، روانه با من است
قنوس در آتش

به قامت بلند حماسه و عشق:
احمد شاملو

... پس

واژه را دوباره فرا خواند
تا از فراز عاطفه‌ی ابر، بگذرد

وز نور

وز غرور

جامی به سربلندی آوازِ عاشقان
بردارد



رضا مقصدی و احمد شاملو

تا بامداد، بر سر ما خیمه گسترده.

همواره یک پرنده
بر شانه‌ی ستبر بلندش
رو سوی روشنایی یکدست
آوازهای تازه به لب دارد.

این کیست؟ از کدام تبار است؟
وقتی که برف را
بر حرف و بر هجای جهان
می بیند
ما را به میهمانی خورشید می
بزد.

گندم
صدای ماست
شادی
جوانه‌اش.

آن جا که آسمان زمان، خالی
از بوسه‌ی برهنه‌ی باران است
بر ریشه‌های تشنه‌ی ما
می بارد.

در کارگاه هستی
- این آفریدگار -
بومی ز خاک دارد

رنگی ز شاعرانگی افلاک
مضمونی از مناظر انسان.

هر جا که عشق
از آن‌بی یگانه‌اش خالی ست
آوازی از سپیده دمان است.

دبری ست «آن کلام مقدس»
با پیکر نشسته به خاکستر
در شعله‌های آتش
می سوزد.

شادا
قنوس را بشارت او زنده
می‌کند.

گیتارهای تاریک!
گیتارهای درد!
«اسپانیا» ترانه‌ی «لورکا» را
چون باغی از انار به جانش
ریخت.

فریاد «بامداد»
اما
میان زخم دل ما
ایستاده است.

اسپانیا ۱۹۹۷

عقب‌نشینی شورای شهر تهران از نامگذاری خیابان‌های شجریان، بهبهانی و فرخزاد!



● خلیل‌آبادی از مذاکره با منتقدان به این نامگذاری خبر داده ولی از اسامی گروه یا دسته احتمالی آنان نام نبرده است. اوایل اردیبهشت ماه امسال عده‌ای که یک آخوند رهبری‌شان می‌کرد، در حوالی برج «میلاد» تهران علیه نامگذاری خیابانی به نام

محمد رضا شجریان تجمع کردند. تجمع کنندگان تندرو شجریان را با الفاظ زشت و توهین آمیزی خطاب کردند. به گفته یک عضو شورای شهر تهران، طرح نامگذاری سه خیابان پایتخت با نام‌های محمد رضا شجریان، سیمین بهبهانی و فرغ فرخزاد با مشکل مواجه شده و احتمال لغو آن وجود دارد. اقدام شورای شهر برای نامگذاری خیابانی به نام شجریان پیشتر با تجمع اعتراضی «تندروها» مواجه شده بود. در حالی که شورای شهر تهران طرح تغییر عنوان خیابان‌های پایتخت را با اسامی چهره‌ها و افراد شناخته شده چون محمد رضا شجریان، سیمین بهبهانی و فرغ فرخزاد را به تصویب رساند و تبلیغات گسترده‌ای هم در این رابطه کرد، حالا یک عضو این شورا می‌گوید اجرای این طرح با مشکل مواجه شده است.

فروردین‌ماه سال جاری، شورای شهر تهران مصوبه تغییر عنوان شهر را به نام بزرگان فرهنگ و هنر تصویب کرد که عدم تناسب تفکرات و عقاید برخی از این چهره‌ها با سیاست‌ها و ایدئولوژی رسمی حکومت جلب توجه می‌کرد. با این مصوبه شورای شهر تهران اسامی برخی از مسیرهای فرعی خیابان

«شهید نعمتی» واقع در محدوده «شهید کلاه‌دوز» تهران به نام‌های منوچهر آتشی، عمران صلاحی، بیژن ترقی، اخوان ثالث، محمدعلی سپانلو و فرغ فرخزاد تغییر پیدا کرد.

همچنین برخی اسامی خیابان‌های شهر به نام عزت‌الله انتظامی، علی نصیریان، محمدعلی کشاورز، داود رشیدی، غلامحسین امیرخانی و محمدرضا شجریان تغییر پیدا کرد. حالا، حسن خلیل‌آبادی عضو شورای شهر تهران می‌گوید احتمال تغییر مصوبه نامگذاری خیابانی به اسم شجریان، بهبهانی و فرخزاد وجود دارد! به گفته وی، «نامگذاری‌ها هنوز اجرایی نشده و در هیأت رئیسه شورای شهر و کمیسیون فرهنگی و اجتماعی این موضوع در حال بررسی است.»

خلیل‌آبادی از مذاکره با منتقدان به این نامگذاری خبر داده ولی از اسامی گروه یا دسته احتمالی آنان نامی نبرده است. اوایل اردیبهشت ماه امسال عده‌ای که یک آخوند رهبری‌شان می‌کرد، در حوالی برج «میلاد» تهران علیه نامگذاری خیابانی به نام محمد رضا شجریان تجمع کردند. تجمع کنندگان تندرو شجریان را با الفاظ زشت و توهین آمیزی خطاب کردند. پرونده شکایت محمدرضا شجریان

از صدا و سیما جمهوری اسلامی نیز دوباره به جریان افتاده است. این پرونده طی ۱۰ سال اخیر توسط قضات مختلف بررسی ولی با طرقداری از صدا و سیما حکومت خاتمه یافته است. طبق اعلام این عضو شورای شهر تهران، «زمان نهایه شدن این موضوع هنوز مشخص نیست، ولی احتمال تغییر این نام‌ها وجود دارد که البته هنوز تصمیم قطعی نشده است.» خلیل‌آبادی خاطر نشان کرد: «تغییر نامگذاری جزو مسؤولیت‌های کمیسیون نامگذاری در شورا است و باید منتظر ماند تا نتیجه نهایه شود.» از سوی دیگر، دوم امردادماه همزمان با نوزدهمین سالروز درگذشت احمد شاملو، مستندی با عنوان «قدیس» از شبکه سه سیما جمهوری اسلامی پخش شد که از زاویه‌ای منتقدانه حکومت به زندگی و نگرش‌های این شاعر می‌پرداخت. همزمان خبرگزاری ایسنا به نقل از همسایه‌های خانه احمد شاملو در منطقه ویلا، گزارش کرده که مالک مجوز گودبرداری خانه را گرفته و به زودی آن را تخریب خواهد کرد. محسن شیخ‌الاسلامی معاون میراث فرهنگی استان تهران در اینبار گفته که با شهرداری منطقه شش تهران نامه‌نگاری و تماس داشته و تأکید کرده‌اند که تخریب این بنا ممنوع است.

پرتره پادشاه و ملکه هلند اثر نقاش پناهجوی ایرانی



کوا قرار بر این شد نقاش ایرانی پروژه پادشاه و ملکه هلند را تحت حمایت سازمان اسکان پناهجویان (کوا) آغاز نماید. این سازمان همزمان با آغاز پروژه مسئولیت و اقدامات لازم جهت فراهم نمودن موقعیتی مناسب برای ارسال اثر به کاخ پادشاهی هلند در شهر لاهه را بر عهده گرفت. این سازمان همچنین نهایت همکاری با این هنرمند را در طی پنج ماه داشته و این اقدامات شامل توسعه فعالیت‌های وی جهت خلق آثار گرافیتی (دیوارنگاری) در سایر کمپ‌های پناهجویی بوده است که منجر به بازتاب و مورد توجه قرار گرفتن آثار این هنرمند از نگاه مخاطبان گردیده. ادریسی همچنین عنوان می‌کند: سازمان کوا در این زمینه صمیمانه برای انجام این پروژه تلاش داشته. حفاظت و استقرار تابلوی نسبتاً بزرگ نقاشی مستلزم مکانی مجزا و خارج از دسترس سایر افراد بوده و این جابجایی‌های روزانه می‌بایست با هماهنگی صورت گیرد. این هنرمند در پاسخ به این پرسش که دلیل و هدف وی از خلق پرتره

می‌افزاید: «بعد از خلق این اثر هنری پیامی را همراه با تابلوی هدیه شده به پیشگاه پادشاه ارسال نمودم.» بخشی از پیام امیر ادریسی از این قرار است:

«اکنون که یک سال است در کشوری آزاد، برابر و بدور از اندیشه فاشیستی مشغول به فعالیت‌های هنری و اعتقادی‌ام پرداخته‌ام بر این باور هستم پیامی را که می‌بایست حامل اندیشه‌ها، سرمایه‌ها و افکار یک هنرمند ایرانی باشد به حضور اعظم پادشاه الکساندر و ملکه ماکسیمیا برسانم. من امروز بعد از یک سال در سرزمین هلند با تعریف جدیدی از واژه «امنیت» آشنا شدم و آن «برابری» و «حس شمع» بین مردمان آن از کودکان تا سالخورگان گرفته تا سیاستمدار و مذهبی، ناتوان و سلحشور همگی دست بر دست آن دارند تا زیر پرچم حکومتی پادشاهی، صلح و آزادی را به جهانیان مخابره کنند»

اینجانب با به کار گرفتن هر آنچه طی این ۳۸ سال اندوخته‌ام بر آن داشتم تا جهت برقراری این امنیت و آزادی اندیشه‌ای که برای من و سایر هموطنان ایرانی‌ام و همچنین مردمانی که از سایر نقاط دنیا با شرایط مشابه من روبرو هستند و در جستجوی «امید» و «صلح» قدم برداشته‌اند از حضرت عالی قدردانی نمایم و دست‌نگاشته خود را که همچنین یادآور دوران پادشاهی درخشان ایران باستان نیز می‌باشد به عالی‌ترین مقام سیاسی کشور هلند یعنی حضرت عالی تقدیم نمایم. اینجانب به عنوان عضوی از ملت ایران که تاریخ و تمدن ۲۵۰۰ سال شاهنشاهی را با خود حمل می‌کنند تا آن را با مردمان سرزمین صلح، سبز و آشتی به اشتراک بگذارند اعلام می‌کنم ما ایرانیان خواهان برقراری امنیت و آرامش در سراسر دنیا هستیم و از اینکه ما را در آغوش گرم خود پذیرفته‌اید بسیار سپاسگزاریم.»

ادریسی از ۱۷ سالگی هنر نقاشی را با علاقه به هنر مسجحه‌سازی آغاز کرد و سپس به طراحی روی آورد تا ادامه در صفحه ۱۷

سینا معتمد راد - هنرمند ایرانی به پاس قدردانی از عالی‌ترین مقام حکومتی هلند به جهت حمایت از پناهجویان ایرانی، پرتره پادشاه و ملکه هلند را به خانواده سلطنتی اهدا نمود.

امیر ادریسی هنرمند ایرانی متولد ۱۱ سپتامبر ۱۹۸۱ در تهران است. سابقه ۲۰ ساله او در نقاشی و همچنین گرایش وی به سبک فیگوراتیو و همچنین سوررئالیسم وی را بر آن داشت تا طی اقدامی نمادین دست به خلق اثری ماندگار در کشوری بزند که یک سال است در آن اجازه اقامت دریافت کرده. طی گفتگویی با این هنرمند خوش‌ذوق، از انگیزه، هدف و زندگی شخصی او پرسیدیم.

امیر ادریسی پناهجوی ایرانی ۵ ماه از زمان اقامت یکساله‌اش در کمپ پناهجویی واقع در شهر واخنینگن را در فضایی مشابه با سایر پناهجویان و تحت نظارت و حمایت سازمان اسکان پناهجویان کوا COA به ترسیم پرتره‌ای از ملکه و پادشاه هلند روی بوم دست‌ساز با ابعاد ۲ متر ۳ متر صرف کرده. این اثر هنری با حمایت مسئولین در سازمان کوا در ماه اوت به کاخ سلطنتی پادشاه ارسال شد. هنرمند ۳۸ ساله ایرانی تعریف می‌کند که در آغاز این پروژه ابتدا در تحلیل و بررسی تصاویر ثبت شده از پادشاه و ملکه هلند پرداخت و همچنین آثار تولید شده در قالب نقاشی را مورد دقت قرارداد تا نهایتاً با الگو قراردادن یک تصویر ثبت شده از خانواده سلطنتی تصمیم به ترسیم آنها گرفت.

وی که از اوت ۲۰۱۸ در کمپ شهر واخنینگن اقامت دارد شروع این اقدام را کمی سخت و غیرقابل باور از جانب کارکنان سازمان کوا COA دانست که نهایتاً با تشکیل کمیته هم‌فکری اعضای سازمان نامبرده قرار بر این شد ابتدا طرحی به صورت آزمایشی توسط هنرمند نقاشی شود و بعد از تایید و واقع‌گرایانه بودن اثر خلق شده این همکاری ادامه یابد/ بعد از اتمام طرح آزمایشی و تایید ریاست سازمان

رنگ‌های کویر ایران در نقاشی‌های ادمان آیوزیان



برای دیدن ویدئو، روی عکس کلیک نموده و یاهو سایت کیهان لندن مراجعه نمایید.

شهر رم گذراند. کارهای ادیک را می‌توان در مساجد، کلیساها و موزه‌ها در کشورهای مختلف مشاهده کرد. اگرچه وی ایرانی ارمنی‌تبار است، ولی طراحی برخی از مساجد پادشاهی سعودی و عمان از جمله کارهای او هستند. ادمان آیوزیان یکی از نقاشانی است که در سال‌های دور برای حضور در دوسالانه یا بینال ونیز انتخاب شد و جایزه ویژه‌ای را از وزارت فرهنگ وقت دریافت کرد. جایزه «استلی گرین» «روی» و «ویندز» و «نیوتن» از دیگر جوایزی هستند که ادیک دریافت کرده است.

از جمله کارهای بسیار زیبای او می‌توان به مجموعه‌ای از نقاشی‌هایی که رنگ‌های کویر ایران را به روی بوم آورده‌اند اشاره کرد. رباعیات نیز یکی دیگر از مجموعه کارهای بارزش ادیک آیوزیان است که چند سال پیش در چند نگارخانه تهران به نمایش درآمدند. احمد رفت با ادمان آیوزیان در استودیوی او در قلب شهر لندن گفتگویی انجام داده است.

ادمان آیوزیان، نقاش ارمنی متولد ۱۳۲۰ در تهران، از ۹ سالگی برای فراموش کردن غم از دست دادن پدر قلم‌مو به دست گرفت و هرگز آن را به زمین نگذاشت. کارهای ادیک آیوزیان را که از سال ۱۳۵۳ در لندن زندگی می‌کند می‌توان در کلیساهای ایران، مساجد پادشاهی سعودی و عمان، و موزه‌های آمریکا و اروپا مشاهده کرد. ادیک آیوزیان از اولین نقاشانی است که برای اولین حضور ایران در دوسالانه ونیز انتخاب شدند. او در این سال‌ها جوایز بسیاری را دریافت کرده است.

ادمان (ادیک) آیوزیان در سال ۱۳۲۰ در تهران چشم به جهان گشود. او در ۹ سالگی قلم‌مو به دست گرفت تا با درد و غم از دست دادن پدر کنار آید. مشوقین و استادان او چند از شاگردان کمال‌الملک بودند. در ۱۴ سالگی سفر به دور ایران را برای الهام گرفتن از طبیعت آغاز کرد. ادیک آیوزیان از سال ۱۳۵۳ در لندن زندگی می‌کند، اگرچه قبل از آن یک سالی را نیز در آکادمی هنرهای زیبای

تنگنای رژیم ایران و جنگ تنگه‌ها



نفتکش انگلیسی «استینا ایمپرو» جمعه ۲۸ تیر ۱۳۹۸ با یورش نیروی سپاه روی عرشه این کشتی متوقف شد و آن را به بندرعباس منتقل کردند

تنگه هرمز اعزام کند. جرمی هانت وزیر خارجه سابق بریتانیا به صراحت گفته است که برای حفاظت از دریانوردی در خلیج فارس است و هدف از این ائتلاف بزرگ اروپایی تضمین عبور امن کشتی‌ها در این منطقه حیاتی و جلوگیری از تهدیدهای رژیم ایران علیه ناوگان‌های تجارت بین‌المللی یا بستن تنگه هرمز است. البته مقامات بریتانیا در عین حال تاکید کرده‌اند که خواهان رویارویی مستقیم با ایران نیستند.

اما در مقابل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی عملاً تهدیدات سیدعلی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی علیه بریتانیا را اجرا کرد. خامنه‌ای پس از اینکه بریتانیا نفتکش ایران را توقیف کرد، گفت: «بریتانیا بهای این دزدی دریایی را خواهد پرداخت!»

مقامات ایران فکر می‌کردند، بریتانیا به معاوضه کشتی شده‌اش توسط سپاه پاسداران تن خواهد داد و درواقع آنها روی این مسئله شرط‌بندی کردند! اما آنچه اتفاق افتاد برعکس شد و بریتانیا نه تنها تا کنون تسلیم خواسته‌ی تهران نشده بلکه اقدام سپاه پاسداران انقلاب اسلامی باعث تشکیل جبهه‌ای بین‌المللی و منسجم علیه حکومت ایران شد. رژیم ایران از این پس مجبور است با حضور دائم یک نیروی نظامی مقتدر و برتر از خود در آب‌های خلیج فارس مدارا کند. نیرویی که هدف اساسی آن تامین امنیت دریانوردی در آب‌های خلیج فارس است. این نیرو آماده است به هرگونه اقدام سپاه پاسداران انقلاب اسلامی پاسخ دهد و منطقه را کاملاً زیر نظر داشته باشد.

به این دلیل بعید نیست که سفر ناگهانی عادل عبدالمهدی، نخست‌وزیر عراق به تهران پس از مکالمه تلفنی‌اش با بنی‌موردنت وزیر دفاع بریتانیا باهدف رساندن پیام هشدارآمیز لندن به مقامات ایران بوده باشد.

وزیر دفاع بریتانیا در مکالمه‌اش با نخست‌وزیر بریتانیا بر ضرورت حفظ امنیت و ثبات در منطقه خلیج فارس و خاورمیانه، عبور و مرور آزادانه و بی‌قید و شرط همه‌ی نفتکش‌های جهان از تنگه هرمز و پایبندی و احترام به قوانین بین‌المللی از سوی ایران تاکید کرد. او گفت: «لندن نمی‌خواهد که نیروهایش در منطقه به بخشی از فشارهای سیاسی آمریکا بر تهران تبدیل شود اما اگر ایران به ماجراجویی خود ادامه دهد، لندن با وجود پایبندیش به توافق هسته‌ای احتمال دارد تحریم‌های سخت اقتصادی علیه ایران به اجرا بگذارد و پیشنهادهای ایالات متحده آمریکا برای اقدامات بیشتری در آینده علیه تهران را بررسی کند.»

بار دیگر ماجراجویی تهران که در پی گرفتن امتیازهایی در نبرد تنگه‌ها بوده است، بهانه بسیار خوبی به دست کشورهای غربی و جامعه جهانی داد تا به تقویت هر چه بیشتر نیروهایشان و حضور دائم در منطقه با هدف حفظ منافع‌شان اقدام کنند. این خطای استراتژیک رژیم تهران باعث شد، حتی ترامپ نیز دیگر اهمیتی برای میانجیگری جهت مذاکره با تهران قائل نشود و با اشاره به رویدادهای اخیر به صراحت بگوید: «دیگر برای من بسیار سخت است که بتوانم با رژیم ایران به توافق برسم.»

*منبع: شرق الاوسط

*ترجمه و تنظیم از کیهان لندن

● تحرکات و توقیف کشتی‌ها در تنگه هرمز دو پیام از سوی تهران دارد: یکی اینکه جمهوری اسلامی هیچ ابایی از برهم زدن ثبات بازار نفت جهان از طریق کشتی‌های نفتی ندارد و دیگر آنکه اگر ایران نتواند نفت بفروشد، جمهوری اسلامی نخواهد گذاشت که انرژی به سادگی به بازارهای بین‌المللی منتقل شود.

● مقامات ایران فکر می‌کردند، بریتانیا به معاوضه کشتی‌های توقیف شده تن خواهد داد. اما آنچه اتفاق افتاد برعکس شد و این اقدام سپاه پاسداران انقلاب اسلامی باعث تشکیل جبهه‌ای بین‌المللی و منسجم علیه حکومت ایران شد. حالا رژیم ایران مجبور است با حضور دائم یک نیروی نظامی مقتدر و برتر از خود در آب‌های خلیج فارس مدارا کند. این نیرو آماده است به هرگونه اقدام سپاه پاسداران پاسخ دهد و منطقه را کاملاً زیر نظر داشته باشد.

مصطفی فحص (شرق الاوسط) دونالد ترامپ، رییس جمهوری آمریکا در یکی از توفیت‌های خود نوشت: «رژیم ایران در مجموع در وضعیت هرج و مرج کامل بسر می‌برد، اقتصادی

«کانون‌های قدرت» نظام، در دسری در پرونده‌های فساد اقتصادی

این پرونده‌ها و احتمالاً پرداخت رشو و تلاش برای معلق کردن پرونده‌ها است. دادستان تهران همچنین گفته که «بخش عمده‌ای از مفاسد اقتصادی در سیستم و شبکه بانکی به وجود می‌آید» و افزوده است: «ما در این مجموعه می‌خواهیم کسانی را از تیغ عدالت بگذرانیم که از صاحبان نفوذ در کشور هستند. بنابراین مأموریت ما در این مجتمع کاملاً متفاوت است و باید درک کنیم که چه مأموریتی در این شرایط اقتصادی به ما محول شده است. اگر توانستیم این شرایط را خوب درک کنیم، در تصمیم‌گیری دچار اشتباه نخواهیم شد زیرا اگر به عنوان یک بازپرس عادی به این پرونده‌ها نگاه کنیم، مطمئناً موفق نخواهیم بود.»

علی القاصی مهر با سنگین خواندن پرونده‌های اقتصادی گفته که «پرونده‌های اقتصادی اگر به موقع رسیدگی نشود ممکن است مفسده دیگری در کنارش تولید شود.» به گفته دادستان تهران مسائلی چون «بیت‌المال، حقوق عمومی و ابروی افراد» دقت در رسیدگی به پرونده‌های اقتصادی را دارای اهمیت کرده است. القاصی مهر گفته است که «در پرونده‌های اقتصادی بخشی از فساد مربوط به فرد مفسد است و بخشی دیگر ممکن است در چرخه رسیدگی به آن به وجود آید و چه بسا افرادی را نیز در این مسیر آلوده کند. بنابراین پرونده‌های قدیمی اقتصادی در خلال ماندگاری، مفسده‌های بیشتری را تولید می‌کنند که باید این پرونده‌ها مجدداً به جریان افتاده و با شتاب بیشتری رسیدگی شود و حاشیه‌من برای هیچ کسی وجود نداشته باشد.»

سخنان دادستان تهران واقعیت موجود در جمهوری اسلامی که سالها از سوی نظام و وابستگانش انکار می‌شد را نشان می‌دهد: فساد سازمان یافته! اکنون دادستان تهران تاکید کرده که چون متهمان پرونده‌های فساد اقتصادی به «کانون‌های قدرت» در نظام وابسته هستند، باید «مراقب مراددها و رفت و آمدهای خود باشید تا به ابرو و حیثیت دستگاه قضایی آسیبی وارد نشود.»

افراد در کانون‌های قدرت نظام در

حسن روحانی مدعی شد در مذاکرات هسته‌ای صاحب اختیارات تام بوده است



عاری از خشونت و افراط‌گرایی را در سازمان ملل مطرح کردم که به اتفاق آراء به نام ایران به تصویب رسید و معلوم شد که ایران به دنبال خشونت نیست بلکه پیش‌تاز امنیت جهانی و مبارزه با افراط‌گرایی است.»

روحانی البته اشاره نکرده که مشکل مردم ایران و منطقه و جهان، «ملت ایران» و «ایران» نیست بلکه نظام جمهوری اسلامی، هدف مخالفت‌ها و انتقادات از جمله از سوی مردم ایران است!

او در بخشی از سخنانش مدعی شده که «کاهش تعهدات برای این است که دنیا بدانند دست ما هم بسته نیست و اگر آنها به تعهدات بلوکه عمل نکنند راهکارهای فراوانی پیش روی ما قرار دارد و می‌توانیم از اقتصاد و کشور خودمان دفاع کنیم. تا کنون کاهش تعهدات در دو مرحله انجام شده و در هر مرحله دو تعهد را کنار گذاشتیم، البته همزمان مشغول مذاکره و گفتگو هستیم، اما در عین حال بر مبنای اینکه به نتیجه نمی‌رسیم، عملکردها و برنامه‌های مدیریتی خود را پیش می‌بریم و بودجه و قیمت دلار بر این مبنای تنظیم می‌شود.»

وی همچنین گفته ممکن است در روزهای آینده خبری از برخی توافقات اعلام شود اما به جزئیات آن اشاره نکرده است: «امروز هم با برخی از کشورها در حال مذاکره هستیم و آنها پیشنهاداتی ارائه کردند که متوازن نمی‌دانیم، لذا آن پیشنهادات را نپذیرفتیم. ممکن است در هفته‌های آینده به نتیجه قابل قبول دست پیدا کنیم و امکان دارد که به این نتیجه برسیم و اگر به نتیجه‌ی نسیم مرحله بعدی کاهش تعهدات را انجام خواهیم داد.»

او همچنین دو ادعای اقتصادی مطرح کرده است. نخست آنکه گفته «می‌توانیم قیمت دلار را پایین‌تر بیاوریم، اما بر مبنای احتیاط نسبت به آینده است که گام برمی‌داریم» اما مشخص نکرده با تحریم صد درصدی نفت ایران و کاهش صادرات نفت به حدود صد هزار بشکه در روز چگونه دولت قادر خواهد بود قیمت دلار در بازار را پایین نگه دارد؟!

دومین ادعای حسن روحانی این است که گفته «کاملاً آگاه هستیم که فشار اصلی در جامعه بر دوش کسانی است که از درآمد ثابت برخوردار هستند، لذا در حد توان تلاش کردیم که حقوق کارکنان و کارگران را افزایش دهیم تا مردم بتوانند مشکلات را پشت سر بگذارند.»

این ادعا در حالیست که افزایش حقوق کارگران و کارمندان به هیچ وجه با سطح افزایش تورم همخوانی نداشته و این قشرهای آسیب‌پذیر طی هفته‌های گذشته بارها به دلیل کاهش قدرت خرید و کوچک شدن سفره‌هایشان با نوشتن نامه، صدور بیانیه و برگزاری تجمع اعتراض خود به دولت را نشان داده‌اند.

حسن روحانی در ادامه سخنانش گفته که «احساس من این است که مردم نیز امروز امیدوارتر از چند ماه گذشته هستند، لذا راهی که انتخاب کرده‌ایم، راه درستی است!» وی در بخش دیگری از سخنانش گفته «خداوند فرصتی برای ما قرار داده است که اگر بخواهیم برای وحدت تمرین کنیم بهتر از امروز روزی پیدا نمی‌شود. امروز روزی است که دشمن روبروی ما قرار گرفته و شمشیر کشیده و باید با وحدت و همدلی در مقابل دشمن ایستادگی و مقاومت کنیم و امیدوارم

● روحانی: اگر تا سال بعد برجام پایدار باشد تمام تحریم‌های تسلیحاتی برداشته می‌شود.

● «اگر در مذاکرات به نتیجه نرسیم مرحله بعدی کاهش تعهداتمان را انجام خواهیم داد.»

● «برای اولین بار اعلام می‌کنم مقام رهبری تمام اختیارات حل و فصل مناقشه هسته‌ای و توافق موقت در صد روز اول در سال ۹۲ را به من واگذار کرد.»

● روحانی مدعی شد: می‌توانیم قیمت دلار را پایین‌تر بیاوریم، اما بر مبنای احتیاط نسبت به آینده است که گام برمی‌داریم!

حسن روحانی مدعی شد علی‌خامنه‌ای در سال ۹۲ همه اختیارات مربوط به مذاکرات هسته‌ای را به او واگذار کرده بود و پس از توافق اولیه تا امضای نهایی برجام، هر ماه هفتصد میلیون دلار پول ایران آزاد شد.

رئیس دولت دوازدهم در سخنان خود از یکسو از برجام دفاع کرده و از سوی دیگر نسبت به کاهش تعهدات جمهوری اسلامی در توافق هسته‌ای هشدار داده است!

حسن روحانی رئیس دولت دوازدهم روز پنجشنبه، ۱۰ مرداد ۱۳۹۸، در جلسه شورای اداری استان آذربایجان شرقی در تبریز گفته است که «برای اولین بار اعلام می‌کنم در مرحله اول مذاکرات رهبر انقلاب در مقطعی همه اختیارات را به شخص من داد و ما توانستیم ظرف ۱۰۰ روز به توافق موقت و پیروزی بزرگ دست یابیم. در مرحله توافق نهایی، من به رهبر انقلاب گفتم نیازی نیست که به مجلس برود اما ایشان [علی‌خامنه‌ای] فرمودند، این یکبار مسئولیت تاریخی است و بگذار کل نظام تصمیم بگیرد.»

روحانی افزوده است که علی‌خامنه‌ای پس از امضای برجام به او گفته است که «بگذار این بار بر دوش همه نظام باشد و نه فقط شخص رئیس جمهوری و دولت!»

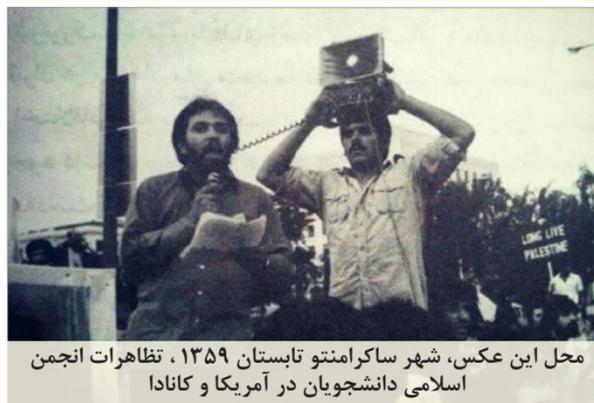
او در ادامه گفته که «ما توافقی را قبول کردیم که شورای عالی امنیت ملی، شورای نگهبان، مجلس و رهبری قبول کردند و در شورای امنیت ملی ۷ جلسه برگزار شد. لازم بود تا همه مردم برای این راه بر عهده گیرند و در نهایت ۲۳ تیرماه سال ۹۴ توافق با ۶ قدرت بزرگ دنیا را امضا کردیم.»

رئیس دولت دوازدهم با تأکید بر دفاع از برجام گفته است که «اگر برجام پابرجا باشد، تمام تحریم‌هایی تسلیحاتی به صورت اتوماتیک در رابطه با هسته‌ای سال آینده برداشته می‌شود. برخی‌ها می‌گویند که برجام تمام شود و خلاص شویم در حالی که همین برجام الان نیز ثمر زیادی دارد. در عین حال فشار عظیمی بر مردم وارد کرده و با خروج آمریکا از توافق و ایجاد ریسک می‌خواستند در کشور ایجاد مشکل کنند.»

حسن روحانی افزوده حد فاصل میان مرحله اول مذاکرات تا امضای توافق نهایی برجام هر ماه ۷۰۰ میلیون دلار از پول‌های بلوکه ایران آزاد می‌شد. به نظر می‌رسد فاصله مورد اشاره روحانی، توافق میان ایران و گروه ۵+۱ در سوم آذرماه ۱۳۹۲ (مذاکرات هتل اینترکنینتال ژنو) تا امضای برجام یعنی ۲۳ تیرماه ۱۳۹۴ باشد.

سخنان خود در تبریز گفته است که «بعد از اجرایی شدن برجام شاهد تحول بزرگی در عرصه‌های مختلف به ویژه در سطح جهانی از لحاظ سیاسی بودیم و به واسطه آن مشخص گردید همه ادعاهایی که علیه ملت ایران انظار جمهوری اسلامی مبنی بر اینکه به قوانین و مقررات بین‌المللی اهمیتی نمی‌دهد، اتهاماتی دروغ و ناروا است.» او افزوده است «دنیا باید بداند که ملت ایران، ملت بزرگ و قابل احترامی است در همین راستا پیشنهاد جهانی

توییت وزارت خارجه آمریکا: ظریف ماله کش اعظم و همدست مافیای خامنه‌ای و سپاه است



محل این عکس، شهر ساکرامنتو تابستان ۱۳۵۹، تظاهرات انجمن اسلامی دانشجویان در آمریکا و کانادا

● استیون منوچین: ظریف مجری دستورات علی خامنه‌ای و سخنگوی اصلی رژیم در سراسر دنیاست. ● مایک پمپئو: اخیراً پرزیدنت ترامپ رهبر جمهوری اسلامی را تحریم کرد، کسی که با هزینه مردم ایران خود را ثروتمند کرده. امروز ایالات متحده، رییس مدافعان او جواد ظریف را تحریم کرد.

● ظریف: این تحریم بر من یا خانواده من هیچ اثری ندارد، چراکه من خارج از ایران، هیچ دارایی یا منافی ندارم.

● ظریف جز جوش دادن معامله هسته‌ای هیچ نقشی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی به ویژه در منطقه بازی نمی‌کند! حتی در همین معامله هسته‌ای نیز خامنه‌ای در موارد حساس افراد نزدیک به خود را برای زد و بندهای پنهان می‌فرستد! به این ترتیب اصطلاح «ماله‌کش» برای توضیح نقش تبلیغاتی محمدجواد ظریف کاملاً واقعی و بجاست.

● با این تحریم اکنون احتمالاً ارتباط ظریف با دموکرات‌هایی که حامی برجام هستند محدود می‌شود و لابیگران از جمله نایاکی‌ها نیز مجبورند در مراد به او احتیاط کنند.

● آیا با این تحریم، تاریخ مصرف ظریف برای جمهوری اسلامی نیز تمام شده؟ آیا وی اینبار واقعا و جدی استعفا می‌دهد؟

دفتر کنترل دارایی‌های خارجی وزارت خزانه داری آمریکا، ۳۱ ژوئیه ۲۰۱۹ (۱۰ مرداد)، محمدجواد ظریف وزیر خارجه جمهوری اسلامی را در فهرست تحریم‌ها قرار داد. استیون منوچین وزیر خزانه‌داری آمریکا در اینباره می‌گوید، «ظریف مجری دستورات علی خامنه‌ای و سخنگوی اصلی رژیم در سراسر دنیاست. ایالات متحده با تحریم ظریف این پیام روشن را به رژیم ایران می‌فرستد که رفتارش مطلقاً غیرقابل قبول است. هر زمان که رژیم ایران مانع دسترسی شهروندان ایرانی به شبکه‌های اجتماعی می‌شود، ظریف از طریق همین ابزار، پروپاگاندا و اطلاعات انحرافی رژیم را در سراسر جهان از طریق شبکه‌های اجتماعی پخش می‌کند.»

در این بیانیه آمده، ظریف با یکی از بدنام‌ترین نهادهای دولتی یعنی نیروی قدس سپاه پاسداران یعنی هماهنگ کار می‌کند که مقامات آن قبلاً به اتهام تروریسم و نقض حقوق بشر تحریم شده‌اند. به گزارش وبسایت وزارت خزانه‌داری آمریکا، ظریف و مقامات بلندپایه‌ی آن در کنار نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در تلاش‌ها برای تأثیرگذاری در انتخابات‌ها (در کشورهای دیگر) درگیر بوده‌اند و از آن حمایت مالی کرده‌اند. علاوه بر آن، مقامات ارشد وزارت خارجه ایران به دنبال تسهیل آزادی دنیوی عملیاتی سپاه قدس از یک کشور خارجی از طریق پرداخت به نیروهای قضایی آن کشور بوده‌اند.

با این تحریم، تمامی اموال و منافع ظریف در آمریکا یا در تعلق یا کنترل اشخاص آمریکایی بلوکه می‌شود که شامل تمامی معاملات او با اشخاص آمریکایی در داخل یا در حال عبور از ایالات آمریکایی شود و همچنین معامله با او ممنوع خواهد بود. همچنین هر نهاد مالی خارجی که آگاهانه با او معامله قابل توجه با او انجام دهد ممکن است در معرض تحریم‌های آمریکا قرار بگیرد.

محمد جواد ظریف ظاهراً متکی بر «دیپلماسی» در کنار قاسم سلیمانی مجری نظامیگری جمهوری اسلامی توییت فارسی‌زبان وزارت خارجه آمریکا در واکنش به تحریم ظریف نوشت، «پرزیدنت ترامپ اخیراً رهبر ایران را که با پول مردم ایران خودش را ثروتمند کرده تحریم کرد. امروز، ایالات متحده جواد ظریف، ماله‌کش اعظم وی را نیز تحریم کرد. او مانند سایر اعضای مافیای خامنه‌ای در رفتار یاغیانه رژیم همدست است.»

به کار بردن اصطلاح «ماله‌کش» برای ظریف با هشتگ «#ماله_کش_اعظم» سوزه کاربران در شبکه‌های اجتماعی شده است. مایک پمپئو در توییتی نوشت، «اخیراً پرزیدنت ترامپ رهبر جمهوری اسلامی را تحریم کرد، کسی که با هزینه مردم ایران خود را ثروتمند کرده. امروز ایالات متحده، رییس مدافعان او جواد ظریف را تحریم کرد. ظریف سال‌ها به اندازه‌ی بقیه مافیای خامنه‌ای در رفتارهای غیرقانونی رژیم همدست و شریک بوده است.»

جان بولتون مشاور امنیت ملی کاخ سفید در گفتگوی اختصاصی با فاکس نیوز گفت، «تحریم ظریف پیامی روشن به حکومت ایران است؛ هدف این است که به رژیم ایران نشان دهیم که فعالیت‌های او [ظریف] را قابل تحریم می‌دانیم، فعالیت‌های او و کسانی که با او همکاری می‌کنند، محدود می‌کنیم.» ظریف نیز پس از قرارگرفتن نامش در فهرست تحریم‌های آمریکا تلاش کرد مسئله را شخصی کند؛ وی در توییتی نوشت، «آمریکا می‌گوید مرا به عنوان «سخنگوی اصلی ایران در سرتاسر جهان» تحریم کرده است. واقعیت آنقدر دردناک است؟ این تحریم بر من یا خانواده من هیچ اثری ندارد، چراکه من خارج از ایران، هیچ دارایی یا منافی ندارم. متشکرم که مرا چنین تهدید بزرگی برای اهدافتان می‌پندارید.» اما خود ظریف خوب می‌داند که مسئله برای آمریکا بر سر دارایی‌های وی نیست؛ خود او نیز در یک توییت دیگر، به نقش تبلیغاتی و «ماله‌کشی» خویش اشاره می‌کند.

وی ساعاتی بعد در توییتی دوباره به توهمات اختراعی خود یعنی «تیم ب» پرداخت و به خیال خودش به کاخ سفید کنایه زد و نوشت: «گفتگو و صلح یک تهدید حیاتی برای «تیم B» است، از آنجا که دلیل تحریم من، حرف‌ها و سخنانم بوده است، آیا «آمریکایی‌ها» برای «تعامل» با من از طریق خواندن نوشته‌هایم با گوش دادن به مصاحبه‌هایم به مجوز اداره کنترل دارایی‌های خارجی وزارت خزانه داری آمریکا (OFAC) نیاز دارند؟»

این در حالیست که خود وی به عنوان یک وزیر بی‌اختیار در یک دولت بی‌اختیار که بدون اجازه‌ی خامنه‌ای نمی‌تواند هیچ کاری بکند، به «ماله‌کش» معروف شده است. ظریف در جمهوری اسلامی به این دلیل «سردار دیپلماسی» خوانده شد که خامنه‌ای زیر فشار تحریم‌های سال‌های گذشته مجبور به «ترمش قهرمانانه» شد و با روی کار آوردن دولت روحانی پس از هشت سال خرابکاری‌های دولت نورچشمی ظاهراً معضوب خودش، احمدی‌نژاد، «تیم ظریف» را فرستاد تا با دولت وقت آمریکا تحت رهبری باراک اوباما معامله بکند. ظریف جز جوش دادن معامله‌ی هسته‌ای هیچ نقشی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی به ویژه در منطقه بازی نمی‌کند! حتی در همین معامله‌ی هسته‌ای نیز خامنه‌ای

● ایران در طول سال‌های پس از جنگ جهانی دوم و اشغال توسط شوروی، به مهم‌ترین کشور منطقه و یکی از کشورهای معتبر جهان تبدیل شد. همزمان تبلیغ علیه وی از سوی اسلامگرایان و چپ‌ها تشدید می‌شد.

● شاه می‌گفت که بیشتر کسانی که او را تخطئه می‌کنند، کمونیست‌ها و چپ‌ها هستند که بیشترشان در کشورهای غربی زندگی می‌کنند.

● یکی از مقامات بلندپایه فلسطینی گفته است که فرق ایران زمان شاه و حال آن است که ایران در آن زمان برای فلسطینی‌ها مدرسه و کلینیک درست می‌کرد ولی حالا ایران به فلسطینی‌ها موشک‌های نقطه‌زن و مهمات عملیاتی تروریستی می‌دهد.

● شاه همواره سعی داشت پیام‌آور و میانجی صلح در خاورمیانه و جهان باشد. همین رویکرد شاه در مخاصمه بغرنج بین ایران و عراق بسیار چشمگیر است. شاه در این بحران به هیچ وجه دنبال جنگ نبود و می‌خواست با مذاکره منافع ایران را تأمین می‌کند.

● اشتباه شاه در این بود که به دلیل عشق فراوان به مردم و کشورش، می‌خواست خودش هر چیز خوب و برتر را برای مردم تأمین و اعطاء کند.

شامگاه آدینه ۲۶ ژوئیه در لندن شمار بسیاری از هموندان «کانون ایران» جمع شدند تا به سخنرانی امیر طاهری روزنامه‌نگار پیشکسوت و سردبیر روزنامه‌نگار پیش از انقلاب در مورد خاطرات شخصی وی از محمدرضاشاه پهلوی گوش فرا دهند.

پس از گشایش برنامه دکتر نامدار بقایای یزدی در سخنانی یادآوری کرد که روزهای پنجم و ششم مرداد سالروز درگذشت محمدرضاشاه و رضاشاه بزرگ، به فاصله یک روز از همدیگر است. این فرصت مناسبی است برای پرداختن به زندگی و خدمات سازندگان ایران نوین. دکتر بقایای با گفتن اینکه امیر طاهری روزنامه‌نگار و تحلیلگری است که احتیاج به معرفی ندارد تنها به این بسنده کرد که بگوید سخنران نویسنده‌ی زندگینامه‌ی شاه فقید و تنها روزنامه‌نگار ایرانی است که رو در رو با شاه فقید مصاحبه کرده است. وی با یادآوری اینکه امیر طاهری کتاب‌های زیادی نوشته ولی کتاب انگلیسی «زندگی ناشناخته‌ی شاه» (۱۹۹۱) یکی از کتاب‌های مستند و با ارزش اوست، از طاهری دعوت کرد تا سخنان خود را آغاز کند.

امیر طاهری در ابتدای سخنانش به حاضران گفت کشوری را در ذهن خود تصور کنند که در طی جنگ جهانی دوم در اشغال متفقین و دچار سیاست‌های پُر تلاطم بوده ولی ۳۷ سال بعد همین کشور جمعیت‌اش دو برابر شده؛ امید به زندگی در آن ارتقا یافته؛ به پاس خدمات سپاه دانش نرخ بیسوادی به شدت کاهش یافته؛ با سیاست‌های منطقی و درست اقتصادی از روند رشد بسیار بالایی برخوردار شده؛ اعتبار و جایگاه ویژه‌ی جهانی کسب کرده و همین باعث شده که در جشن‌های ۲۵۰۰ساله، سران ۷۵ کشور در آن مراسم شرکت کنند؛ تنها کشوری است که بعد از جنگ جهانی دوم بخشی از آن به اشغال ارتش

سخنرانی امیر طاهری در «کانون ایران» لندن:

شاه دنباله‌رو هیچ کشوری نبود و بنا به فرهنگ ایران خود را منادی صلح و همزیستی می‌دانست



نامدار بقایای یزدی و امیر طاهری

است هیچ دلیلی برای دنباله‌روی از غرب نمی‌بیند. سپس این پرسش را مطرح کرده که آیا ما دنباله‌رو غرب هستیم و یا اینکه غرب دنباله‌رو ماست؟! وی در پاسخ نوشته است که مگر ایران مبتکر اندیشه حقوق بشر کوروش کبیر نیست و یا اینکه مگر به پیشنهاد ایران نیست که شعر معروف سعدی: بنی آدم اعضای یک پیکرند که در آفرینش ز یک گوهرند چو عضوی به درد آورد روزگار دیگر عضوها را نماند قرار شعار سازمان ملل در زمینه حقوق بشر شده است؟!

مگر این به ابتکار ایرانیان نیست که اولین امپراتوری بزرگ جهان توسط ایرانیان به وجود می‌آید و با نظم و ترتیب آهنین اداره می‌شود. شاه فقید ادامه داده است که اگر صحبت از دنباله‌روی از آمریکاست به یاد داشته باشیم که ایران در جنگ ویتنام و کره شرکت نکرد در حالی که ترکیه گوش به فرمان آمریکا در آنها شرکت کرده و کشته هم داده است.

دیگر آنکه ایالات متحده آمریکا هیچ وقت جزو ۵ شریک بزرگ اقتصادی ایران نبوده است.

در زمان نهایی شدن پیمان سنتو، یکی از شروط آمریکا آن بود که در صورت وقوع جنگ، کشورهای عضو این پیمان، یعنی پاکستان، ترکیه و ایران، باید بپذیرند که نیروهایشان تحت فرماندهی آمریکا عمل کند. شاه این شرط را نپذیرفت زیرا که خلاف قوانین ایران بود. گذشته از این، شاه نسبت به پیمان سنتو انتقادات جدی و سختی داشت. و این در حالیست که در اوایلین سال‌های حکومت شاه ایران دارای یکی از بهترین روابط سیاسی، اقتصادی با همسایه شمالی خود، اتحاد شوروی، بود. رئیس جمهور شوروی در جشن‌های ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی شرکت کرد در حالی که رئیس جمهور آمریکا غیبت داشت.

شاه می‌گفت که بیشتر کسانی که او را تخطئه می‌کنند، کمونیست‌ها و چپ‌ها هستند که بیشترشان در کشورهای غربی زندگی می‌کنند. امیر طاهری افزود که ظاهراً حالا هم همینطور است!

یکی دیگر از اتهاماتی که به شاه می‌زدند آن بود که او در پی اسلام‌داری در کشور بود. البته شاه مخالف تشکیل بلوک اسلامی در جهان بود و آن را نوعی عقبگرد تاریخی می‌دانست زیرا طرفدار پیشرفت و ترقی بود. ولی یادتان نرود که در ایران قبل از انقلاب تمام شئون اسلامی رعایت می‌شد. در ایام سوگاری رادیو و تلویزیون موسیقی پخش نمی‌کردند و سینماها تعطیل می‌شدند و روحانیون جایگاه خاصی در جامعه داشتند. اساساً در زمان شاه «سپاه دین» هم تشکیل شده بود و شاه درست برعکس اصرار داشت که دین‌زدایی نشود. اتفاقاً دین‌زدایی در

حمله‌ی امیر طاهری، یکی از حملاتی که به شاه می‌شد این بود که بر ستر جنگ سرد بین شرق و غرب او همواره دنباله‌رو غرب بوده است. خود شاه در جواب این اتهام گفته است اگر ایران در مواردی با غرب همراهی کرده این به معنای دنباله‌روی از غرب نبوده است. ایران از آن رو که به آزادی و انسانیت اعتقاد دارد با غرب همکاری می‌کند. شاه تأکید کرده است که به‌خصوص با توجه به اینکه پدر ایشان توسط غرب به تبعید فرستاده شده مسلط شود. ادامه در صفحه ۱۷

زنان شاخص

فهیمة راستکار

(۱۳۹۱ - ۱۳۱۱)



فهیمة راستکار ، دوبلور و هنرپیشه تئاتر، سینما و تلویزیون اهل ایران بود. فهیمة راستکار فارغ‌التحصیل «هنرستان هنرپیشگی» بود و در پی آن در گروه‌های مستقل مانده گروه تئاتری شاهین سرکیسیان کار خود را ادامه داد. سپس در رشته زبان فرانسه دانشگاه تهران به ادامه تحصیل پرداخت اما آن را نیمه تمام رها کرد. بازی در تئاتر را با نمایش باغ وحش شیشه‌ای اثر تنسی ویلیامز به کارگردانی سنک دیویدسن در انجمن ایران و آمریکا و نیز فعالیت در دوبله را از سال ۱۳۳۵ به دعوت هوشنگ لطیف‌پور آغاز کرد و اولین نقشی که حرف زد، به‌جای ایرنه پاپاس در فیلم «تئودورا» در استودیو ایران فیلم بود. سپس در همان استودیو در نسخه روسی «تاللو» به سرپرستی هوشنگ لطیف‌پور، به نقش دزمونا گویندگی کرد که دوبله این فیلم از کیفیت بسیار خوبی برخوردار بود و مورد توجه قرار گرفت. در سال

با این نشانه‌ها بزودی به دیابت مبتلا می‌شوید

از دست می‌دهید مقدار قابل توجهی کالری را هم از دست می‌دهید. البته بدون این‌که خودشان از این قضیه باخبر باشند. دلیل این امر این است که علائم اولیه دیابت نوع ۲ همیشه واضح و مشخص نیستند. اما حقیقت این است که علائم و در طول سال‌ها ظاهر شوند و فرد را درگیر کنند بدون این‌که او از روی این نشانه‌ها در مورد ابتلا به دیابت نوع دو پی ببرد. همه چیز در طول سالیان و به آهستگی اتفاق می‌افتد پس اگر این ۷ نشانه را دارید قطعا به زودی به دیابت نوع ۲ مبتلا خواهید شد. اگر شما از این علائم باخبر باشید می‌توانید منجر به تشخیص زودرس و درمان آن شوید.

۴- تازی دید

یکی دیگر از علائم دیابت نوع ۲ تازی دید و ضعف بینایی است. علت این امر همان سطح بالای گلوکز در خون است. میزان بالای گلوکز در خون مایع میان بافتی را از بافت به سمت

۱- تشنگی بیش از حد و نیاز فراوان به دفع ادرار

تشنگی بیش از حد و افزایش حجم ادرار از جمله علائم دیابت نوع دو هستند. زمانی که شما در معرض ابتلا به دیابت نوع دو هستید میزان تشکیل گلوکز در خون شما بیش از مقدار لازم می‌شود و در نتیجه کلیه‌ها به خاطر جذب بیش از حد گلوکز مجبورند اضافه کاری کنند. در واقع زمانی که گلوکز بیش از حد در خون شما باشد کلیه‌ها برای دفع آن بیشتر کار می‌کنند. در این صورت این پیام از کلیه‌ها به مغز می‌رسد که بدن برای رقیق کردن خون نیاز به آب دارد. اگر کلیه‌ها نتوانند تمام گلوکز را فیلتر کنند، گلوکز اضافی به ادرار وارد می‌شود. بنابراین برای حرکت دادن قند اضافی به ادرار به یک مایع نیاز دارد. این موضوع، موجب بی‌آبی بدن و تشنگی می‌شود. در نتیجه وقتی برای رفع تشنگی آب بیشتری می‌خورید نیاز به دفع ادرار بیشتر و سبب تکرر ادرار می‌شود. به این ترتیب تشنگی واکنش دفاعی بدن در برابر کم آبی و بی‌آبی شدن بدن است و یک نشانه در مورد این‌که شما یکی از مهم‌ترین علائم ابتلا به دیابت نوع دو را دارا هستید و بهتر است هر چه زودتر اقدام کنید.

۲- خستگی

یکی دیگر از علائم ابتلا به دیابت نوع دو احساس خستگی به صورت مداوم است. در حقیقت میزان بالای گلوکز در خون توانایی بدن را برای استفاده از گلوکز برای تامین انرژی مختل می‌کند. علاوه بر این از دست دادن آب بدن به خاطر ادرار مداوم و مکرر هم سبب احساس خستگی در شما می‌شود.

۳- لاغر شدن و از دست دادن وزن

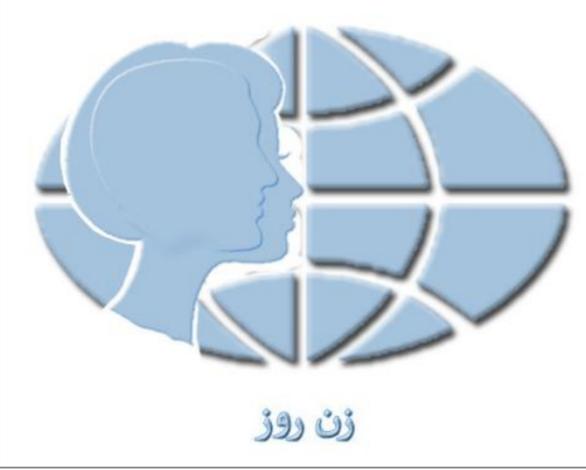
زمانی که از طریق دفع ادرار گلوکز



برای آب کردن چربی‌های شکم قهوه سبز بنوشید

می‌خواهید چربی‌های دور شکم‌تان را آب کنید؟ قهوه سبز بنوشید. «قهوه سبز» در حقیقت همان قهوه بو نداده و خام است. زمانی که قهوه را از میوه درخت قهوه جدا می‌کنند دانه‌های آن سبز است. در حین بو دادن، رنگ و بوی این دانه‌ها عوض شده و تبدیل به قهوه معمولی می‌شوند. اما از سایر خواص شگفت‌انگیز قهوه سبز در کاهش وزن و سلامت عمومی بدن چیزی می‌دانید؟ قهوه سبز سرشار از «اسید کلوروژنیک» است که سبب کم شدن چربی بدن از طریق افزایش سوخت‌وساز بدن و استفاده از چربی ذخیره شده در بدن می‌شود. همچنین تحقیقات انجام شده نشان می‌دهد که «اسید کلوروژنیک» موجود در قهوه سبز تا ۴۵ درصد به کاهش جذب چربی موجود در غذای مصرفی و تحریک متابولیسم کمک می‌کند و یکی از مفیدترین و بهترین نوشیدنی‌ها برای لاغری و کاهش وزن است.

سایر تاثیرات مفید قهوه سبز بر سلامت بدن عبارتند از: پیشگیری از دیابت، خستگی بدن، تعادل قندخون، پیشگیری از چرب شدن و سیروز کبد و پیشگیری از انواع سرطان و آلزایمر. یادتان باشد اگر بارداری یا در حال شیردهی هستید قهوه سبز مصرف نکنید. در ضمن افراد مبتلا به مشکل انعقاد خون، افرادی که داروهای درمان دیابت مصرف می‌کنند نباید قهوه سبز بنوشند. مقدار استاندارد روزانه برای نوشیدن قهوه سبز حداکثر ۲ تا ۳ فنجان سطح تستوسترون در بدن زنان به طور طبیعی در طول چرخه قاعدگی و حتی در زمان‌های مختلف دیگر، تغییر می‌کند. کاهش سطح تستوسترون در بدن زنان باعث میشود که، تولید گلبول‌های قرمز جدید کافی نباشد، میل جنسی پایین بیاید و یا سطح هورمون‌های تولید مثل تغییر کند. تستوسترون متعلق به گروهی از هورمون‌های شناخته شده به نام اندروژن است. سطح تستوسترون بر روی عوامل زیر تاثیر می‌گذارد: باروری، میل جنسی، تولید گلبول قرمز، تولید توده عضلانی، توزیع چربی در بدن



زن روز



سیمین بهبهانی

دل آزرده چون شمع شبستان تو می‌سوزد چه غم دارم؟ که این آتش به فرمان تومی‌سوزد متاب‌امشب به بام من چنین دامن‌کشان‌ای مه! که دارم آتشی در دل که دامن تو می‌سوزد خطا از آه آتشبار من بود ای امید جان! که هر دم رسته‌های سست پیمان تومی‌سوزد خیالش می‌نشیند در تو امشب‌ای دل‌عاشق! مکن این آتش‌افشانی، که مهمان تومی‌سوزد... گریزیانی ز من، چون لاله از خورشید تابستان؛ مگر از تابشم، ای نازنین! جان تو می‌سوزد؟ سراب دلفریب عشق و امیدی، چه غم داری؟ که چون من تشنه‌کامی در بیابان تو می‌سوزد چه سودی برده‌ای، سیمین ز شغور سوز و ساز او؟ غزل سوزنده کمتر گو، که دیوان تو می‌سوزد

کمبود تستوسترون در زنان

زمینه درمان کمبود تستوسترون در زنان مواجه هستیم. بسیاری از پزشکان نگران سطح بالای تستوسترون در بدن زنان هستند. در هر صورت وجود هر کدام از علائم ذکر شده در بالا باید توسط پزشک بررسی شود. برای تشخیص کاهش سطح تستوسترون در بدن زنان، پزشک با معاینه فیزیکی شروع می‌کند و علائم بیمار را می‌پرسد. اگر پزشک مظنون به کاهش سطح تستوسترون شود، آزمایش خون تجویز می‌کند. اگر بیمار هنوز به یائسگی نرسیده باشد، احتمالاً پزشک زمان دقیق را برای انجام آزمایش میزان تستوسترون تعیین خواهد کرد. این به این دلیل است که این هورمون در سراسر چرخه قاعدگی نوسان دارد.

آزمایش تستوسترون خون

این آزمایش سطح هورمون تستوسترون را در خون اندازه‌گیری می‌کند. تستوسترون یک هورمون جنسی مردانه (آندروژن) است که به ایجاد ویژگی‌های مردانه در بدن کمک می‌کند. تستوسترون در غده تیروئید و غدد فوق کلیوی ساخته می‌شود. این هورمون باعث ایجاد تغییراتی در بدن پسران در دوران بلوغ می‌شود. تستوسترون به رشد مو کمک می‌کند. این ماده همچنین به آلت تناسلی و بیضه‌ها کمک می‌کند تا رشد کنند. تستوسترون موجب تقویت صدای پسران می‌شود. در بزرگسالان این ماده میل جنسی را افزایش داده و به تولید اسپرم کمک می‌کند.

تخمندان‌ها نیز در بدن زنان مقدار کمی تستوسترون تولید می‌کنند. این مقدار هورمون به بسیاری از اندام‌ها و فرایندهای بدن زنان کمک می‌کند. غده هیپوفیز در مغز میزان تستوسترون بدن را اندازه‌گیری می‌کند. سطح تستوسترون در بدن به طور طبیعی با افزایش سن کاهش می‌یابد. سطح هورمون‌های دیگر مانند استروژن نیز در طول زمان، به ویژه هنگامی که زنان یائسه می‌شوند، کاهش می‌یابد. در حدود زمان شروع یائسگی، احتمال ایجاد کمبود تستوسترون در زنان وجود دارد. زیرا تخمدان‌ها هورمون‌های کمتری تولید می‌کنند.

همچنین داروهایی که با عوارض جانبی یائسگی مبارزه می‌کنند نیز می‌توانند سطح تستوسترون را در بدن کاهش دهند. یکی از این داروها استروژن خوراکی است. وجود مشکلاتی در تخمدان و غدد فوق کلیوی نیز می‌تواند باعث کاهش سطح تستوسترون شود. برای مثال، اگر تخمدان‌ها برداشته شود، ممکن است میزان این هورمون شروع به کاهش کند. یا اگر نارسایی غدد ادرنال وجود داشته باشد، بدان معنی است که غدد فوق کلیوی به درستی کار نمی‌کنند.

در حال حاضر با کمبود تحقیق در

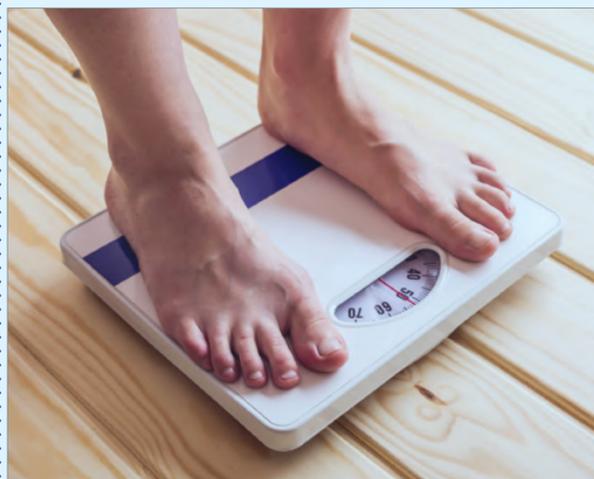


سطح تستوسترون در بدن به طور طبیعی با افزایش سن کاهش می‌یابد. سطح هورمون‌های دیگر مانند استروژن نیز در طول زمان، به ویژه هنگامی که زنان یائسه می‌شوند، کاهش می‌یابد. در حدود زمان شروع یائسگی، احتمال ایجاد کمبود تستوسترون در زنان وجود دارد. زیرا تخمدان‌ها هورمون‌های کمتری تولید می‌کنند.

همچنین داروهایی که با عوارض جانبی یائسگی مبارزه می‌کنند نیز می‌توانند سطح تستوسترون را در بدن کاهش دهند. یکی از این داروها استروژن خوراکی است. وجود مشکلاتی در تخمدان و غدد فوق کلیوی نیز می‌تواند باعث کاهش سطح تستوسترون شود. برای مثال، اگر تخمدان‌ها برداشته شود، ممکن است میزان این هورمون شروع به کاهش کند. یا اگر نارسایی غدد ادرنال وجود داشته باشد، بدان معنی است که غدد فوق کلیوی به درستی کار نمی‌کنند.

اکثر افراد به تستوسترون به عنوان یک هورمون جنسی مردانه نگاه می‌کنند. این در حالی است که بدن همه افراد، به مقدار مشخصی از این هورمون نیاز دارد. درست است که مردان دارای تستوسترون بیشتری نسبت به زنان هستند. اما در بدن زنان نیز غدد فوق کلیوی و تخمدان‌ها، مقدار کمی از این هورمون را تولید می‌کنند. طبق گزارش مرکز پزشکی دانشگاه روچستر، زنان باید ۱۵ تا ۷۰ نانوگرم در دسی لیتر تستوسترون در خون خود داشته باشند. با این حال هیچ مدرک قطعی برای آن مقدار تستوسترونی که باید آن را کمبود تستوسترون در زنان نامید وجود دارد.

کاهش سطح تستوسترون در بدن می‌تواند یک یا چند مورد از علائم زیر را در زنان ایجاد کند: تنفس ضعیف، خستگی، اختلالات خواب، اهد میل جنسی، کاهش رضایت جنسی، افزایش وزن، مشکلات مربوط به باروری، بی‌نظمی در دوره‌های قاعدگی، خشکی واژن، کاهش تراکم استخوان



با میکروپ‌ها را تضعیف کند همین مسئله باعث افزایش خطر ابتلا به عفونت در لثه‌ها و استخوان‌هایی می‌شود که دندان‌ها را در جای خود ثابت نگه می‌دارند. عفونت لثه‌ها سبب شل شدن دندان‌ها و حتی افتادن آن‌ها می‌شود. علاوه بر این ممکن است زخم یا شکاف در لثه‌ها ایجاد شود، به خصوص اگر قبل از شروع دیابت دچار عفونت لثه شده‌اید.

علائم اولیه ابتلا به دیابت نوع دو را جدی بگیرید

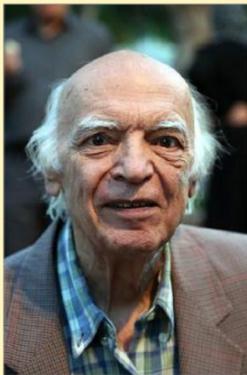
حالا که علائم و نشانه‌های احتمالی دیابت را متوجه شدید، در صورت مشاهده هر کدام از آن‌ها بی‌تفاوتی از کنارش رد نشوید و حتماً با پزشک خود مشورت کنید. دیابت یک وضعیت جدی است و هر چه زودتر در مراحل اولیه تشخیص داده شود و درمان زودتر شروع شود احتمال کنترل آن بیشتر می‌شود. با مشارکت فعال و رعایت نکات پزشکی می‌توانید دیابت را کنترل کنید و از زندگی سالم و فعال لذت ببرید.

سمت عدسی چشم می‌کشاند. اگر بیماری دیابت درمان و از پیشروی آن جلوگیری نشود سبب ایجاد عروق خونی جدید در شبکیه چشم، قسمت پشت چشم، شده و موجب تازی دید می‌شود. برای اغلب افراد این تغییرات اولیه سبب ایجاد مشکل در بینایی و کاهش دید نمی‌شود. با این حال اگر دیابت در مراحل اولیه جدی گرفته نشود منجر به از دست رفتن دید و حتی نابینایی می‌شود.

۵- عفونت‌های مکرر یا زخم‌هایی که به کندی بهبود پیدا می‌کنند

سطح بالای گلوکز خون می‌تواند به جریان خون ضعیف منجر شود و روند بهبود طبیعی بدن شما را مختل کند. به همین دلیل، افراد مبتلا به دیابت ممکن است زخم‌هایی را به خصوص در ناحیه پا مشاهده کنند که به کندی خوب می‌شوند. علاوه بر این در زنان مبتلا به دیابت یا کسانی که در مرحله ابتدایی ابتلا به دیابت قرار دارند عفونت‌های مثنه و واژن ممکن است بیشتر رخ دهد.

مردان شاخص



نجف دریابندری (۱۳۰۸-آبادان)

نجف دریابندری، مترجم و نویسنده معاصر ایرانی است. نجف دریابندری در سال سوم دبیرستان تحصیل را رها کرده و به دنبال کار رفته است. وی به‌طور خودآموز به فراگیری زبان انگلیسی پرداخت. در سال ۱۳۳۲ اولین اثر خود را که ترجمه کتاب معروف وداع با اسلحه، نوشته ارنست همینگوی بود، برای چاپ به تهران فرستاد. همزمان با چاپ این کتاب در سال ۱۳۳۳، به دلیل فعالیت‌های سیاسی در آبادان به زندان افتاد و بعد از یک سال به زندان تهران منتقل شد. وی پس از تحمل چهار سال حبس، در سال ۱۳۳۷ از زندان آزاد شد و به کارهای مختلفی روی آورد. در نهایت به عنوان سردبیر در انتشارات فرانکلین مشغول به کار شد. در آنجا به ترجمه آثار ادبی رمان‌نویسان و نمایشنامه‌نویسان معروف آمریکایی پرداخت و کتاب‌هایی همچون پیرمرد و دریا اثر ارنست همینگوی و هاکلبری فین اثر مارک توین را ترجمه کرد. دریابندری کلمبیا گردیده است.

مدت ۱۷ سال با مؤسسه فرانکلین همکاری کرد و در حدود سال ۱۳۵۴ همکاری خود را با این مؤسسه قطع کرد. پس از آن برای ترجمه متون فیلم‌های خارجی با سازمان رادیو تلویزیون ملی ایران قرارداد بست. نیز کناره گرفت و به‌طور جدی به ترجمه و تألیف پرداخت. دریابندری به مناسبت ترجمه آثار ادبی آمریکایی موفق به دریافت جایزه تورنتون وایلدر از دانشگاه کلمبیا گردیده است.



آب میوه و سبزیجات بنوشید

نوشیدن آب سبزیجات مختلف مثل آب گوجه‌فرنگی و آب کرفس به دلیل داشتن ویتامین‌های B6، A، C و B12، به علاوه منیزیم، پتاسیم و فسفر و فیبر فراوان در کرفس، هم سبب کاهش وزن می‌شود و هم نقش موثری در سلامت اندام‌های مختلف بدن دارد. اگر تمایلی ندارید که کرفس را در سالاد یا ماست خرد کنید تنها راه حل، خوردن آب کرفس است. بد نیست بدانید خوردن کرفس در درمان دردهای معده، فشار خون بالا، بوی بد دهان، یبوست، ناراحتی‌های اعصاب، عفونت مجاری ادراری، آرتروز و روماتیسم موثر است. اگر بخواهیم در مورد یکی از بهترین نوشیدنی‌ها برای لاغری و کاهش وزن صحبت کنیم از خواص آب گوجه‌فرنگی هم هر چه بگوییم کم گفته‌ایم. ناگفته نماند اگر بتوانید گوجه‌فرنگی را درسته مصرف کنید از خواص بی‌نظیر آن بیشتر سود می‌برید. اما اگر شاغل هستید و می‌خواهید روزانه از خواص گوجه‌فرنگی بهره‌مند شوید و از سوی دیگر نمی‌توانید در محل کارتان گوجه‌فرنگی گاز بزنید یا فرصت سالاد خوردن ندارید بهتر است آب گوجه‌فرنگی را در یک بطری همراه داشته باشید، همین کار را با کرفس هم می‌توانید انجام دهید. برای رفع خستگی، پیشگیری از انواع سرطان، یبوست، یوکی استخوان، تنظیم سطح قند و فشار خون، گرم‌زدگی، سلامت پوست و مو و ده‌ها فایده درمانی دیگر گوجه‌فرنگی را در رژیم غذایی روزانه خود قرار دهید. یادتان باشد نوشیدن آب میوه‌هایی مثل سیب، پرتقال، کیوی و توت‌فرنگی را هم فراموش نکنید و این را هم

از افراد چنبن بدانید که خوردن میوه به جای میوه به دلیل فیبر دردهایی را فراوان در کاهش وزن تاثیر بیشتری و افراد پشت اینگونه توصیف می‌کنند

که گویی طنابی دور سرشان حلقه شده و از دو طرف کشیده می‌شود.

سردردهای هورمونی
سردردهای مرتبط با قاعدگی هستند که پیش از قاعدگی یا در طول آن بروز می‌کنند. میگرن‌ها اغلب با قاعدگی یا ارتباط بوده و علائم آن‌ها عبارتند از درد تیز و ضربانی در کناره‌های سر، تهوع، استفراغ و حساسیت به نور، صدا و حتی لمس.

سر درد گردنی
در اصطلاح پزشکی به آن سر درد سرویکوژنیک گفته می‌شود، یکی از انواع سردردهای ثانویه است. به عبارت



مرد روز



ملک الشعراى بهار

شبی گذشت به آسودگی و آزادی
هزار شکر بدین نعمت خدادادی
چه عیش‌های مهنا که روی داد به ما
بدین چمن که بدو باد روی آبادی
ز کهنه و نو گیتی نگشت شاد دلم
من و ملازمت لعبتان نو شادی
حدیث نعمت پرویز و حسن شیرین رفت
ولی چو کوه بجا ماند عشق فرهادی
بیبار باده و آبی فشان بر آتش دل
که بی خبر شوم از قید خاکی و بادی
به شهر بند حقیقت رسی ز راه مجاز
پلی نتیجه شاگردیست، استادی
همیشه خرم و شادیم از عنایت دوست
دو صد سپاس بدین خرمی و این شادی

انواع سردرد و روش‌های تسکین آن

سردرد از جمله رایج‌ترین انواع اختلالاتی است که افراد بسیار زیادی به آن مبتلا هستند. سردرد‌ها انواع مختلفی دارند و به علل مختلفی ایجاد می‌شوند. برخی سردرد‌ها معمولی هستند و ریشه مهمی برای بروز آنها وجود ندارد، اما برخی از آنها می‌توانند نشان از بروز یک اختلال جدی در فرد باشند. در ادامه به بررسی انواع سردرد‌ها خواهیم پرداخت.

سردرد خوشه‌ای
سردرد خوشه‌ای دردناک‌ترین نوع سردرد است و خوشبختانه نسبت به سایر سردرد‌ها از شیوع کمتری برخوردار است. مردان حدود ۹۰٪ مبتلایان به این اختلال را تشکیل می‌دهند. از جمله موثرترین عوامل در ابتلا به این نوع سردرد‌ها می‌توان به مصرف سیگار و همچنین مصرف مشروبات الکلی اشاره کرد. سردردهای خوشه‌ای به صورت گروهی حمله می‌کنند. معمولاً درد، هر روز در یک ساعت معین بروز می‌کند و ممکن است روزها، هفته‌ها یا حتی ماه‌ها طول بکشد. در نهایت هم این امکان وجود دارد که پس از بهبودی نسبی، درد ماه‌ها یا سال‌ها به سراغ فرد

سردرد (Headache یا cephalalgia) به معنی درد و ناراحتی در سر، جمجمه و یا گردن می‌باشد. سردرد ممکن است در یک طرف و یا هر دو طرف سر رخ دهد. بعضی اوقات سردرد فقط در یک ناحیه باقی‌مانده و بعضی اوقات از یک نقطه سر به نقطه دیگر حرکت می‌کند. سردرد می‌تواند بشکل‌های مختلف مثلاً دردی شدید یا احساس ضربان در سر و یا دردی مبهم و گنگ رخ دهد. سردرد ممکن است ناگهانی رخ داده و یا کم‌کم ظاهر شود، درد آن ممکن است کم‌تر از یک ساعت از بین رفته و یا برای چندین روز باقی بماند.

خوشبختانه، اغلب سردرد‌ها نشانه یک بیماری جدی نبوده و افراد با تغییراتی در سبک زندگی، استفاده از تکنیک‌های آرامش‌بخش و بعضی اوقات مصرف دارو می‌توانند بر مشکل خود غلبه نمایند. پزشکان هنوز دلیل بیشتر سردرد‌ها را کشف نکرده‌اند. می‌توانیم که بافت مغز و استخوان جمجمه نمی‌توانند باعث سردرد شوند چون عصب‌های گیرنده‌ی پیام درد را ندارند. ولی رگ‌های خونی در سر و گردن و همچنین بافت‌های اطراف مغز و بعضی عصب‌های اصلی که از مغز منشعب می‌شوند می‌توانند پیام درد را منتقل کنند. پوست سر، سینوس‌ها، دندان‌ها و ماهیچه‌ها و مفاصل گردن هم می‌توانند باعث سردرد شوند.

سردرد‌های نگران‌کننده!

شما می‌توانید مراقبت‌های لازم برای بسیاری از انواع سردرد را خودتان انجام دهید. برای موارد شدیدتر دکتر هم می‌تواند یا تجویز دارو به شما در کنترل سردردتان کمک کند. به غیر از این موارد، سردردهایی هم هستند که احتیاج به مراقبت‌های پزشکی فوری دارند. در اینجا به بعضی موارد هشداردهنده اشاره می‌کنیم:

سردردهایی که بعد از سن ۵۰ سالگی به وجود می‌آیند
ایجاد یک تغییر اساسی در الگوی معمول سردردهای‌تان
یک مورد عجیب و شدید که می‌توانید آن را «بدترین سردرد عمرتان» بنامید
دردی که با حرکت یا سرفه تشدید می‌شود

نیاید و او فکر کند که کاملاً خوب شده است. در هنگام شروع حمله، دردی شدید و کشنده در یک طرف سر احساس می‌شود. ضمن آن که ممکن است آبریزش بینی و چشم از همان طرف سر آغاز شود. گاهی اوقات استنشاق اکسیژن خالص در مرحله اول بروز سردرد، ممکن است درد را متوقف کند. هنگامی که به این نوع سردرد مبتلا شدید، سیگار نکشید و از انجام فعالیت‌های استرس‌زا خودداری کنید.

سردردهای تنشی یا سردرد ضربان دار

تقریباً همه افراد در مقاطعی از زندگی دچار آن می‌شود. مواردی از آن که گاه و بیگاه رخ می‌دهند، همان سردردهای گاه و بیگاه نامیده می‌شوند. البته، برخی افراد تقریباً هر روز دچار سردرد‌های تنشی می‌شوند، که این حالت، سردرد مزمن محسوب می‌شود. معمولاً، علائم سردردهای تنشی شامل فشار یا تنش عضلانی در اطراف سر یا در پشت گردن است؛ عموماً درد مداوم است، نه تیز یا ضربانی. بسیاری



دیگر، این سردرد به علت مشکل یکی از مفاصل گردن به وجود می‌آید. حساسیت در ناحیه بالای گردن و در قاعده جمجمه و نیز خشکی گردن یا کاهش خفیف دامنه حرکت آن، از دیگر علائم سردردهای گردنی است.

سردرد‌های میگرنی

سردرد‌های میگرنی اغلب به صورت ارثی به فرد منتقل می‌شوند، این نوع سردرد با عواملی همچون نور، صدا و حرکت تحریک و تشدید می‌شود. در برخی موارد ممکن حالت تهوع و استفراغ نیز به فرد دست دهد. این نوع سردرد از یک قسمت سر شروع می‌شود و به تدریج تمام سر در بر می‌گیرد.

سردرد به علت تومور مغزی

این نوع سردرد معمولاً متناوب بوده و در اوایل صبح شدیدتر است و بیشتر ماهیت حمله‌ای دارد. با حرکت سر، بلند کردن بار، عطسه و به خصوص سرفه تشدید می‌شود. معمولاً سردرد همراه با اختلالات خواب همراه است و گاهی بیمار به علت سردرد از خواب بیدار می‌شود.

قلبی، انواع سرطان و چاقی بیش از حد در شما کاهش پیدا می‌کند. سعی کنید میوه یا سبزیجات سبز یا زرد تیره (برای مثال خربزه، هویج، هلو، کدو حلوایی، اسفناج، زردآلو، انبه، کلم بروکلی و انواع سیب‌زمینی شیرین حتماً در رژیم غذایی روزانه‌تان بگنجانید). در طول روز از انواع میوه و سبزیجات که غنی از ویتامین C هستند استفاده کنید، در این میان میوه و سبزیجات غنی از ویتامین C که تقریباً تمام افراد طعم و مزه آن‌ها را می‌پسندند عبارتند از: پرتقال، گریپ‌فروت، میوه گوا، انواع بری و توت‌فرنگی، انواع کلم، بروکلی و انواع لفل.

۲- در هفته ۳ وعده ساندویچ یا سالاد ماهی بخورید

تحقیقات پزشکی انجام شده حاکی از آن است افرادی که در هفته دو تا سه وعده ماهی می‌خورند، کمتر به بیماری‌های قلبی و عروقی مبتلا می‌شوند. در حقیقت برای داشتن یک رژیم غذایی سالم لاغری ماهی

۷ توصیه غذایی برای کارمندان

گوشت قرمز و اسنک‌های شیرین و شکلات‌های رنگ به رنگ است، لازم است در این زمینه تجدیدنظر کنید. یک برنامه‌ریزی دقیق و منظم برای نوع تغذیه و غذاها و خوراکی‌های‌تان انجام دهید. سعی کنید بیشتر از نان‌های کامل و سبوس‌دار، ماهی، میوه، خرما، سالاد و نوشیدنی‌های کم‌کالری و کمتر شیرین استفاده کنید.

سرشار از اسیدهای چرب امگا ۳ است و که از بدن ما در برابر انواع بیماری‌ها محافظت می‌کنند و به سلامت سیستم عصبی و مغز انسان کمک می‌کنند.

سعی کنید دو تا سه بار در هفته ساندویچ با نان سبوس‌دار یا سالاد به همراه انواع ماهی مثل ماهی تن، سالمون و ماهی قزل‌آلا را به عنوان یک وعده ناهار سالم انتخاب کنید. فراموش نکنید بعد از خوردن ناهار حتماً دندان‌هایتان را حتماً مسواک بزنید تا همکاران‌تان و ارباب رجوع را فراری ندهید.

۵- در دورهمی‌های کارمندی مراقبت باشید که چه می‌خورید

گاهی کارمندان یک شرکت یا اداره دور هم جمع می‌شوند و خوراکی سفارش می‌دهند یا خوراکی‌هایی را که با خود از خانه آورده‌اند با هم میل می‌کنند. در این‌گونه مواقع حواس‌تان به میزان و نوع خوراکی که می‌خورید باشد و مراقب باشید زیاده‌روی نکنید.

۶- یبوست را درمان کنید

اگر از آن دسته افرادی هستید که اکثر ساعات روز را جلوی مانیتور کامپیوتر اداره یا منزل می‌نشینند و کار انجام می‌دهند و در رژیم غذایی روزانه‌شان هم میوه و سبزیجات حضور چندان پر رنگی ندارند باید بگوییم که بدون شک به یبوست دچار خواهید شد. در این‌گونه موارد به جای پناه بردن به داروهای گیاهی و شیمیایی ملین بهتر است سبک غذایی‌تان را عوض کنید. داروهای ملین به مرور زمان حرکات طبیعی روده را مختل می‌کنند و وابستگی می‌آورند. بهتر است یک رژیم غذایی سالم لاغری سرشار از غذاهای فیبردار مثل نان کامل و سبوس‌دار، بلغور و برنج قهوه‌ای، بسکویت کراکر، غلات، انواع میوه و سبزیجات و حبوبات را در پیش بگیرید و روزانه ۸ لیوان آب بخورید.

۷- از یک متخصص تغذیه کمک بگیرید

اگر رژیم غذایی اشتباه را ادامه دهید بیماری‌هایی که تا حدود زیادی به رژیم غذایی اشتباه و کم‌تحرکی ارتباط دارند مثل انواع دیابت، چاقی مفرط، بیماری‌های قلبی و قندخون، سرطان، ورم مفاصل، نقرس، آلرژی غذایی، یبوست، سندرم روده تحریک‌پذیر و اختلالات مربوط به غذا خوردن مثل بی‌اشتهایی یا گرسنگی مفرط در انتظار شما خواهد بود یا شاید هم همین حالا می‌تواند برای بدن مضر باشد، پس طبق دستورالعمل روی جعبه مکمل یا نسخه پزشک عمل کنید.

۴- در محتویان ظرف غذا و کثوی میز تجدیدنظر کنید

اگر ظرف غذا یا کثوی میز کارتان پر از خوراکی و غذاهای چرب،



انتقال پول قرارداد استراماچونی با همکاری سفارت ایتالیا در تهران و نمایش زندگی عادی در شرایط غیر عادی!



دالیا استراما همسر استراماچونی در تهران

اینستاگرام خود تصویری منتشر کرد که نشان می‌دهد در یکی از کافه‌های شیک تهران در حال کشیدن قلیان است. اینکه آیا فقط ژست گرفته یا بیشتر مشخص نیست. تصاویر دیگری هم که او در صفحه شخصی خود منتشر کرده از جنس تصاویری است که نیروی انتظامی و روحانیت مرتجع و حزب‌اللهی‌ها با آنها به شدت مشکل دارند.

رحیمی فرمانده نیروی انتظامی تهران اخیراً هشدار داده انتشار تصاویر بدحجابی و بی‌حجابی توسط برخی از سلبریتی‌ها و هنرمندان و ورزشکاران در فضای مجازی تخلف است و پلیس قاطعانه برخورد خواهد کرد و فرقی ندارد فرد متخلف کیست و چکاره است! او گفته افراد مشهور در این حوزه‌ها به برکت همین سینما و تلویزیون ایران مشهور و معروف شده‌اند و مردم برای آنها احترام قائل هستند؛ پس لازم است قوانین و شئون اسلامی را رعایت کنند.

جمهوری اسلامی همواره از حضور مربیان و ورزشکاران خارجی به‌خصوص فوتبالی‌ها که در رسانه‌های بین‌المللی شاخص هستند برای تبلیغات به سود خود سوء استفاده می‌کند تا وانمود نماید که ایران یک کشور عادی و با مناسبات عادیست و مردم هم عادی در آن زندگی می‌کنند! اما این سیاست تبلیغاتی اثرات معکوس هم دارد چرا که همه در داخل ایران، چه ایرانی باشند و چه خارجی، می‌دانند که ممکن است برخی به زندگی غیرعادی در ایران «عادت» کرده باشند، ولی عادت به شرایط غیرعادی، آن را به عادی تبدیل نمی‌کند! چنانکه دختر وینفرید شفر سرمربی پیشین استقلال (تاج) به دلیل انتشار تصاویر و متن‌هایی در مورد وضعیت غیرعادی در ایران به درسر افتاد.

خارجی استفاده می‌کند تا مربیان استقلال از این جهت مشکلی نداشته باشند.»

اینکه سفارتخانه‌های مستقر در ایران به ویژه کشورهای اروپایی تا چه اندازه در دور زدن تحریم‌های جمهوری اسلامی همکاری دارند مشخص نیست. آیا امکانات نقل و انتقالات مالی صرفاً در مورد قراردادهای ورزشی به روی جمهوری اسلامی باز است و یا دور از چشم ناظران داخلی و خارجی، کانالی برای فرصت‌طلبان و دلال‌هاست؟

با توجه به اینکه هنوز لیگ فوتبال آغاز نشده و تیم استقلال (تاج) در اردوی تمرینی بسر می‌برد، قضاوت در مورد سطح فنی استراماچونی بسیار زود است اما برخی مسائل حاشیه‌ای پس از حضور همسر او در تهران قابل توجه است. دالیا (دلیله) ۳۳ ژوئیه به تهران رسید و آندره‌آ به همراه مسئول حراست باشگاه استقلال برای استقبال به فرودگاه رفتند و ساعاتی بعد تصویری از سرمربی استقلال و همسرش زیر قاب خمینی و خامنه‌ای در جایگاه تشریفات اختصاصی فرودگاه منتشر شد.

استراماچونی که تا پیش از رسیدن همسر و دو فرزندش به تهران در هتل اقامت داشت به همراه خانواده در منزلی که مدیران باشگاه در محدوده منطقه‌ی خوش آب و هوای کامرانیه تهران برای او اجاره کرده‌اند مستقر شده است. منزلی که در مورد اجاره ماهانه آن صحبت از رقمی میلیونی است! به عنوان مثال وبسایت فوتبالی ادعا کرده رقم اجاره این واحد آپارتمان ماهی ۵۰ میلیون تومان است. مسئولان باشگاه استقلال هنوز این رقم را نه تأیید و نه تکذیب کرده‌اند.

دو سه روز بعد از حضور دالیا استراما در تهران او در استوری

● خبرگزاری مهر نوشته سفارت ایتالیا در تهران از امکاناتش برای انتقال پول استراماچونی و دیگر مربیان خارجی استفاده می‌کند.

● وبسایت فوتبالی ادعا کرده رقم اجاره آپارتمان سرمربی جدید استقلال ماهی ۵۰ میلیون تومان است. مسئولان باشگاه استقلال هنوز این رقم را نه تأیید و نه تکذیب کرده‌اند.

● حضور همسر استراماچونی در تهران با حاشیه‌هایی همراه شده از جمله عکس آنها زیر قاب خمینی و خامنه‌ای و یا استوری وی با ژست قلیان کشیدن در اینستاگرام!

● جمهوری اسلامی تلاش می‌کند از حضور چهره‌های بین‌المللی در ایران اینطور تبلیغ کند که شرایط زندگی در ایران کاملاً عادی است!

تحریم‌های بانکی علیه جمهوری اسلامی اجرای قراردادهای و پرداخت حق و حقوق بازیکنان و مربیان خارجی شاغل در لیگ فوتبال ایران را مختل کرده است.

خبرگزاری مهر، سه‌شنبه، هشتم امرداد، نوشت که باشگاه استقلال (تاج) با کمک سفارت ایتالیا در تهران و همکاری سفیر این کشور مشکل پرداخت پول به آندره‌آ استراماچونی و دستیاران او را حل کرده است.

در این خبر آمده «سفارتخانه ایتالیا در تهران از امکاناتش به جهت انتقال پول استراماچونی و دیگر مربیان

اگان برنال، قهرمان مسابقات دوچرخه‌سواری دور فرانسه ۲۰۱۹



اگان برنال

اگان برنال دوچرخه‌سوار ۲۲ ساله اهل کلمبیا برنده مسابقات دور فرانسه ۲۰۱۹ جوانترین قهرمان در تاریخ این رقابت‌هاست. اگان پس از ۳۴۰۹ کیلومتر رکاب زدن و عبور از کوه‌ها و دره‌های خوش‌منظره فرانسه روز یکشنبه بعد از طی ۲۱ مرحله، در حالی که هوا رو به تاریکی می‌رفت، وارد خیابان شانزه لیزه پاریس شد اما نه به عنوان برنده آخرین مرحله، بلکه به عنوان دارنده بهترین رکورد در مجموع تمامی ۲۱ روز این رقابت‌ها. او به خبرنگاران گفت: هیچ افتخاری برای یک دوچرخه‌سوار، بالاتر از پیروزی در این تورنمنت نیست. نکته جالب در مسابقات دور فرانسه امسال این بود که به دلیل نزدیک بودن امتیازات شرکت کنندگان تا مرحله پانزدهمین در ناحیه آلپ، امکان پیش‌بینی اینکه چه کسی پیروز نهایی خواهد شد، وجود نداشت. اما سرانجام اگان تنها با اختلاف یک دقیقه و یازده ثانیه با گرانیات اسمیت، برنده سال پیش این

دوچرخه‌سوار در مراحل کوهستانی بود، در حالی برنده این تورنمنت شد که حتی در طول سه هفته در هیچیک از ۲۱ مرحله اول نشده بود. درست مانند کریس فروم در سال ۲۰۱۷. در رقابت‌های دور فرانسه امسال، گرانیات توماس دوم شد و کالب اوان نیز به عنوان سومین برنده مرحله آخر وارد پاریس شد.

رقابت‌ها، قهرمان دور فرانسه شد. برنال که به زبان‌های فرانسه، انگلیسی، ایتالیایی و اسپانیایی صحبت می‌کند، به شبکه تلویزیونی آی.تی.وی گفت: امروز من خوشحال‌ترین آدم روی کره زمین هستم. هنوز باورم نمی‌شود که قهرمان این مسابقه شده‌ام. وی با وجود آنکه بهترین

خمین قهرمان مچ‌اندازی بانوان ایران

نقش جهان قهرمان چوگان ایران



تیم مچ‌اندازی زنان خمین در سومین دور رقابت‌های مچ‌اندازی دختران ایران، مقام اول را به دست آورد. ملیحه دولت‌آبادی فراهانی نایب رئیس هیئت بدنسازی استان مرکز، جمعه شب این هفته به ایرنا گفت: در این مسابقه‌ها تیم‌های امیرکبیر اراک و تیم خورشید فراهان دوم و سوم شدند.

او افزود: در این رقابت‌ها ۳۷ خانم در سنین ۱۸ تا ۴۰ سال از اراک، خمین و فراهان مبارزه کردند. به گفته ملیحه فراهانی، این رقابت‌ها با استقبال بانوان مواجه شد و تعداد زیادی برای تماشا در سالن حضور داشتند. وی یادآور شد که مسابقات مچ‌اندازی قهرمانی کشور خانم‌ها، هشتم امرداد در رشت برگزار خواهد شد و تیم پرورش اندام بانوان خمین به نمایندگی استان مرکز در این رقابت‌ها شرکت می‌کند. او گفت: هزار ورزشکار زن فعال در رشته پرورش اندام در استان مرکز زیر نظر ۳۰۰ مربی هم‌روزه تمرین می‌کنند.

جهانبانی و امیررضا شاپوری بازیکنان تیم قصر فیروزه بودند. قبل از مسابقه نهایی، تیم‌های کاسپین و ذوالفقار در دیدار رده‌بندی به میدان رفتند و تیم کاسپین ۶ بر ۵ بر رقیب خود غلبه کرد و عنوان سوم این رقابت‌ها را از آن خود کرد. بازیکنان تیم کاسپین عبارت بودند از: امیر مقصودی، مهدی نایبی، خولیو آلبرتو (پامیا)، بشیر رضا خانلو و علی سالار وکیل‌گیلانی.

در مسابقات چوگان قهرمانی کشور که روز جمعه این هفته در ورزشگاه چوگان تهران برگزار شد، تیم نقش جهان ۱۱ بر ۵ بر تیم قصر فیروزه، برنده جام قهرمانی چوگان ایران شد. بهنام شمس اشراق، محمد کمی، امیررضا بهیدی، محمدرضا بهیدی و امیرحسین حسینی، یاران تیم نقش جهان بودند. عبد‌العلی صبری، بهزاد حاجی شرقی، امیرعلی ذوالفقاری، بهرام

رئیس پیشین سازمان تربیت بدنی:

مردانه - زنانه شدن ورزشگاه‌ها معنی ندارد



مصطفی‌هاشمی‌طبا رئیس پیشین سازمان تربیت بدنی می‌گوید: من همیشه گفته‌ام ورزشگاه‌های ایران باید خانوادگی شود. یعنی اینکه پدر و مادر و فرزندان دختر و پسر خانواده باید بتوانند مسابقات را در استادیوم در کنار یکدیگر تماشا کنند و اصولاً معنی ندارد ورزشگاه زنانه-مردانه شود یعنی چند عضو زن و مرد، دختر و پسر خانواده جدا از یکدیگر بازی را تماشا کنند. او اضافه کرده، وقتی آقای با خانمش به تماشای مسابقه می‌رود، آدم خیلی محترم‌تری می‌شود.

ایران راه داده شوند. فدراسیون فوتبال ایران هم می‌گوید، ما کاملاً با فیفا هم‌نظر و هم‌عقیده هستیم. اصلاً ما کی با این کار مخالف بوده‌ایم؟ در واقع فدراسیون همیشه موافق حضور خانم‌ها در استادیوم‌ها برای تماشای مسابقات بوده است. اما نکته مهم این است که اجازه ورود بانوان برای تماشای مسابقات به استادیوم در اختیار ما نیست. یا اینکه ادعا می‌کنند، نیروی انتظامی از حضور زنان در ورزشگاه جلوگیری می‌نماید. به هر حال به نظر من این کارها نوعی ژست مدبریتی از سوی فدراسیون است. ولی فیفا در این رابطه جدی است و باید با آنها همکاری کرد تا این مشکل حل شود.

اما با اعتماد به نفس در دنیا اول شدند. مهدی تاج رئیس فدراسیون فوتبال نیز این هفته گفت که علت شروع نشدن مسابقه‌های لیگ فوتبال ایران به دلیل آماده نبودن استادیوم‌ها و زیرساخت‌های لازم است. اما عده‌ای معتقدند چون زمینه حضور خانم‌ها برای تماشای مسابقات آماده نشده، آغاز لیگ فوتبال کشور به تعویق افتاده است. در حالی که به نظرهاشمی‌طبا نیز دلیل تأخیر در شروع لیگ فوتبال ایران، آماده نشدن زمینه ورود خانم‌ها به ورزشگاه‌هاست. او اصرار دارد که این تأخیر نوعی تاکتیک از سوی فدراسیون فوتبال ایران است. چون فیفا می‌گوید بانوان هرچه زودتر باید به ورزشگاه‌های

هاشمی‌طبا که چند سالی نیز رئیس کمیته ملی المپیک ایران و وزیر صنایع و معادن بوده، افزود: من مخالف مربی خارجی نیستم ولی متأسفانه در سال‌های اخیر دچار یک نوع خودباختگی در فوتبال و بعضی ورزش‌های دیگر شده‌ایم. در حالی که اگر مربیان خودمان را قبول داشته باشیم و کار علمی انجام دهیم، می‌توانیم نقص‌ها را برطرف کنیم. اما متأسفانه برخی باشگاه‌ها در این شرایط می‌پردازند. باز یکنان تیم والیبال نوجوانان ایران که چند روز پیش قهرمان جهان شدند، در این رقابت‌ها به روسیه و ایتالیا باخته بودند

معاون روحانی:

حضور خانم‌ها در ورزشگاه‌ها در آینده نزدیک



جمهوری اسلامی است، ابراز امیدواری کرد که در آینده نزدیک خانم‌ها می‌توانند برای تماشای مسابقات در ورزشگاه‌ها بنشینند. جیبانی اینفانتینو رئیس فدراسیون فوتبال جهان «فیفا» اخیراً گفت: در صورتی که حکومت جمهوری اسلامی ایران بیش از این در گشودن درهای استادیوم‌های فوتبال به روی خانم‌ها تعلل کند، به احتمال زیاد، فوتبال ایران متأسفانه از حضور در بازی‌های جهانی، المپیک و منطقه‌ای محروم خواهد شد.

تحصیلات دانشگاهی و بیکار بسیار بیشتر از مردان دانش‌آموخته دانشگاه است. ضمناً کم بودن امکانات ورزشی برای خانم‌ها باعث کم تحرکی، افزایش مشکلات جسمی و بیماری آنها می‌شود.

ابتکار گفت: امیدواری برای حضور بانوان در ورزشگاه‌ها زیاده‌تر شده و اقدامات موثری از سوی سازمان‌های داخلی و فدراسیون‌های بین‌المللی انجام شده است.

به گزارش ایرنا، معصومه ابتکار که معاون امور زنان و خانواده رئیس

معصومه ابتکار روز دوشنبه در خراسان گفت: دو سوم کودکان بازمانده از تحصیل، دخترها هستند و این نشان می‌دهد بعضی نگاه‌ها و فرهنگ‌ها باعث شده تا زنان نتوانند به برخی خدمات دست پیدا کنند.

وی گفت: پارسال متوجه شدم درس تربیت بدنی در مدارس محدود شده، از این اتفاق بسیار شوکه شدم. بعد از تلاش زیاد، درس تربیت بدنی برای ۶۷ هزار آموزگار دوره ابتدایی، در دستور کار قرار گرفت.

او افزود: تعداد دختران دارای

رواج ازدواج صوری در ایران برای ۱۵ میلیون تومان وام!



● برخی دختران و پسران جوان برای گرفتن مبلغ وام ازدواج صوری ازدواج کرده و با ثبت ازدواج برای گرفتن وام اقدام می‌کنند.

● برخی از زنان که پدرانشان فوت شده و مشمول مستمری هستند نیز با طلاق صوری از همسرانشان حقوق پدر را دریافت و به این شکل درآمدی برای خود دارند.

بحران اقتصادی و بی‌پولی در ایران موجب شده برخی شهروندان از هر راهی برای کسب درآمد بیشتر استفاده کنند. در این میان، در کنار طلاق‌های صوری، به تازگی خبر ثبت صوری ازدواج برای گرفتن وام ازدواج نیز منتشر شده است.

بر اساس این خبر برخی دختران و پسران جوان برای گرفتن مبلغ وام ازدواج صوری ازدواج کرده و با ثبت ازدواج برای گرفتن وام اقدام می‌کنند. در همین رابطه محمدمهدی تندگویان معاون امور جوانان وزارت ورزش و جوانان گفته که «بسیاری از متقاضیان وام ازدواج که در حال حاضر به بانک مراجعه می‌کنند درخواست رقم وام کمتری دارند چرا که قادر به پرداخت اقساط و بازپرداخت وام نیستند. در حال حاضر اقساط مربوط به وام ۳۰ میلیونی ازدواج تا یک میلیون تومان می‌رسد که جوانان باید بتوانند از پس این اقساط بر بیایند.»

تندگویان افزوده است: «اگر این وام تبدیل به ۵۰ میلیون شود نیز تأثیری در افزایش میزان ازدواج نخواهد داشت و از آنجایی که مجلس هر سال در زمان طرح لایحه، بودجه پیشنهاد افزایش این وام را می‌دهد باید در این خصوص کارهای کارشناسی و پژوهشی لازم را انجام دهد.»

گفتنی است وام ازدواج در حال حاضر مبلغ ۳۰ میلیون تومان است که هر زوج تا یک سال پس از ثبت ازدواج می‌توانند با ثبت نام در سامانه پرداخت وام ازدواج طی چند هفته به یک بانک در شهر محل زندگی خود معرفی و برای گرفتن وام ازدواج اقدام

کنند. نیمی از این مبلغ به زن و نیمی از این مبلغ به مرد پرداخت شده و قسط ماهانه این مبلغ یک میلیون تومان است.

اما جدا از ثبت ازدواج‌های صوری برای دریافت ۳۰ میلیون تومان که سهم هر یک از طرفین ۱۵ میلیون تومان است، ثبت طلاق صوری نیز یکی دیگر از اقداماتی است که مستعمری پدر فوت شده، رواج پیدا کرده است.

بر اساس قوانین فعلی در ایران، زنی که طلاق گرفته یا همسرش درگذشته باشد در حقوق مستمری پدر فوت شده سهیم است. در واقع حقوق مستمری فرد فوت شده به همسر و دختر بیوه یا ازدواج نکرده‌اش تعلق می‌گیرد و در صورتی که همسر متوفی نیز در قید حیات نباشد همه حقوق مستمری به دختر بیوه یا طلاق‌گرفته تازمانی که دوباره ازدواج نکرده باشد، تعلق می‌گیرد.

حقوق مستمری افراد بازنشسته در حال حاضر رقمی حدود یک و نیم تا دو میلیون تومان است و این رقم برای برخی از زنان که پدرانشان فوت شده و مشمول مستمری هستند و وسوسه‌کننده است. آنها با طلاق صوری از همسرانشان حقوق پدر را دریافت و به این شکل درآمدی برای خود دارند. ناصر ملک‌نژاد عضو هیئت مدیره کانون کارگران بازنشسته تهران فروردین‌ماه سال جاری گفته بود که «عده‌ای با سوء استفاده از طلاق‌های صوری حقوق پدرانشان را که از دنیا

جمع‌آوری هزاران صندوق صدقات خیابانی از ترس تنگدستانی که این صندوق‌ها ظاهراً برای آنهاست!



● بر اساس گزارش یک مقام کمیته امداد که ظاهراً با هدف حمایت از فقرا و مستمندان تأسیس شده ولی اکنون یک سازمان مال‌اندوزی است، از ابتدای سال جاری تا کنون «۵۲ میلیارد تومان» از صندوق صدقات بیرون آورده‌اند!

● علیرضا عسکریان گفته که جمع‌آوری این تعداد صندوق صدقات نه تنها منتهی به کاهش صدقات نشده، بلکه طی دو سال گذشته میزان صدقات «جهشی» افزایش داشته است!

● او جمع‌آوری این تعداد صندوق صدقات را «رکورد» توصیف کرده است.

معاون مشارکت‌های مردمی کمیته امداد می‌گوید ۸۰ هزار صندوق صدقات را از محله‌های «نامن» جمع‌آوری کرده‌اند؛ در حالی که بحران اقتصادی و فساد مالی حکومتی بر شمار تنگدستان کشور افزوده، کمیته امداد صندوق‌های صدقات را جزو اموال خود می‌داند و تلاش می‌کند تا این صندوق‌ها را برای حفاظت از «فقرا» به داخل سازمان‌ها و خانه‌ها منتقل کند!

● علیرضا عسکریان معاون مشارکت‌های مردمی کمیته امداد امروز ۸ مرداد از جمع‌آوری «۸۰ هزار صندوق صدقات نامن» خبر داده! آنگونه که این مقام کمیته امداد اعلام کرده، در سال ۹۶، ۲۹ درصد صندوق صدقات متعلق به این کمیته در مناطق «نامن» در استان‌های مختلف قرار داشته که شامل ۸۰ هزار صندوق بوده است.

مردم به صندوق‌های کمیته امداد، در مواردی فقرا شخصاً از این صندوق‌ها پول‌های خرد و اسکناس‌های کم بها را برمی‌دارند. تصاویری هم از برداشتن پول از صندوق‌های صدقات در فضای مجازی منتشر می‌شود که عمده نظر کاربران به این موضوع برداشت «حق»ی است که از آنان ضایع شده و به آنان پرداخت نمی‌شود. بنا به گزارش این مقام کمیته امداد، با وجود مشکلات و بحران اقتصادی کمک‌های مردمی در جشن عطفه‌ها نسبت به سال ۹۶، رشد ۷۰ درصد داشته و ۲۱۰ میلیارد تومان وارد منابع کمیته امداد امام خمینی شده است!

۱۸۲ میلیارد تومان زکات با افزایش ۴۰ تا ۵۰ درصدی نسبت به سال گذشته روبرو بوده است. کمیته امداد به دلیل کاهش ارزش ریال و جلوگیری از برداشت پول از این صندوق‌ها، همچنین اقدام به نصب صندوق صدقات الکترونیک کرده است!

مرگ مشکوک کلاغ‌های قم؛ پیش‌بینی «چرنوبیل»، آنفولانزای مرغی یا افسردگی؟!



● در حالی که گزارش‌های محلی از مرگ ۲۰۰ کلاغ خبر می‌دهند، مقامات محیط زیست قم می‌گویند ۳۰ کلاغ تلف شده‌اند.

● دلیل این مرگ گروهی هنوز معلوم نیست و انتظار هم نمی‌رود مانند موارد مشابه از سوی نهادهای مسئول اطلاع‌رسانی دقیق صورت گیرد.

در حالی که کلاغ‌ها به عمر طولانی تا ۹۰ سال معروف هستند، ویدئوهایی در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده که حاکی از مرگ ده‌ها کلاغ در منطقه‌ای در چند کیلومتری شهر قم است. اداره کل محیط‌زیست قم اعلام کرده که در حال بررسی دلایل این مرگ گروهی است. با توجه به فضای بسته و محدودیت‌های زندگی در شهر قم، برخی کاربران فضای مجازی مرگ گروهی این کلاغ‌ها را به کنایه خودکشی دسته‌جمعی به دلیل شرایط این شهر تعبیر می‌کنند.

در حالی که کلاغ‌ها به عمر طولانی تا ۹۰ سال شهرت دارند و بیشترین طول عمر را در میان پرندگان دارند، ویدئوهایی از دیروز، سه‌شنبه ۸ مرداد، در شبکه‌های اجتماعی از مرگ گروهی کلاغ‌ها در پارکی در چند کیلومتری شهر قم منتشر شده که بازتاب گسترده‌ای یافته است. این تصاویر نشان می‌دهد که در جای جای پارک «غدیر»، کلاغ‌های مرده روی زمین افتاده‌اند.

روابط عمومی اداره کل محیط‌زیست استان قم از دلیل مرگ گروهی این کلاغ‌ها اظهار بی‌اطلاعی کرده و گفته که امروز محیط‌بانان محیط‌زیست لاشه‌های این کلاغ‌ها را از این پارک جمع‌آوری کرده‌اند.

او گفته باید لاشه‌ها به آزمایشگاه منتقل شوند و بعد از کالبدشکافی دلیل اصلی این مرگ گروهی مشخص می‌شود.

گزارش‌های محلی حاکیست که این

اتفاق روز سه‌شنبه ۸ مردادماه رخ داده و شمار کلاغ‌های مرده به ۲۰۰ عدد می‌رسد.

عابدی رئیس اداره نظارت بر امور حیات وحش استان اما در اینباره گفته است: «به رغم گزارش‌های مردمی مبنی بر تلفات حدود ۲۰۰ زاغ در این بوستان بررسی‌های ما تلفات حدود ۳۰ کلاغ را تأیید می‌کند.»

رئیس اداره نظارت بر امور حیات وحش استان افزود: «در دو سه سال اخیر چنین گزارشی در سطح استان بی‌سابقه است که از این جهت این موضوع نیازمند توجه و بررسی‌های دقیق‌تر است.»

فاطمی متخصص بیماری‌های طیور اداره کل دامپزشکی استان نیز که در محل حاضر شده بود، هم اظهار داشت: «پس از نمونه‌برداری و انجام آزمایش‌های لازم از جمله آزمایش ملکولی برای تشخیص احتمالی آنفولانزا یا نیوکاسل، علت این حادثه تا دو روز آینده مشخص می‌شود.»

دامپزشک اداره کل پزشکی استان قم نیز با حضور در محل پارک «غدیر» مبادرت به نمونه‌گیری از چند کلاغ مرده کرده و در گفتگو با مهر اظهار داشت: «در سال‌های اخیر چنین اتفاقی گزارش نشده بود و قرار شد پس از نمونه‌برداری و انجام آزمایش‌های تخصصی نتیجه مشخص شود.»

برخی کاربران فضای مجازی به

نتایج یک مطالعه جدید نشان داده است که احساسات شبه‌انسانی از قبیل تردید و منفی‌بافی در بین کلاغ‌ها مسری است. این پرندگان از باهوش‌ترین حیوانات محسوب می‌شوند که قادر به پیش‌بینی حوادث هستند و می‌توانند با این توانایی با خطرات در حال وقوع مقابله کنند.

دو سال پیش نیز مرگ گروهی از کلاغ‌ها در سبزوار و مشهد مشاهده شد که علت آن را خوردن مواد سمی اعلام کردند. هنوز مشخص نیست مرگ گروهی کلاغ‌های قم، ناشی از ابتلا به آنفولانزای مرغی است یا دلیل دیگری دارد. بنا به تجربه به نظر نمی‌رسد که در این زمینه نیز مانند موارد مشابه اطلاع‌رسانی دقیق از سوی نهادهای مسئول صورت گیرد.

محمدعلی نجفی در حکم بدوی به اعدام محکوم شد



شهردار پیشین تهران و همسر دومش میترا استاد

● اتهامات محمدعلی نجفی «قتل عمد»، «ایراد صدمه غیرموثر در قتل» و «نگهداری اسلحه غیرمجاز» بود که از اتهام ایراد صدمه غیرموثر در قتل میرا شد.

● اسماعیلی حکم صادره را «غیرقطعی و قابل فرجام‌خواهی در دیوان عالی کشور» اعلام کرد و گفت: «در صورت اعتراض از ناحیه متهم یا وکلای متهم رسیدگی می‌شود.»

محمد علی نجفی وزیر اسبق نظام و شهردار پیشین تهران با تقاضای اولیای دم میترا استاد، به اشد مجازات و قصاص محکوم شد. وی همچنین به دلیل نگهداری سلاح غیرمجاز به دو سال زندان محکوم شده است.

غلامحسین اسماعیلی سخنگوی قوه‌قضاییه صبح امروز سه‌شنبه، ۸ مرداد، اعلام کرد که بر مبنای حکم بدوی دادگاه محمدعلی نجفی با توجه به تقاضای اولیای دم به قصاص محکوم شده است.

به گفته وی، دادگاه قتل عمد را محرز دانسته و با توجه به تقاضای اولیای دم حکم به قصاص صادر کرده است.

بر اساس حکم صادره، دادگاه «در مورد نگهداری سلاح غیرمجاز متهم را به دو سال حبس محکوم کرده است». دادگاه بدوی در مورد «اتهام صدمه غیرموثر در قتل، چون معتقد به انجام فعل واحد بوده، رای برائت داده است.»

اسماعیلی حکم صادره را «غیرقطعی و قابل فرجام‌خواهی در دیوان عالی

کشور» اعلام کرد و گفت: «در صورت اعتراض از ناحیه متهم یا وکلای متهم رسیدگی می‌شود.»

محمدعلی نجفی وزیر اسبق نظام و شهردار پیشین تهران هفتم خردادماه امسال میترا استاد همسر دوم خود را در منزل مسکونی‌شان واقع در منطقه سعادت‌آباد تهران با شلیک دو گلوله به قتل رساند. اتهامات وی «قتل عمد»، «ایراد صدمه غیرموثر در قتل» و «نگهداری اسلحه غیرمجاز» بود.

دادگاه رسیدگی به این پرونده از ۲۲ تیرماه امسال به صورت علنی با ریاست محمدرضا محمدی کشکولی آغاز شد و طی سه جلسه دادگاه رای بدوی صادر شد. در این جلسات، محمدعلی نجفی اتهام قتل عمد را رد کرد.

در جریان ارتکاب به قتل توسط محمدعلی نجفی، موضوعاتی چون «مهدورالدم» و یا «پرستو» بودن مقتول از سوی نجفی و حامیان اصلاح‌طلب وی، مطرح شد. با این حال، نجفی در دفاعیات خود طرح

چنین مضامینی را از سوی خودش تکذیب کرد و گفت که در مورد «مهدورالدم» بودن میترا استاد، بازپرس پرونده قصد داشته تا آن را دهان وی بگذارد!

وی همچنین درباره «پرستو» خواندن میترا استاد، ضمن تکذیب ادا کردن این لفظ توسط خودش گفت: «گفته شده که من گفته‌ام ایشان پرستو است اما من لفظ پرستو را به کار نبردم. این را بعضی در فضای مجازی نوشته‌اند که باید از خودشان بپرسید با چه انگیزه‌ای نوشته‌اید.»

پس از وقوع قتل میترا استاد حواشی گسترده‌ای پیرامون نقش و کارکرد اصلی میترا استاد، مقتول، در زندگی محمدعلی نجفی مطرح شد تا با انداختن تقصیر به گردن مقتول در ارتکاب قتل علیه خودش، به نوعی متهم را از حکم قصاص رهایی بخشد. بر مبنای ماده ۵۰۲ قانون مجازات اسلامی اگر مقتول «مهدورالدم» یعنی باطل و ریختن خونس مباح باشد، قاتل از اجرای حکم قصاص معاف می‌شود.

دو قرن فرازونشیب مطبوعات در ایران (۱۳۰)

(کیهان لندن شماره ۱۳۱۱) **ناشر** احمد احرار

دولت قوام هشت ماه دوام کرد و در مجموع، همان «دولت قوی» بود که ایران در آن شرایط خاص انتظارش را داشت. سید ضیاءالدین در آرزوی خود برای تشکیل چنین دولتی کامیاب نشد و با اقدامات تندروانه‌اش طوفانی برانگیخت که کابینه‌اش را ساقط و خودش را به آن سوی مرز پرتاب کرد. پس از برکناری سید ضیاءالدین، تا مدتی ایران صحنه شدیدترین تظاهرات بر ضد «کابینه سیاه» او بود که طبعاً رنگ تظاهرات ضد انگلیسی نیز داشت زیرا همگان، سید ضیاء را عامل انگلستان و کودتا را ساخته و پرداخته انگلیسی‌ها می‌دانستند. تظاهرات به سردستگی آن دسته از رجال



نشسته از راست: سید محمد رضا مساوات، سید حسن مدرس، میرزا حسین خان پیرنیا پیر حسین پیرنیا مشیرالدوله

سیاسی صورت می‌گرفت که سید ضیاءالدین آنها را زندانی کرده بود و با آن که پس از آزاد شدن از زندان، به حضور شاه رسیدند و مورد ملاحظت قرار گرفتند نه مهر شاه به دلشان بازگشت و نه نقش انگلیس را زیاد بردند. بیانیه مفصلی که با عنوان «بیان حقیقت» انتشار یافت، این بغض فروخورده را عیان می‌ساخت.

در این بیانیه، که امضای جمعی از رجال سیاسی و علما و اعیان در پای آن قرار داشت، از جمله آمده بود: «... چندی پس از سقوط کابینه آقای مشیرالدوله، که به واسطه درخواست سفارت انگلیس راجع به خارج کردن صاحب‌منصبان روسی از دیویزیون قزاق اعلیحضرت همایونی واقع شد و تعیین آقای سپهدار اعظم به ریاست وزراء که این مقصود سفارت انگلیس را انجام داد سفارت مزبور در شهر ربیع‌الاول ۱۳۳۹ هجری، در یادداشت مشروحی که به دولت ایران داد رفتن قشون خود را از ایران در بهار، وعده کرد. ضمناً تکلیف نمود که دولت ایران از حضور قشون انگلیس استفاده کرده یک دیویزیون قشون ایرانی در تحت ریاست صاحب‌منصبان انگلیسی در حدود قزوین که مرکز توقف قشون دولت بریتانیا بود تشکیل دهد. در صورت تخلف از این تکلیف، ایران را مخاطرات انقلابی و زوال ملیت تهدید می‌نماید.

حکومت وقت حل قضیه را به مجمعی مرکب از وجوه علما و محترمین و وکلا و سایر سیاسیین مملکت محول نمود. مجلس مزبور در تاریخ ۱۶ ربیع‌الاول در عمارت سلطنتی منعقد گردید و همان طوری که قبلاً هم پیش‌بینی می‌شد حضور، رد و قبول تقاضای دولت انگلیس را از حد صلاحیت خود خارج دیده و موکول به اراده مجلس شورای ملی نمودند. با وجود مسامحه‌ای که از طرف حکومت وقت در افتتاح مجلس به عمل می‌آمد، متدرجاً عده وکلا که برای افتتاح مجلس لازم بود در تهران گردآمده و قانوناً افتتاح مجلس ایجاب می‌نمود.

در این موقع اکثر نمایندگان حاضر در مرکز در ضمن پروگرام آتی خود، الغای قرارداد انگلیس و ایران را گنجانده و آن پروگرام را طبع و منتشر نمودند و بالنتیجه، قراردادی که اعتبار آن فقط منوط به تصویب مجلس بود و زمامداران ایران و انگلستان بالسویه در تمام عالم این مطلب را اعلان و به عموم خاطر نشان نموده بودند به اتفاق کلمه وکلای حاضر در تهران ملغی شده و خالی از هر اعتباری گردید.

از همین اوقات، یعنی پس از یأس از اسارت ایران، به وسیله دسایس عادیه نقشه کودتای سیدضیاء و توسل به جبر و مشت قطعی شد. این بود که در شب دوازدهم جمادی‌الثانی (۲۰ فوریه ۱۹۲۱) در تحت حمایت کلمه وکلای و مسامحه‌کاری عمدی و یا سهوی حکومت وقت، دست جنایتکار فرزند ناخلف ایران سید ضیاء مدیر روزنامه رعد برای سرقت دراز گردید. یک عده از دیویزیون قزاق شاهنشاهی را که در قزوین متوقف و موقتاً در تحت اداره یک نفر صاحب‌منصب انگلیسی (اسمیس) بودند

● درست مقارن با ایام انقلاب مشروطه، میرزا محمدعلی خان فروغی ناظم و معلم مدرسه‌ی علوم سیاسی رساله‌ای برای تدریس در آن مدرسه نوشت که نمایانگر بلوغ اندیشه‌ی قانونگرایی صدر مشروطه است.

● فروغی در این رساله در باب «سلطنت ملی» می‌نویسد: «سابق بر این مردم تصور می‌کردند که یک نفر یا یک جماعت باید صاحب اختیار مطلق عموم ناس باشد و امور ایشان را هرطور می‌خواهد و مصلحت می‌داند، اداره کند و مردم حق ندارند در اداره امور خودشان مداخله و چون و چرا نمایند... [اما] سلطنت متعلق به ملت است و بس!»

● آنچه ایام میان انقلاب مشروطه تا زمان انقلاب ۱۳۵۷ را از چهار دهه‌ی اخیر ایران تحت سلطه‌ی جمهوری اسلامی متمایز می‌کند، همین اندیشه‌ی مشروطه‌خواهی و قانونگرایی است.

یوسف مصدقی - ماه امرداد، ماه مشروطه، ماه

بیداری ملی ایرانیان است. هر چند این بیداری، در گذر بیش از یک قرن، بارها دچار چرت و قیلوله شده و هم‌اکنون نیز مبتلا به کابوسی چهل ساله است اما به برکت انقلاب مشروطه، رشدی معنی‌دار در ذهن و زبان ایرانیان پدید آمده که امکان جایگیری دوباره‌ی استبداد را در وجدان جمعی باشندگان این سرزمین کهن، ناممکن می‌کند.

روشن است که انقلاب مشروطه، همچون باقی تحولات سترگ اجتماعی، ناگهانی و به یکباره رخ نداد. مجموعه‌ای متنوع از علت‌ها و خواسته‌ها، در زمانی طولانی و فرساینده، موجب پدید آمدن مشروطه شد. اساس مشروطه‌خواهی اما، اندیشه و فکریه‌ی استبدادستیزی و «حکومت قانون» بود.

پیش از عصر انقلاب مشروطه، در ایران همچون امپراتوری عثمانی، کلمه‌ی «قانون» به مجموعه مقرراتی اطلاق می‌شد که حاکمان و مستوفیان برای سامان دادن به امور مالی و اداری، مستقل از احکام شرع وضع می‌کردند. با ورود اندیشه‌ی تجدد به ایران اما، واژه‌ی «قانون» معنایی دیگر یافت و اسم اعظم و شاه‌کلید گشایش تمام معضلات ایران دانسته شد. سی و چند سال پیش از انقلاب مشروطه،



محمدرضا شاه پهلوی و محمدعلی فروغی

چنین برداشتی از قانون که ملهم از اندیشه‌ی اروپایی در باب «حق» و «تکلیف» است، قانون را اساس حقوق عمومی می‌داند. بیش از یک دهه قبل از انقلاب مشروطه، میرزا ملک‌خان ناظم‌الدوله، در لندن روزنامه‌ای به نام «قانون» منتشر می‌کرد. مضمون مستمر و تکرار شونده در مطالب آن روزنامه، لزوم تشکیل یک نهاد قانونگذار مستقل از سلطنت، تفکیک قوا و تدوین کانستیتوسیون / کنسلیطوسیون (Constitution) قانون اساسی را برای ممالک محروسه‌ی ایران بود. این روزنامه در میان نخبگان و اندک باسوادان جامعه‌ی ایران خواننده داشت و بر اندکان آنان تأثیر گذار بود. به گواهی نسخه‌های این روزنامه و باقی مکتوبات بجا مانده از ملک‌خان، او همچون مستشارالدوله و آخوندزاده، به تأسی از اروپائیان، قانون را اساس و ضامن حقوق اساسی مردم می‌دانست.

درست مقارن با ایام انقلاب مشروطه، میرزا محمدعلی خان فروغی (بعدها وارث لقب پدرش ذکاءالملک) ناظم و معلم مدرسه‌ی علوم سیاسی (بعدها رئیس مجلس، وزیر خارجه، وزیر اقتصاد،



محمدعلی فروغی و حسین علا در پاریس

وزیر عدلیه و سه نوبت نخست‌وزیر ایران) رساله‌ای برای تدریس در آن مدرسه نوشت که نمایانگر بلوغ اندیشه‌ی قانونگرایی صدر مشروطه است. رساله‌ی فروغی، «حقوق اساسی یعنی آداب مشروطیت دول» نام داشت که درست در سال انقلاب مشروطه نوشته شد و چند ماه پس از صدور فرمان مشروطه، برای نخستین بار به زیور طبع آراسته شد. این کتاب که اولین متن فارسی درباره‌ی حقوق اساسی است، با گذشت بیش از یک قرن از زمان نگارش آن، هنوز خواندنی و آموزنده است. فروغی در این مکتوب درباره‌ی «شکل دولت»، مختصر و مفید نوشته: «به هر حال دولت یا استبدادی است یا مشروطه. استبدادی آن است که صاحبان قدرت خودسر یا مختار مطلق باشند و اعمال ایشان

دانشمندان دانایی چون فروغی، با چنین پشتوانه‌ی فکری حوادث جانفرسای صدر مشروطه را تجربه کردند و در مقابل «مشروع‌خواهان» ایستادند. این اندیشمندان، آشوب‌های دوران زوال قاجار را از سر گذراندند و برآمدن سردار سپه (بعدها رضاشاه پهلوی) را به چشم سر و دل دیدند و با او همراه شدند. نقش فروغی در وقایع منجر به انحلال سلطنت قاجار و تأسیس پادشاهی پهلوی به هیچ روی پوشیده نیست. چنانکه زحمات او برای جایگیری شدن اندیشه‌ی تجدد در ذهن رضاشاه، نمایان و بارز است. نقش آفرینی فروغی در انتقال خردمندانه‌ی پادشاهی از رضاشاه به محمدرضا شاه در شهریور ۱۳۲۰ و مقاومت او در مقابل تمایل دولت‌های اشغالگر برای اعلام جمهوری در ایران - حتی با وعده و وسوسه‌ی ریاست‌جمهوری خودش - همگی ریشه در مشروطه‌خواهی و قانونگرایی این بزرگمرد خادم ایران داشت.

آنچه ایام میان انقلاب مشروطه تا زمان انقلاب ۱۳۵۷ را از چهار دهه‌ی اخیر متمایز می‌کند، همین اندیشه‌ی مشروطه‌خواهی و قانونگرایی است. آن هفتاد و دو سال نخستین، با همه‌ی کاستی‌های ناگزیرش، حرکت آهسته و پیوسته‌ای روی ریل قانون و ترقی بود. چهل سال اخیر و وضع فعلی اما، چرخیدن دور خراس مشروطه‌خواهی است. چون نیک بنگریم، بازگشت به مشروطه، رهایی از دور باطل مشروطه است. بازگشت به مشروطه، برگشتن روی ریل پیشرفت و حکومت قوانین تکامل‌پذیر انسانی است.

کرده است. دفاتر چندگانه‌ای که او با عنوان «انسان‌داری مشروطه‌پژوهی در ایران» گرد آورده، مجموعه‌ای ارزشمند و گرانقدر از رسالات و نامه‌های سلسله‌چینانان فکری انقلاب مشروطه است. این مجموعه، اسنادی دست اول و یگانه از آخوندزاده و ملک‌خان تا ذکاءالملک فروغی را شامل می‌شود. حقدار همچنین تالیفاتی از جمند و خواندنی در حوزه‌های مختلف علوم انسانی دارد که گستره‌ای وسیع از حکمت اسلامی، تاریخ مشروطه، نقد روشنفکری ایران معاصر، تصحیح

زیرنویس:

(۱) و (۲) فروغی، محمدعلی (ذکاءالملک) / حقوق اساسی یعنی آداب مشروطیت دول / منتشره در دفتر دهم «انسان‌داری مشروطه‌پژوهی در ایران» به اهتمام علی اصغر حقدار / چاپ دوم ۱۳۹۶ / استانبول / نشر: باشگاه ادبیات / صص ۳۷-۹
* میان مشروطه‌پژوهان این سال‌ها، دوست دانشمند علی اصغر حقدار، بیش از بسیاری از مدعیان این عرصه زحمت کشیده و کار

«ادامه دارد»

علی میرفطروس – آقای دکتر، از شما سپاسگزارم که پس از سالها تردید، بالاخره پذیرفتید که خاطراتتان را بیان کنید. این خاطرات متعلق به ملت ایران است. متعلق به نسل یا نسل‌هایی است که از گذشته اطلاعی ندارند...

دکتر اصلا‎ن افشار – با لطف و تشویق شما و دوستان دیگر و با کمک همسرم کامیلا و تشویق دختر عزیزم فاطی، بالاخره موظف شدم که خاطراتی از خودم را پس از سالها دوری و درددری، برای آیندگان به یادگار بگذارم. همین جا بگویم که آنچه می‌گویم عین حقیقت است و هیچ دلیلی ندارد که من در نقل خاطرات و رویدادها اغراق و زیاده‌روی کنم چه در تعریف و چه در تکذیب. فقط آن چیزهایی را که من شخصاً دیده و یا شنیده‌ام بازگو می‌کنم... با موافقت مصاحبه‌کننده و مصاحبه‌شونده، بخشی از این کتاب ارزشمند را در «کیهان» نقل می‌کنیم.

تلفن کار تر به شاه

دکتر افشار می‌گوید:

در مهرماه ۱۳۵۷ روزی علیحضرت از یک عده اساتید دانشگاهی که برای شرکت در کنفرانسی به ایران آمده بودند، در کاخ سعدآباد پذیرایی می‌کردند. بعد از ظهر بود، چایی می‌خوردند و اعلیحضرت هم در باغ با آنها صحبت می‌کردند. پیشخدمت آمد و به من گفت: شما را از آمریکا پای تلفن می‌خواهند. زود پای تلفن رفته که ببینم کیست، دیدم که آقای کارتر می‌خواهد با اعلیحضرت صحبت کند. من، فوراً پایین آمدم و به اعلیحضرت گفتم: کارتر می‌خواهند با اعلیحضرت صحبت کنند. اعلیحضرت از مهمانان معذرت خواستند و گفتند: شما چایی تان را بخورید من برمی‌گردم، تلفنی هست که باید بروم... اعلیحضرت رفتند که با کارتر صحبت کنند.

● چه صحبتی کردند؟

– بنده خبر ندارم، ولی وقتی اعلیحضرت برگشتند دیدم خیلی خوشحال هستند بطوریکه از فرط خوشحالی، دو پله یکی، از پله‌ها پایین می‌آیند. این، علامت رضایت و خوشحالی اعلیحضرت از گفتگو با کارتر بود. همان موقع که اعلیحضرت رسیدند، قبل از اینکه با مهمانان در باغ، ادامهٔ صحبت بدهند، به من گفتند: شما بروید و زود به کارتر تلگراف کنید و بگویید که از مذاکرات امروز خیلی خیلی خوشحال هستم و از پشتیبانی شما خیلی متشکرم و امیدوارم که بر تمام مشکلات فائق شویم...

من هم بلافاصله رفته و با آقای همایون بهادری متن تلگراف را به انگلیسی تنظیم کردم و ماشین کرده آوردم که اعلیحضرت خواندند و پسندیدند و امضاء کردند و گفتند: مخابره شود.

● این دقیقاً در چه ماهی بود؟

– مهرماه، دقیقاً در مهرماه ۵۷ بود. در آبان ماه هم کارتر ضمن ملاقات با شاهزاده رضا پهلوی از «قدا‎مات شاهنشاه برای استقرار دموکراسی در ایران» ابراز خوشحالی کردند. می‌بینید که آقای کارتر تا آن موقع از اعلیحضرت حمایت می‌کردند و بعد چطور در عرض دو ماه ایشان در مورد ایران تغییر عقیده دادند!

کارتر روز ۳۱ دسامبر سال ۱۹۷۸ به تهران آمد، شب سال نو را در تهران گذراند و روز بعد رفت. آمدن کارتر کمک بزرگی به روحیهٔ اعلیحضرت کرد. آقای کارتر روزی که به تهران آمد به عقیدهٔ من روز خیلی خوبی بود، روز آخر سال بود و مذاکراتی که کرد خیلی خوب بود ولی جای تعجب بود که آقای «سایروس ونس»، وزیر امور خارجه با آقای کارتر همراه نبود و این، نشان دهندهٔ اختلاف بین وزارت خارجه و کاخ سفید بود.

در هر حال این اختلاف بین وزارت خارجه و کاخ سفید آمریکا وجود داشت. آقای اردشیر زاهدی سفیر ایران در واشنگتن و خانم «پاربارا والترز»، خبرنگار برجستهٔ آمریکائی و دوست خیلی نزدیک اردشیر زاهدی هم بودند. «پاربارا والترز» خبرنگار بسیار معروفی بود که مقالات او در مورد کشورهای مختلف در روزنامه‌های آمریکا چاپ می‌شود. او اولین روزنامه‌نگار زن بود که در سال ۱۹۷۲ نیکسون را در سفر به چین همراهی کرد و در سفر کارتر به ایران با اعلیحضرت هم مصاحبه‌هایی انجام داد و گزارش‌های مثبتی راجع به این مسافرت منتشر کرد.

آقای کارتر با همرا‎هانشان در کاخ گلستان بودند و مذاکراتشان هم با حضور وزیر خارجه آقای خلعتبری، آقای اردشیر زاهدی و دیگر مسؤولینی که با آقای کارتر بودند، انجام گرفت. روزی که آقای کارتر وارد شدند، همان روز هم آقای ملک حسین، پادشاه اردن به دیدن اعلیحضرت آمدند که می‌خواستند شب اول سال را با اعلیحضرت بگذرانند. شب هم ضیافتی در کاخ خصوصی اعلیحضرت برای آقای کارتر ترتیب داده شد که در حدود ۱۲۰ نفر سر شام بودند. آقای ممتاز، کارمند تشریفات عضو وزارت خارجه و مأمور در تشریفات، ید طولایی در ترتیب دادن میز شام

«**خاطرات دکتر امیراصلا‎ن افشار**» کتابی است در ۷۲۰ صفحه که در نخستین روزهای سال جدید شمسی، از سوی «فشر فرهنگ» در کانادا به بازار عرضه شد. کتاب، حاصل گفتگوی طولانی (۱۸۰ساعت) علی میرفطروس نویسنده و پژوهشگر ورزیده و پرکار است با آخرین رئیس تشریفات دربار شاهنشاهی در آخرین سالهای سلطنت محمدرضاشاه پهلوی.

دکتر افشار، دیپلمات باسابقه که در دوران زندگی سیاسی و دیپلماتیک خود، دارای پست‌های مهم و حساس از آن جمله سفارت ایران در آمریکا و آلمان و اتریش،

داشتند که چه کسانی پیش هم بنشینند که از لحاظ مقام و منصب با هم در یک ردیف باشند. این‌ها چیزهایی هستند که بعضی دیپلمات‌ها به روی آن بسیار حساس بودند و باید مراعات می‌شد. مثلاً ما در تشریفات با آقای هوشنگ انصاری گرفتاری داشتیم برای اینکه ایشان ایراد می‌گرفتند که جای من بر سر میز شام، جای پایین است و جای من سابقاً بالاتر بود. ما هم به ایشان توضیح دادیم که شما آن موقع وزیر اقتصاد بودید ولی الان رئیس شرکت نفت هستید. از لحاظ حق تقدم سابقهٔ شما مطرح نیست بلکه شغلی که الان دارید، مطرح است، این حق تقدمی که ما رعایت می‌کنیم، حق تقدمی است که به عرض اعلیحضرت هم رسیده و توشیح فرمودند. اگر بالاتر می‌خواهید، باید این را به عرض اعلیحضرت برسانید و ایشان بفرمایند که این حق تقدم را تغییر دهید. فکر می‌کنم در یکی از میهمانی‌ها اصلاً ایشان شرکت نکردند.

نقشهٔ ترتیب میز را آقای ممتاز تهیه کرده بود. علیاحضرت تلفن کردند و گفتند که نقشهٔ میز شامی را که ترتیب داده‌اید می‌خواهیم ببینیم.

نقشه را خودم به اتفاق آقای ممتاز به حضور علیاحضرت بردم و ایشان هم دیدند و گفتند: جای آقای کارتر درست است، ولی من سر میز شام، جای ملک حسین را نمی‌بینم! گفتم: قربان! ملک حسین غذای شان را میل رسمی شما (آقای کارتر) باید دست راست اعلیحضرت بنشینند و اگر من ملک حسین را دست راست اعلیحضرت بگذارم، آقای کارتر که مهمان رسمی هستند ایشان باید سه جا پایین‌تر بنشینند. علیاحضرت کمی عصبانی شدند و گفتند: پس ملک حسین برود هتل هیلتون غذا بخورد؟ گفتم: نه قربان! ملک حسین در کاخی که هستند غذای‌شان را میل می‌فرمایند، بعداً تشریف می‌آورند به کاخ و بعد از شام می‌توانند با آقای کارتر تنها بنشینند و مذاکره بکنند ولی سر میز شام، عملی نیست... علیاحضرت خیلی ناراحت شدند و فرمودند: نه! من این چیزها را قبول ندارم، بروید یک جوری درست کنید!... که البته درست نکردم. در هر حال خبر ورود آقای کارتر را دادند و اعلیحضرت و ما داشتیم حرکت می‌کردیم به طرف در کاخ که علیاحضرت وارد اطاق شدند. من با همسرم کامیلا بودم و اعلیحضرت. علیاحضرت که وارد شدند تقریباً می‌توانم بگویم با تشر به من فرمودند: مگر من به شما نگفته بودم که ملک حسین باید سر میز شام باشد؟! الان که رفته بالا میز را نگاه کردم، دیدم اصلاً اسم ایشان نیست...

جلوی اعلیحضرت گفتم: قربان، همانطور که حضورتان عرض کردم نمی‌توانستم ملک حسین را سر میز شام بگذارم چون از لحاظ حق تقدم جور در نمی‌آمد. مهمان رسمی، کارتر بود، جای ملک حسین خیلی پایین می‌افتاد... اعلیحضرت حرف مرا قطع کردند و خطاب به علیاحضرت فرمودند: نه! درست‌ه! افشار کارش را درست انجام داد...

بعد از شام، اول نطق اعلیحضرت و بعد، نطق آقای کارتر بود. این نطق معمولاً قبل از دسر است. جای من هم به‌عنوان رئیس تشریفات طوری قرار گرفته بود که بتوانم به‌راحتی نزد اعلیحضرت رفت و آمد کنم. من بعد از شام، نطق اعلیحضرت را دادم. اعلیحضرت بلند شدند و بقیه نشست‎ه بودند. اعلیحضرت خیر مقدم گفتند و نطق‌شان را کردند و بعد هم آقای کارتر که جواب گفتند. نطق آقای کارتر حقیقتاً امیدبخش بود که گفت: اعلیحضرت کشوری دارند که «جزیرهٔ ثبات» نام دارد. من خیلی

خاطرات و تاریخ

دکتر امیراصلا‎ن افشار در گفتگو با علی میرفطروس: (۱)

تلفن کار تر به شاه ایران و پاسخ تلگرافی شاه

رابط سفارت ایران در هلند با دادگاه لاهه به‌هنگام ملی شدن صنعت نفت، رئیس شورای حکام سازمان بین‌المللی انرژی اتمی در وین بوده است، از سال ۱۳۵۵ تا سال ۱۳۵۷ رئیس تشریفات دربار شاهنشاهی و از نزدیکترین محارم شاه ایران بود.

او همچنین از معدود کسانی است که تا واپسین روزهای زندگی محمدرضاشاه در ملازمت وی به‌سر برد و کمتر کسی چون او می‌تواند اوضاع دربار و وقایع منجر به رفتن شاه و آمدن خمینی را برای ضبط در تاریخ بازگو کند.

گفتگو، اینچنین آغاز می‌شود:

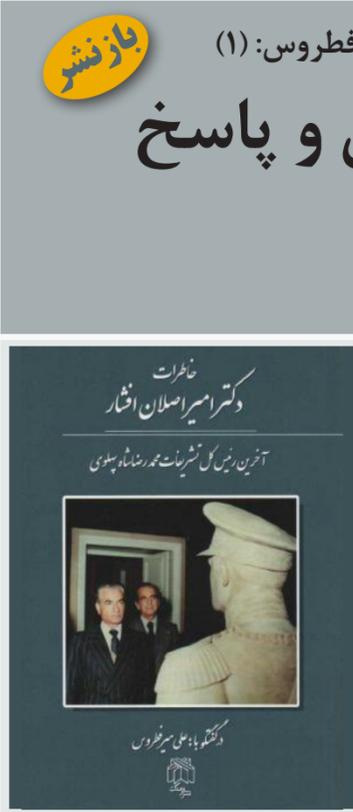
خوشحالم که با اعلیحضرت در اینجا مذاکره می‌کنم و...

شام که تمام شد همه رفتیم طبقهٔ بالا، ملک حسین بعد از مذاکرات کوتاهی با کارتر به سالن بزرگ حاضران پیوست. سر ساعت ۱۲ که تحویل سال نو میلادی بود، در آنجا به هم تبریک گفتند و به‌سلامتی هم نوشیدند. صبح روز بعد هم مذاکراتی انجام شد و نزدیک‌های ظهر آقای کارتر عازم هندوستان شدند. وقتی که از فرودگاه برگشتیم، اعلیحضرت فوق‌العاده راضی و خوشحال بودند. بعد از رفتن کارتر، پادشاه و ملکهٔ اسپانیا به ایران آمدند. می‌دانید که دوستی بسیار زیادی بین اعلیحضرت و پادشاه اسپانیا بود، حتی قبلاً بعضی وقت‌ها که احتیاج به کمک مالی بود، از طرف اعلیحضرت همیشه حواله می‌شد، آقای علم در «یادداشت‌ها» یش، حتی مبالغی را هم که حواله می‌شد نوشته‌اند.

پیشگامان صنعت مدرن در ایران

اگر به خاطرتان باشد، عرض کردم که به اعلیحضرت گفته بودم که بیشتر باید با مردم نزدیک بود. اگر اجازه می‌فرمایید، برنامه‌ای درست کنیم که هفته‌ای یک بار نمایندگان طبقات مختلف مردم شرفیاب بشوند و... پادشاه اسپانیا که آمدند به اعلیحضرت گفتم که اگر اجازه می‌فرمایید این برنامهٔ دعوت از نمایندگان طبقات مختلف مردم را انجام دهیم تا هم اعلیحضرت با طبقات مختلف مردم آشنا شوند و هم مردم، بیشتر با سازمان دربار و با اعلیحضرت آشنا شوند... اعلیحضرت فرمودند: مقصودتان چیست؟ عرض کردم که ما سر میز شام بیشتر از ۱۲۰ نفر جا نداریم. تعداد زیادی از این ۱۲۰ جا را اعضای خاندان سلطنتی و خانواده‌های هیأت دولت و فرماندهان نیروی زمینی، نیروی هوایی، نیروی دریایی، رئیس ستاد، رئیس ستاد کل و ژاندارمری و مسؤولان شرکت نفت می‌گیرند و تقریباً برای نمایندگان مجلس یا اساتید دانشگاه‌ها جایی باقی نمی‌ماند... فرمودند که پس چکار باید کرد؟ عرض کردم: قربان! بعد از این اجازه بفرمایید که در تمامی ضیافت‌های اعلیحضرت، به ترتیب، فقط یکی از برادران یا خواهران اعلیحضرت با همسرشان باشند، خاندان سلطنتی محدود می‌شوند به اعلیحضرت، علیاحضرت، یکی از شاهپورها با همسرشان. از طرف دولت، فقط نخست‌وزیر و وزیر خارجه با همسرش، و بعد، در مهمانی و ضیافت بعدی، فقط یکی از وزرا باشد، مثلاً وزیر کشور با همسرش. به این ترتیب ملاحظه خواهید کرد که چقدر جا خالی خواهد شد...

اعلیحضرت فرمودند: بعد چی؟ اینهمه جای خالی را با چی می‌خواهید پر کنید؟ گفتم: بعداً افرادی را دعوت کنیم که هیچوقت اعلیحضرت را ندیده‌اند. اینها کسانی هستند که به مملکت خیلی خدمت کرده‌اند، اینها را به ضیافت شام اعلیحضرت دعوت می‌کنیم، از قشرهای تجارت، تکنیک، دانشگاهی، کشاورزی و فرهنگی... این دفعه از رئیس دانشگاه و یکی از اساتید دانشگاه دعوت می‌کنیم و بعد، از بازار و صاحبان صنایع مدرن... فرمودند: فکر می‌کنید که این کار، عملی خواهد شد؟ گفتم: قربان عملی خواهد شد و خیلی هم به نفع ما خواهد بود، ملاحظه بفرمایید شما امروز یک نفر تاجر و صاحب کارخانهٔ معتبر یا یک نفر فرهنگی را دعوت می‌کنید، پول مسافرتش را می‌دهید، پول هتلش را هم می‌دهید، پول برگشتنش را هم می‌دهید، این شخص برمی‌گردد به شهر و کارخانه‌اش. می‌دانید چه اثری



خواهد کرد؟ وقتی این تاجر معروف تعریف کند که من دیشب سر میز شام اعلیحضرت بودم، رئیس جمهور آلمان هم بود، رئیس جمهور فلان کشور هم بود، اثر فوق‌العاده‌ای در مردم می‌گذارد... اعلیحضرت فرمودند: امتحان کنیم!

ما از کرمانشاه یک نفر را دعوت کردیم، بعد، آقای حاجی برخوردار را دعوت کردیم.

● حاج محمدتقی بر خوردار؟

– بله! حاج محمدتقی برخوردار، مؤسس شرکت «پارس الکتریک» که به «پدر صنایع خانگی در ایران» معروف است، او از اولین بانیان صنعت مدرن در ایران بود که تلویزیون رنگی در ایران و کارخانهٔ باتری «ری.او.واک» را ایجاد کرد. همه با لباس خیلی مرتب، به ضیافت اعلیحضرت آمدند و اصلاً باور نمی‌کردند که سر میز شام اعلیحضرت نشست‎ه‌اند و با شخصیت‌های بزرگی دارند شام می‌خورند. این کار خیلی خیلی اثر خوبی گذاشت و اعلیحضرت فرمودند: حتماً این کار را ادامه دهید!... بقدری اثر این کار اثر خوبی گذاشت که غرغر بعضی‌ها، دیگر اثری در اعلیحضرت نداشت. ما این برنامه را با دو مهمان دیگر هم که آمدند ادامه دادیم. پادشاه و ملکهٔ اسپانیا که به ایران آمدند، تابستان بود، رفتیم توی پارک صابحرانیه نشستیم و خانم هاید‎ه و گوگوش برنامه‌هایی اجرا کردند که خیلی مورد توجه قرار گرفت، حتی گوگوش به زبان اسپانیایی آواز خواند که بسیار باعث خوشحالی پادشاه و ملکهٔ اسپانیا شده بود. استاد چکنورایان هم در این ضیافت‌ها بودند!

پس از آقای حاجی برخوردار، تصمیم گرفتیم که از دیگر صاحبان صنایع ایران و از کسانی که در ساختن ایران مدرن پیشگام بوده‌اند دعوت کنیم، مانند آقایان رحیم ابروانی، مهندس خلیل ارجمند، حبیب القانیان، حبیب ثابت، محمود خیّامی، علی رضائی، احمد و قاسم لاجوردی، خسروشاهی‌ها، سیروس فرمانفرمایان و...

رحیم ابروانی: کسی بود که گیوه‌پوشی را به کفش‌پوشی به بهای ارزان تبدیل کرد. ابروانی در اوائل سال ۱۳۳۰ کارخانهٔ ساختن کفش را از چکسلواکی به ایران آورد و کفش خارجی را از ۱۰ تومان به قیمت ۳ تا ۴ تومان خارجی می‌کرد. مساحت کوچک و اولیهٔ کارخانه در آستانهٔ انقلاب ۵۷ به چهارصد هزار متر پارک صنعتی کفش و ۴۰۰ خانهٔ کارگری رسید که ۱۵۰۰ کارگر در آن کار می‌کردند. ابروانی فردی بشردوست و نیکوکار بود و مخرج تحصیل و اقامت ۲۰ کودک از ۳ تا ۸ ساله را می‌پرداخت که پس از انقلاب، همین اطفال ۱۴ و ۱۸ ساله را با خود به خارج کشور برد و تمام هزینه‌های تحصیل‌شان را می‌پرداخت. ابروانی به شوروی و اروپای شرقی کفش صادر می‌کرد. بعد از انقلاب ۵۷ و مصادرهٔ کارخانهٔ عظیم او توسط ملاًها، ابروانی در قاهره یک کارخانهٔ تولید کفش تأسیس کرد.

مهندس خلیل ارجمند:بنیانگذار کارخانجات عظیم ارج و سازندهٔ یخچال، بخاری، آب‌گرم‌کن، کولر آبی و ده‌ها محصول خانگی دیگر.

حبیب القانیان: که با ایجاد شرکت پلاستیک‌سازی «پلاسکو»، پیشگام صنعت پلاستیک‌سازی و آوردن ظروف ملامین در ایران بود که جانشین ظروف لعابی و چینی هستند که در نظر بهداشتی بزرگترین خدمت را به مردم کرد.

حبیب ثابت: که در جوانی رانندهٔ ساده‌ای بود. او بنیانگذار و مؤسس تلویزیون ایران بود و با آوردن تلویزیون به ایران، درهای دنیا را

کیهان

به روی مردم باز کرد. مردم اخبار را با تصویر می‌دیدند و گوش می‌کردند. او بنیانگذار کارخانهٔ جنرال تایر و شرکت‌های داروفی بزرگ در ایران بود.

محمود خیّامی: بنیانگذار ایران ناسیونال و سازندهٔ اتومبیل پیکان؛ او صنعت ماشین‌سازی را در ایران ایجاد کرد. وقتی روز ۲۶ دی‌ماه ۱۳۵۷ در کاب اعلیحضرت به مصر رفتیم، در قاهره از اینکه ایران را ترک کرده بودیم بسیار متأثر بودیم، اما وقتی اتوبوس‌های ایران‌ناسیونال را در خیابان‌های قاهره مشاهده می‌کردیم، خوشحال می‌شدیم. آقای محمود خیّامی، پس از یک عمر خدمت به صنعت، اقتصاد و فرهنگ ایران، مجبور به جلا‎ی وطن گردید. او دوست نزدیک «تونی بلر»، نخست‌وزیر پیشین انگلستان، است و از طرف پاپ اعظم و ملکهٔ انگلستان به خاطر فعالیت‌های بشردوستانه‌اش عالیتیرین نشان افتخار را دریافت نموده است. آقای خیّامی در نشر «انسیکلوپدی ایرانیکا» (به همت استاد احسان یارشاطر) و کمک به امور فرهنگی، خدمات بزرگی کرده است.

علی رضائی: با فعالیت‌های خستگی‌ناپذیر اولین و مدرن‌ترین کارخانهٔ فولاد را در ایران بوجود آورد.

خسروشاهی و برادران: مجهزترین کارخانه و لابراتوار تولید دارو را در ایران به‌وجود آوردند که در سراسر خاورمیانه بی‌نظیر بود.

سیروس فرمانفرمایان: موفق شد شرکت نفت ایران را در ایران پایه‌گذاری کند.

احمد و قاسم لاجوردی: از مؤسسان گروه صنعتی بهشهر و از نخستین پیشگامان تجارت و صنعت مدرن در ایران بودند. آنها با ایجاد شرکت‌های صنعتی بهشهر و «آکام» و خصوصاً تولید و ترویج روغن نباتی، خدمات بزرگی به سلامت و بهداشت مردم ایران کردند.

ما تصمیم داشتیم که از این آقایان دعوت کنیم تا ضمن ضیافت شام در حضور اعلیحضرت، از کارها و فعالیت‌های خودشان با اعلیحضرت صحبت کنند. اعلیحضرت خیلی از پیشرفت‌ها و تحولات صنعتی ایران شاد می‌شدند و احساس غرور می‌کردند که متأسفانه طوفان انقلاب اسلامی، همه را بر باد داد.

این راهم بگویم که همیشه در مراسم چهارم آبان نشان‌ها را به افراد و شخصیت‌ها می‌دادند. به حضور اعلیحضرت فرامین را گذاشتم که توشیح بفرمایند. اعلیحضرت گفتند خوب، بفرستند کاخ، من شب امضا می‌کنم. گفتم قربان کم هستند. یکدفعه نگاه کردند گفتند چرا اینقدر کم؟! گفتم قربان بیشتر از این لازم نبود. سابقاً آنقدر فرمان زیاد بود که بایستی می‌رفتند منزل شب یکی یکی امضاء بکنند.

گفتم قربان، در مقابل ۴۰۰ نشان که هر سال می‌دادیم، رویهم‌رفته در تمام وزارتخانه شاید ۶۰ نفر را که لیاقت گرفتن نشان دارند در نظر گرفتیم. هر نشان بیش از ۲۰۰۰ دلار خرج برمی‌دارد. نشان چیز ارزانی نیست که به فراموشی سفارش می‌دهیم درست می‌کنند. از این گذشته، من به‌عنوان امیراصلا‎ن افشار، برای اولین بار در تاریخ تشریفات ایران و تاریخ نشان‌های ایران از زمان ناصرالدین شاه تا محمدرضا شاه، شاید تنها کسی بودم که به اعلیحضرت عرض کردم، قربان، شما به همه نشان التفات فرمودید، شما به کسانی که شاید هم نداشتند اشتباهاً نشان مرحمت فرمودید، اما ایرانی‌هایی که مذاهب دیگر دارند و به‌اصطلاح «قلیت‌های مذهبی» هستند، هیچکدام نشان مملکت‌شان را ندارند، این‌ها ایرانی هستند و این‌ها به ایران خدمت می‌کنند و افتخار می‌کنند که ایرانی هستند و بعد، ما حاضر نیستیم که یک نشان ایران را به این‌ها بدهیم.

اعلیحضرت فرمودند: از کی تا حالا این فکر به سرتان زده؟ گفتم قربان، یک شخص در عرض یکسال دو نشان گرفته اما ما آسوری داریم، ما ارمنی داریم، زرتشتی داریم، کلیمی داریم. نمایندگان کلیمی‌ها و غیره که در مجلس هستند هیچکدام‌شان افتخار گرفتن نشان مملکت‌شان را نداشته‌اند. گفتم به همه‌شان یک گردنبنند نشان همایونی مرحمت بفرمایید. اعلیحضرت فرمودند: فرمانش را بدهید امضاء کنم.

بعد اعلیحضرت فرمودند: همین؟! گفتم قربان یک تقاضای دیگری هم دارم. گفتم ما نشان‌ها را با فرامین می‌فرستیم منزل افراد، این‌ها فرمان‌ها را نگه می‌دارند، نشان‌ها را می‌گذارند فردا می‌آیند به کاخ گلستان. استدعا می‌کنم که این فرمان‌ها و این نشان‌ها را در سالی که همه مدعوین هستند، اعلیحضرت مستقیماً دانه‌دانه به گردن آن‌ها آویزان بفرمایند... اعلیحضرت موافقت کرد.

روز بعد، خانم «اما آقایان»، بعد نمایندهٔ کلیمی‌ها، نمایندهٔ زرتشتی‌ها، نمایندهٔ آسوری‌ها، همه شرفیاب شدند و اعلیحضرت این‌ها را خصوصی پذیرفتند و نشان‌ها را به گردن نمایندهٔ ارامنه و... انداختند. اشک از چشمان من و آنها جاری می‌شد و خوشحالی فراوانی که در چهرهٔ اعلیحضرت هویدا بود.

ادامه دارد

اصلاح طلبان؛ خواجگان دربار حکومت اسلامی و گدایی سیاست‌ورزی رمه‌وار



اصلاح طلبان، فقط رنگ و ریا...

بوده و آنها را نیز مورد تنبیه قرار داده باشد. به همین دلیل اصلاح طلبان در داخل و خارج از تحریم خامنه‌ای توسط ایالات متحده دل‌آزرده شدند. برای آنها تحریم خامنه‌ای «مبتذل» است اما دعوت حکومت به سرکوب معترضان در دی ۹۶ وظیفه‌ی دینی و میهنی. جایگاه و مقام ولایت فقیه برای آنها مقدس است چون انتظار دارند روزی دوباره یکی از رفقایشان در این مقام بنشیند. آنها نمی‌خواهند خود را برای همیشه از این مقام غیرپاسخگو و نظارت‌ناپذیر با قدرت مطلقه محروم کنند. با توجه به باور اصلاح طلبان به دیکتاتورمآبی و کینه‌ورزی خامنه‌ای که گریبان آنها را در سه دهه‌ی اخیر گرفته مشخص است که وقتی آنها از خامنه‌ای دفاع می‌کنند دارند از وی می‌خواهند که آنها را در سیاست‌ورزی در چارچوب جمهوری اسلامی کمتر محدود کند. محمد خاتمی به صراحت از مواضع خامنه‌ای در سیاست خارجی دفاع می‌کند و از اینکه بیت رهبر و خود وی تحریم شوند شکایت دارد.

مبانی تمامیت‌خواهانه‌ی اصلاح طلبان
مبانی فکری اصلاح طلبان همان مبانی اقتدارگرایی و تمامیت‌خواهی خمینی و خامنه‌ای است با این تفاوت که (۱) دیگر جامعه را پذیرای آنها نمی‌دانند، و (۲) با روش‌های دیگری می‌خواهند آنها را به پیش ببرند. در قاموس اصلاح طلبان هر جا خودشان مشارکت داشته باشند و موافق باشند همه‌ی جریان‌های سیاسی هم مثل آنها فکر می‌کنند. محمد خاتمی در مورد ساقط کردن پهلپاد آمریکایی می‌گوید «سقاط پهلپاد... مورد حمایت همه جریان‌های کشور قرار گرفت!» کدام جریان در داخل کشور می‌توانسته از این موضوع انتقاد کند و نکرده است؟ فرض اصلاح طلبان آن است که همه‌ی جریان‌های سیاسی کشور آزادند و اگر دهان خود را می‌بندند مثل اصلاح طلبان به منافع و امتیازات خویش می‌اندیشند.

زبان رادیکال‌ترین اصلاح طلبان (که محدودیتی در بیان نظرات خود ندارند) با زبان ماشین تبلیغات رژیم (مبتنی بر خودبزرگ‌بینی و خودحق‌پنداری) مو نمی‌زند. به این عبارات محسن کدیور در مصاحبه با انصاف نیوز در باب تجزیه‌ی ایران نگاه کنید: «رژیم‌های مرتجع عرب»، «عده‌ای جنگ طلب در اسرائیل و آمریکا و احتمالاً عربستان و امارات»، «رژیم‌های عرب وابسته به آمریکا در خلیج فارس»، «افراد جنگ‌طلبی از قبیل مایک پمپئو... و چهره‌ی ایران‌ستیز و جنگ‌افروزی چون جان بولتون»، «تحریم‌های کمرشکن حقیقتاً اعلام جنگ اقتصادی به جمهوری اسلامی است»، و «طناب پوسیده‌ی امثال ترامپ». این سخنان عیناً تکرار مواضع محمدجواد ظریف و زبان صدا و سیما‌ی جمهوری اسلامی است. این عبارات مبتنی بر ناسازگویی است و نه تحلیل. کافی است او به امارات متحده و ایران سفر کرده و این دو کشور را با هم مقایسه کند تا ببیند کدام رژیم مرتجع است. همچنین باید میزبان واردات جمهوری اسلامی و دیگر کشورهای منطقه را با هم مقایسه کند تا ببیند کدام یک وابسته‌ترند. فراتر از این اصولاً مرتجع و وابسته یعنی چه؟ اینگونه کلمات از کیسه‌ی زبان تاریخ‌رایانه و ضدامپریالیستی مارکسیست‌ها بیرون می‌تراوید و اسلام‌گرایان شیفته‌ی آنها شدند.

ادامه در صفحه ۱۷

– روش سیاست‌ورزی اصلاح طلبان روش خواجگان دربار در دوران مغول و ایلخانی است.

– برای اصلاح طلبان تحریم خامنه‌ای «مبتذل» است اما دعوت حکومت به سرکوب معترضان در دی ۹۶ وظیفه‌ی دینی و میهنی!

– صفت کسانی که مدام سرکوب می‌شوند و دم بر نمی‌آورند در قاموس اصلاح طلبان «نجیب» است.

– اصلاح طلبان هنوز

معتقدند که جمهوری اسلامی از مظلوم دفاع می‌کند، با ظالم مبارزه می‌کند و با زورگویی و آپارتاید و غصب مخالف است، مثل سال ۵۷.

– زبان رادیکال‌ترین اصلاح طلبان حتی در خارج با زبان ماشین تبلیغات رژیم موندی‌زند.

– حاکمان جمهوری اسلامی تنها در محدوده‌ای که برای فریب جامعه‌ی جهانی و جامعه‌ی ایران لازم است به اصلاح طلبان فرصت سیاست‌ورزی رمه‌وار می‌دهند و نه بیشتر.

مجید محمدی – حکایت سیاست‌ورزی اصلاح طلبان در چارچوب نظام جمهوری اسلامی حکایت دین‌سواری، امتیازخواهی، تحقیرپذیری، ماله‌کشی، و مداحی و ستایش قدرت است؛ خودحق‌پنداری، خودمصلح‌پنداری، خودمیان‌روپنداری، خودمصلح‌طلب‌پنداری و خوددلسوزپنداری بدون آنکه در مقام عمل شاهد و نشانه‌ی برای آنها وجود داشته باشد. جریان اصلاح طلبی در عمل بجای اصلاح روندها با فروش توهم تغییر، به عمر رژیم نکبت افزوده و در برابر، سهمی از قدرت را به خود اختصاص داده است. اصلاح طلبان نخست سرنوشت سیاسی خود را به دست ولی فقیه و ایدئولوگ‌های اسلامگرا و سازمان روحانیت شیعه می‌سپارند و بعد از آنها حقوق مقیده‌ی خود از جمله سیاست‌ورزی را گدایی می‌کنند.

نصیحت حاکمان بجای قدرت بخشیدن به شهروندان
به لحن آنها در بحث از موضوعات سیاسی روز نگاه کنید: بجای تاکید بر

تعیین ۱ تا ۱۰ سال زندان به «جرم» ارسال فیلم و عکس برای «مسیح علینژاد»؛ مقابله با شجاعتی که تکثیر می‌شود...



فضا‌ی داخل اتومبیل حریم شخصی نیست و زنان باید حجاب اسلامی را در داخل اتومبیل هم رعایت کنند. پیش از این هم، ارسال پیامک به رانندگان برخی اتومبیل‌ها و احضارشان به دادسرا، خبرساز شده بود. نیروی انتظامی این رانندگان را به دلیل آنچه کشف حجاب در داخل اتومبیل خوانده می‌شود، احضار کرده و به آنان هشدار داده بود.

در این میان، حکومت تلاش می‌کند تا شهروندان را در برابر هم قرار دهد برای نمونه تصاویری از برخی تاکسی‌ها در فضای مجازی منتشر می‌شود که رانندگان با نصب دست‌نوشته‌ی خطاب به زنان از آنان خواسته‌اند تا برای توقیف نشدن اتومبیل و از کار بیکار نشدن راننده، کشف حجاب نکنند و حجاب خود را رعایت کنند!

همچنین نیروی انتظامی دست حزب‌اللهی‌ها و آتش به اختیاران نظام و لباس شخصی‌های نظام را باز گذاشته تا با ایجاد مزاحمت و آزار علیه زنان به امر و نهی درباره حجاب به آنان بپردازند. از سوی دیگر، شماره تماس و یک صفحه اینستاگرامی نیز در نظر گرفته شد تا مردم درباره کشف حجاب و «بی‌حجابی» زنان جاسوسی و خبرچینی کرده و آن را به نهادهای سرکوب گزارش دهند و حتی خبرچینی خود را با فیلم و عکس مستند کرده و به صفحه اینستاگرامی مربوطه ارسال کنند! اما این صفحه با گزارش کاربران به اپراتور اینستاگرام، مسدود شد و دادسرای ارشاد که این صفحه را راه‌اندازی کرده بود، اساساً منکر راه انداختن آن شد!

حالا دستگاه قضایی جمهوری اسلامی یک گام جلوتر رفته و علاوه بر آزار و اذیت خیابانی زنانی که مخالف حجاب اجباری هستند، حتی واکنش آنها در گسترده‌ای در فضای مجازی پیدا کرد. پس از آن بود که ضمن تقدیر از راننده اسنپ با اینکه اصل ماجرا همچنان محل تردید است، در نهایت باعث شد تا دستگاه انتظامی حکومت اعلام کند

زندان محکوم شده‌اند. زنان در همکاری با کمپین‌های مسیح علینژاد با استفاده از دوربین موبایل خود، از برخوردهای زشت و رفتار خشن افراد نیروی انتظامی و گشت ارشاد و همچنین مأموران امر به معروف تصویربرداری می‌کنند و آنها را مستقیم و یا توسط این فعال حقوق زنان بطور گسترده در شبکه‌های اجتماعی بخش می‌کنند.

پخش این تبعیض‌ها و خشونت‌ها و تحمیل‌ها به نوبه‌ی خود در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی از سوی کاربران با بازتاب و واکنش بسیار روبرو می‌شود. در حالی که اینهمه خشونت و رفتار غیرانسانی دستگاه‌های انتظامی و امنیتی حکومت در قبال زنان فقط برای این است که آنها یکی از ابتدایی‌ترین حقوق انسانی خود را می‌خواهند: پوشش اختیاری! نه به حجاب اجباری! حتی در برخی از این ویدئوها، تصاویری از مزاحمت و آزار و اذیت آمران به «معروف» و تعقیب و تهدید زنان دیده می‌شود که متقابلاً به فیلمبرداری از این زنان که در پی حقوق شهروندی خود هستند می‌پردازند.

در دو سال گذشته و پس از دی‌ماه ۹۶ که ویدا موحد «دختر خیابان انقلاب» مبتکر یک حرکت مدنی شد که به سرعت فراگیر گشت، و همچنین در پی اقبال عمومی زنان به کمپین‌های ضد حجاب اجباری و در دفاع از پوشش اختیاری، پیشنهاد نصب دوربین‌های مداربسته در خیابان‌ها برای شناسایی زنانی که اقدام به کشف حجاب می‌کنند نیز توسط علی مطهری نماینده مجلس شورای اسلامی داده شد!

از سوی دیگر، درگیری یک دختر جوان و راننده اسنپ بر سر آنچه کشف حجاب این دختر عنوان شد، بازتاب گسترده‌ای در فضای مجازی پیدا کرد. پس از آن بود که ضمن تقدیر از راننده اسنپ با اینکه اصل ماجرا همچنان محل تردید است، در نهایت باعث شد تا دستگاه انتظامی حکومت اعلام کند

● «هر شخصی در هر زمینه‌ای فیلم و عکس به مسیح علینژاد ارسال کند که علیه نظام و جمهوری اسلامی ایران باشد، مشمول ماده ۵۰۸ قانون مجازات اسلامی می‌شود.»

● مسیح علینژاد خبرنگار پارلمانی سابق در ایران و فعال حقوق زنان در سال‌های اخیر کمپین‌های فعال و تاثیرگذار در حمایت از حقوق زنان ایران راه‌اندازی کرده که با استقبال گسترده از داخل کشور مواجه شده و چنین واکنش‌هایی از سوی مقامات جمهوری اسلامی نیز خود اهمیت و تاثیر این کمپین‌ها را تأیید می‌کنند.

● حکومت تلاش می‌کند تا شهروندان را در برابر هم قرار دهد برای نمونه تصاویری از برخی تاکسی‌ها در فضای مجازی منتشر می‌شود که رانندگان با نصب دست‌نوشته‌ای خطاب به زنان از آنان خواسته‌اند تا برای توقیف نشدن اتومبیل و از کار بیکار نشدن راننده، حجاب خود را رعایت کنند!

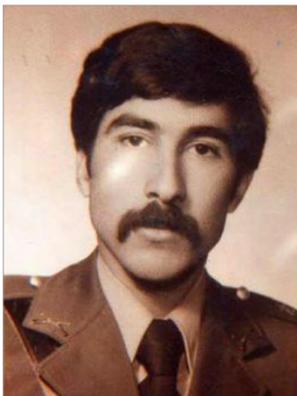
رئیس محاکم انقلاب استان تهران می‌گوید ارسال فیلم و عکس برای مسیح علینژاد فعال حقوق زنان، مشمول قوانین مجازات اسلامی است و تا ۱۰ سال زندان به دنبال خواهد داشت!

به گزارش باشگاه خبرنگاران جوان، حجت الاسلام و المسلمین موسی غضنفرآبادی رئیس محاکم انقلاب استان تهران اعلام کرد: «بر اساس قانون فیلمبرداری و عکسبرداری در سه مورد جرم محسوب می‌شود: این «سه مورد» به گفته وی عبارتند از فیلمبرداری و عکاسی از «استحکامات نظامی»، «حریم خصوصی مردم» و «همکاری با دول متخاصم» که همگی «جرم» به شمار می‌روند.

غضنفرآبادی رئیس محاکم انقلاب استان تهران گفته است: «با توجه به اینکه مسیح علینژاد در حوزه خبری با دولت آمریکا قرارداد دارد، افرادی که از خود و دیگران فیلمی در رابطه با کشف حجاب ارسال کنند، مشمول ماده ۵۰۸ قانون مجازات اسلامی می‌شوند که یک تا ۱۰ سال مجازات حبس دارد.»

در واقع وی مبارزه مدنی زنان علیه حجاب اجباری را که یک تحمیل ضدبشری است، «جرم» می‌داند و فرستادن عکس و فیلم شهروندان ایرانی را برای یک فعال حقوق زنان که وی نیز تبعه‌ی ایران است، «همکاری با دول متخاصم» قلمداد می‌کند! با این منطق و استدلال حضور و مذاکره مقامات جمهوری اسلامی در آمریکا و با آمریکاییان رانیز می‌بایست به «همکاری با دول متخاصم» تعبیر و تفسیر نمود! غضنفرآبادی تصریح کرده است: «هر شخصی در هر زمینه‌ای فیلم و عکس به مسیح علینژاد ارسال کند که علیه نظام و جمهوری اسلامی ایران باشد، مشمول ماده ۵۰۸ قانون مجازات اسلامی می‌شود.» مسیح علینژاد خبرنگار پارلمانی سابق در ایران و فعال حقوق زنان در سال‌های اخیر کمپین‌های فعال و تاثیرگذار در حمایت از حقوق زنان ایران راه‌اندازی کرده که با استقبال گسترده از داخل کشور مواجه شده و چنین واکنش‌هایی از سوی مقامات جمهوری اسلامی نیز خود اهمیت و تاثیر این کمپین‌ها را تأیید می‌کند. کمپین‌های مبارزه علیه حجاب اجباری مانند «چهارشنبه‌های سفید» و «دوربین ما اسلحه ما» با واکنش‌های شدید دستگاه‌های انتظامی و امنیتی نظام مواجه بوده‌اند. چنانکه شش تن از معترضان به حجاب اجباری از ابتدای سال جاری دستگیر و در زندان بسر می‌برند و در احکامی غیرعادلانه به

سانسور کراوات و سبیل «شهید» در تصویری برجای مانده از ارتش پیش از انقلاب



تصویر سمت چپ مربوط به دوران جوانی حسین ادیبان است؛ دو تصویر دیگر هنر تحریف و دروغ جمهوری اسلامی است! حتی سبیل این جانباخته‌ی ارتش را سانسور و تحریف کرده‌اند!

نائل نشده و روی اونیفورم قدیمی با توجه به فرم یقه و کراوات ادیت آن ممکن نبود، اما در مورد سانسور سبیل هیچ توجیهی وجود ندارد جز مسائل ایدئولوژیک و عقیدتی که نظام و هوادارانش چنان در آن غرق هستند که متوجه مضحکه شدن خود نمی‌شوند.

بعد از اینهمه دستکاری و تقلب شبیه آنها نشد بلکه عکس اصلی منتشر در کنار عکس‌های تقلبی منتشر شد و یکبار دیگر دست دروغگویان رو شد. البته توجیهی و بهانه‌ی سانسور کراوات احتمالاً این است که وی پس از جان باختن به درجه «سرلشکری»

فرم سبیل وی با چارچوب‌های نظام همخوانی نداشت! مسئولان هم دست به کار شده و با فتوشاپ هم سبیل را ناقص کردند و هم کراوات را پوشاندند و هم حالت چهره‌ی وی را تغییر دادند تا کمی شبیه خودشان بشود! البته در این کار نیز ناموفق ماندند زیرا نه تنها عکس

سر و سبیل و کراوات این جانباخته‌ی ارتش در جنگ ایران و عراق با فتوشاپ تحریف و سانسور شده است!

مراسم تشییع پیکر حسین ادیبان، از جانباختگان ارتش در جنگ ایران و عراق، یکشنبه ۳۰ تیر ۹۸ در مرکز آموزش درجه‌داری نیروی زمینی ارتش و با حضور جمعی از افسران و درجه‌داران، دانشجویان دانشگاه افسری و سربازان برگزار شد.

پیکر حسین ادیبان پس از ۳۸ سال توسط کمیته جستجوی مفقودین ستاد کل نیروهای مسلح در ارتفاعات «بازی دراز» حوالی سرپل ذهاب کشف شد. از حواشی برگزاری این مراسم سانسور تصویر ادیبان بود. تصاویری که در آرشیو ارتش و آلبوم‌های خانوادگی ادیبان موجود بود وی با اونیفورم مدل برجای مانده از ارتش شاهنشاهی و کراوات بود و

به سرزمین خود سگال یعنی آفریقای جنوبی و اپارتاید در آنجا ناچیز است. نژادپرستی مسلمانان، در ارتباط با افراد بی سواد، متعصب و حاشیه‌ای است. نژادپرستی غربی‌ها اما اغلب حمایت‌های عظیمی را در بر داشته و تلاش کرده که خودش را به عنوان پایه‌ای برای بدعت در مسیحیت و شبه‌علمی و جادو جنبل تثبیت کند. در جهان اسلام شخصیت‌هایی شبیه آدولف هیتلر یا هندریک فرورد وجود ندارد.

همه این بدان معنا نیست که اسلام، به عنوان یک تمدن و یک واقعیت وجودی، مثل برف سفید است. به هیچ وجه! حوزه اسلامی تا آنجا که به برده‌داری مربوط می‌شود سهمی از گناه دارد و آلوده‌دامان است. شورش سیاهان یا نهضت صاحب الزنجی (تحت فرماندهی علی ابن محمد ملقب به صاحب زنج در بصره به سال ۲۵۵ هج در زمان خلافت معتمد عباسی) نتیجه اولیه تجارت زشت و کرپه‌ی بود که بسیاری از انسان‌ها را از بین برد و آنها را به ابزار و کالا تبدیل کرد.

اظهارات ناراحت‌کننده‌ای وجود دارد که برده‌داری، در برخی اشکال، در برخی از کشورهای اسلامی همچنان ادامه دارد. سگال، موریتانی و سودان را در میان این موارد ذکر می‌کند. او در موریتانی هیچ مستندی نمی‌دهد که بشود آن را بررسی کرد.

او همچنین تلاش می‌کند مسئله را با یادآوری سلسله مراتب پیچیده‌ای که از ویژگی‌های جامعه موریتانی برای نسل‌ها است، دچار خلط و ابهام کند. با عدم

دقت در ساخت اجتماعی آنجا این ادعا مطرح می‌شود که یک سوم موریتانی‌ها برده، یک سوم دیگر برده‌های سابق و یک سوم باقی مانده مردان آزاد هستند. در مورد سودان، سگال ادعاهای خود را بر اساس یک ادعای موسسه همکاری بین‌المللی مسیحی (CSI)، یک موسسه خیریه مستقر در ایالات

متحده بنا نهاد که می‌گوید ۱۴۵۵۰ برده دینکا را در ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۲ خریداری کرده و آزاد کرده است. با این حال، این ادعا توسط یونیسف، صندوق ملل متحد برای کودکان، به چالش کشیده شده است که CSI را متعهد می‌کند که یک «بازار مصنوعی برای برده‌هایی که موجود نیستند» ایجاد کرده است. بر طبق ادعای یونیسف، برخی از خانواده‌های دینکا فرزندان خود را به CSI می‌فروشند تا بتوانند پولی کسب کنند.

با این وجود، سازمان‌هایی مانند سازمان کنفرانس اسلامی (OIC) هیچ اتهامی را مبنی بر اینکه برده‌داری در برخی از کشورهای اسلامی ادامه دارد مطرح نکرده‌اند.

کتاب سگال در دو فصل نهایی خود از تمام کنترل‌ها خارج می‌شود. این فصول با موضوع حرکت «ملت اسلام» در آمریکا سر و کار دارد. البته بسیاری از سیاه‌پوستان آمریکایی هستند که مسلمانند اما سگال به آنها نمی‌پردازد. در عوض، او بر جنبش تمرکز می‌کند که بیش از آنکه به عنوان یک دین متمایز شود با استفاده از کلمه «اسلام» به عنوان جنبش اجتماعی بارز می‌شود. در حال حاضر مالکوم ایکس و لوویس فرآخان به عنوان رهبران بارز مسلمان شناخته شده هستند. مالکوم ایکس برای چند ماه الهیات اسلامی را در شهر مدینه در عربستان سعودی، تحصیل کرد اما هیچگاه به عنوان یک دانش‌آموخته الهیات فارغ‌التحصیل نشد. در مقابل او و به عنوان یک الگوی سیاسی-اجتماعی کارزماتیک برای بسیاری از آمریکایی-آفریقایی‌های مسلمان و غیرمسلمان شناخته می‌شود.

چرا سگال «ملت اسلام» را در مطالعاتی که قاعدتا باید درباره موضوع تجارت برده‌داری سیاهان که در ۱۳۰۰ سال گذشته توسط جوامع اسلامی صورت گرفت در اینجا بیان می‌کند؟ تنها دلیل این این است که او دارای انگیزه شخصی برای تسویه حساب با ادعاهای فرآخان و هوادارانش است. او می‌گوید که آنها اغلب از مسیحیان و یهودیان برای نقش خود در تجارت برده‌داری سیاهان ارتقادی می‌کنند، اما هیچگاه به تاریخ برده‌داری در اسلام اشاره نمی‌کنند؛ شاید! اما دلیل آن باید واضح باشد. مسلمانان در صادر کردن بردگان سیاه به قاره آمریکانقشی ندارند. تاریخ خشونت‌آمیز «ملت اسلام» و برنامه‌هایش برای ایجاد یک دولت سیاه هیچ ارتباطی با ایالات متحده و وضعیت سیاهان در آن قاره نداشته است.



نقش اسلام در تجارت جهانی برده

صیغه‌ای استفاده می‌شدند. به هر حال، سگال سعی می‌کند پیوند مستقیمی بین اسلام به عنوان مذهب و تجارت بردگان سیاه ایجاد کند. یکی از مثال‌های او اشاره به اخوت سنوسی است که در قرن نوزدهم در شمال آفریقا یعنی لیبی کنونی گسترش یافت. این جنبش شبه‌صوفی در تجارت ناپسندی درگیر شده بود. اما سگال خود نشان می‌دهد که طریقت سنوسی این تجارت را که قبلاً وجود داشت به ارث برده بود و از سود این تجارت برای گسترش نفوذ خود تا کنترل زمانی که در نهایت کنترل کل لیبی را به دست بگیرد، استفاده کرد.

مثال دیگری که سگال می‌آورد جنبشی به نام «درویش دیوانه» است که به رهبری ملا حسن در سومالی‌لند بریتانیا پایه‌گذاری شد. اما در هر دو نمونه، به نظر می‌رسد که دستورات مذهبی به صورت سیاسی مورد استفاده قرار می‌گرفتند و به هیچ عنوان نمی‌توانند نشانگر اسلام به عنوان دین باشند. سومین نمونه سگال مورد مهدی‌گرایی و یاران مهدی در سودان است. اما در اینجا نیز آنچه ما داریم جنبش ضد مستعمراتی و سیاسی بود، نه مذهب به صورت مستقل خود.

در این نمونه‌هایی که سگال آورده اسلام لزوماً یک عامل ایجاد بردگی سیاهان نبود؛ در توضیح می‌توان گفت، نخست اینکه بردگی بعد از این موارد تاریخی ادامه یافت و در بعضی موارد تشدید شد؛ به ویژه پس از اینکه قدرت‌های اروپایی کنترل برخی از سرزمین‌های مسلمان را به دست گرفتند این وضعیت گسترش یافت. برای مثال، رونق بی‌سابقه‌ای در تجارت برده در طول سلطه فرانسوی موریتانی پدیدار شد که نیم قرن طول کشید و تنها در سال ۱۹۶۰ به پایان رسید. ایتالیایی‌ها نیز تا دهه ۱۹۳۰ یک تجارت فعال برده‌داری سیاه‌پوستان در مراکز مستعمره‌های تحت استعمار خود در لیبی و سومالی سازمان دادند.

واقعیت دوم این است که پادشاهان سیاه پوست و شاهزادگان نیز چه مسلمان، چه مسیحی یا آنیمیست آروچ‌باور، خود در تجارت برده فعالیت می‌کردند. برای مثال، حاکم سیاه‌پوست پادشاهی برونو، بر اساس گفته لیک چاد، هزاران نفر از بردگان سیاه را در سال ۱۸۷۰ در اختیار داشت.

برخی از این کارها و فعالیت‌ها که سگال در موردشان نوشته اگر چه در برخی کشورهای اسلامی رایج هستند اما ربطی به اسلام به عنوان دین ندارند. برای نمونه ختنه زنان یا ناقص کردن آلت تناسلی زنانه که در مصر و سودان رایج است، یک سنت آفریقایی است و هیچ ارتباطی با اسلام ندارد. همین حکم در مورد اخته کردن مردان یا خواجه کردن آنها نیز صادق است. اسلام این عمل را که هزاران سال قبل از ظهور محمد در این منطقه وجود داشته، به

سگال نشان می‌دهد که عثمانیانی که جزیره زنگبار را تا سال ۱۹۶۰ کنترل می‌کردند، تجارت مهمی با بردگان سیاه‌پوست داشتند. اما یک تجارت مشابه با آن در مورد بردگان سفید توسط ازبک‌ها تا سال ۱۹۱۸ در شهر خیوه به عنوان بازار اصلی برای فروش انسان برقرار بود.

سگال امیدوار بود که مسلمانان بطور کلی و اعراب بطور خاص به عنوان مجرمان تجارت بردگان مانند اروپایی‌های مسیحی شناخته شوند. به این ترتیب وی ادعا می‌کند که اعراب بیش از ۱۳ میلیون بردگان سیاه‌پوست را در طول ۱۳۰۰ سال صادر کرده‌اند. این دقیقاً مشابه تعداد بردگانی است که اروپایی‌ها فقط در دو قرن از آفریقا خارج کردند. اما پس از آن او ادعا می‌کند که بیش از ده برابر این رقم از سیاهان برده در طول برده‌فروشی‌های تاجران عرب هلاک شدند. این مرگ تقریبی ۱۳۰ میلیونی بوده که در طی ۹ قرن روی داده است. مشکل این است که ادعاهای سگال براساس نتیجه‌گیری‌ها توسط دو محقق انگلیسی است. همان ارقام را می‌توان برای نتایج دیگر استفاده کرد تا نشان دهد که اعراب نمی‌توانستند در چنین مقیاس بزرگی عمل کنند.

کتاب سگال با تکیه بر ۹ کتاب از دیگران استوار است که همه آنها توسط مسافران غرب و مورخان آماثور نوشته شده است. نویسندگان هرگز از مکان‌هایی که به عنوان مراکز اصلی تجارت در نظر گرفته، دیدن نکرده و به آزشیو هیچ کشور مسلمانی به ویژه ترکیه و مصر دسترسی نداشته و برخی از تأکیدات و استدلال‌های وی کاملاً خام است.

برای نمونه، او می‌گوید به دلیل اینکه امروزه بسیاری از مصری‌ها خصوصیات آفریقایی‌ها را دارند بنابراین مصر یکی از مراکز اصلی تجارت برده‌های آفریقایی بوده است. او فراموش کرده که مصر یک کشور آفریقایی است و برای هزاران سال درهای آن بر روی اقوام مختلفی با، یا بدون بردگی، باز بوده است.

اندکی بعدتر از این استدلال و عبارات، نویسنده با شگفتی از این سخن می‌گوید که چرا «هیچ ویژگی» آفریقایی «در ترکیه و ایران در حالی که آن دو برای قرن‌ها بازار بزرگی برای برده‌های سیاه بودند وجود ندارد» و به این ترتیب ادعای پیشین خود را بی‌اعتبار می‌کند.

سگال به اندازه کافی منصف هست تا برخی تفاوت‌ها میان جایگاه بردگی را در کشورهای اسلامی از یکسو و کشورهای غربی از سوی دیگر نشان دهد. او می‌گوید که در اسلام، برده‌ها انسان بودند و نه اموال و دارایی. او همچنین ادعا می‌کند که بردگان در کشورهای مسلمان به عنوان نیروی کار ارزان در کشتزارها استفاده نمی‌شدند. در اغلب موارد، بردگان سیاه در سرزمین‌های اسلامی به عنوان خدمتکار در امور داخلی خانه و در مواردی که زن بودند به عنوان همسر

در همین زمینه موضوع محدود کردن بردگی با توصیه به آزاد کردن بردگان به عنوان یک عمل خداپسندانه که موجب اجر و پاداش اخروست در اسلام مطرح می‌شود. با این وجود، اعراب بزرگترین تجارت برده را به وجود آوردند و بسیاری از آفریقایی‌ها را نیز در تجارت برده، مانند اروپایی‌ها، خرید و فروش کردند.

جزیره زنگبار در سراسر ساحل شرقی آفریقا و شهر ساحلی مدیترانه‌ای بنغازی لیبی کنونی همانند گوره در سگال و لیورپول در انگیس به بزرگترین مرکز تجارت برده تبدیل شدند. همه این توصیحات بدان معنی است که سیاه‌پوستانی که سگال از آنها صحبت می‌کند، «برندگان اسلام» نیستند بلکه آنها در «کشورهای مسلمان» برده بودند. اگر اسلام نبود، نیز بردگی وجود داشت؛ همانطور که همیشه در کشورهای نامبرده داشتیم. بر این نکته باید به دو دلیل تأکید شود.

نخست اینکه استفاده از برچسب «اسلامی» می‌تواند احساسات، پیشداوری‌ها و تعصباتی را ایجاد کند که یک بحث جدی و آرام را دچار پیچیدگی‌های بسیار و دشوار کند. در این شرایط که برچسب «اسلامی» بطور مرتب توسط سیاستمداران هم در داخل و هم در خارج از جهان اسلام، مورد استفاده و یا سوء استفاده قرار می‌گیرد، مهم است بدانیم که از چه چیزی در مورد آن صحبت می‌کنیم.

نکته دوم این است که کتاب سگال در مورد الهیات یا حتی موقعیت فرهنگ اسلامی، به عنوان یک مذهب و یا یک تمدن در ارتباط با برده‌داری نیست. این کتاب مربوط به تاجران برده است؛ این تاجران می‌توانستند مسلمان یا مسیحی یا یهودی یا پیروان سایر ادیان باشند. بعد از اینکه این مطالب گفته شد، ممکن است تعجب کنیم که چرا سگال آغاز ظهور اسلام را به عنوان نقطه شروع مطالعه خویش انتخاب کرده است. شواهد فراوانی وجود دارد که نشان می‌دهد تجارت برده، عمدتاً از آفریقا تا خاورمیانه، پیش از ظهور اسلام وجود داشت. بنابراین، به عنوان مثال، چرا تجارت برده بین آفریقا و خاورمیانه را از دوران بابلی مطالعه نکنیم؟

و یاد ممکن است تعجب شود که چرا سگال می‌خواهد اسلام را به عنوان یک تمدن با تجارت برده‌داری ضد سیاه‌پوستان معرفی کند. کشورهای خاورمیانه و آسیای مرکزی که از پیش از اسلام در کار تجارت برده بودند توجهی به رنگ و نژاد برده نداشتند. در بسیاری از آنها، بردگان سفید بیشتر از بردگان سیاه بود. به عنوان مثال، تا اواخر قرن نوزدهم تجارت گسترده‌ای در فروش دختران چرکس، چچنی، گرجی و دیگر دختران قفقازی وجود داشت که به عنوان برده به حرمسرا در امپراتوری عثمانی، ایران، ازبکستان و چند کشور عربی فروخته می‌شدند.

امیر طاهری - آیا برده‌داری راز خانوادگی چرکینی است که مسلمانان می‌خواهند آن را مخفی کنند؟ این پرسشی است که رونالد سگال در آخرین کتاب خود «برندگان سیاه اسلام: دیاسپورای دیگری از سیاه‌پوستان» پیش کشیده؛ کتابی که در هر دو سوی آتلانتیک تحسین بسیاری از منتقدین را به همراه داشته است.

این کتاب در ادامه مطالعات اولیه سگال در مورد «دیاسپورای سیاه‌پوستان» است که در آن به تجارت برده توسط اروپایی‌ها پرداخته است. کتاب سگال ابتدا در سال ۲۰۰۱ در Aarrdback منتشر شد و اکنون با یادداشت‌ها و تصاویر بیشتری تجدید چاپ شده است.

برندگان سیاه اسلام؛ دیاسپورای رونالد سگال چاپ نخست ۲۰۰۱

دلیل اینکه چرا سگال از اصطلاح «دیاسپورا» در عنوان هر دو کتابش استفاده کرده روشن نیست. «دیاسپورا» به داستان یهودیانی اشاره دارد که بعد از ویرانی معبد دوم ابعداً از بازسازی هیکل سلیمان نام گرفت [در فلسطین در سراسر جهان پراکنده شدند. در حالی که سیاه‌پوستان که از اراضی بومی خود دور شدند، سرزمین خود را داوطلبانه و به اراده خود ترک نکردند بلکه روده شده و به سرزمین‌های دیگر برده شدند تا به عنوان برده فروخته شوند.

فرض سگال که برده‌داری یک «راز اسلامی» است کمی گیج‌کننده است. هنگامی که اسلام به عنوان نهاد مذهبی و سیاسی سازمان‌یافته ظهور کرد، برده‌داری در واقعیت زندگی جریان داشت. در حقیقت واقعیتی بود که از هزار سال قبل از ظهور اسلام وجود داشته است. بردگی در تمام جوامع بزرگ واقع در میان‌رودان، به ویژه سومر، اکد، آشور و بابل دیده می‌شد. قبایل عشایری عربستان و جوامع یکجانشین در یمن کنونی همه بردگی را به عنوان یک امر طبیعی و دوره تاریخی تجربه کرده‌اند. فراتر از این منطقه، بردگی جزء جدایی‌ناپذیر زندگی در یونان باستان و سپس در امپراتوری روم بود. هیچ برده‌ای در امپراتوری ایران و شبه‌قاره هند وجود نداشت زیرا این جوامع بر شالوده سیستم‌های پیچیده‌ای بنا شده بودند که هیچ فضایی برای برده‌داری نداشتند.

در هر صورت اسلام برده‌داری را ایجاد و یک واقعیت پذیرفت و سعی کرد آن را تابع نظم و قواعدی کند و لبه‌های تیز آن را صیقل بزند. اسلام برده کردن مسلمانان را ممنوع کرده و بر این اصرار دارد که برده‌هایی که به اسلام روی می‌آورند، باید آزاد شوند و حقوق و مسئولیت‌های هر دو، ارباب و بنده، را تعیین کرده است.

● **فرض سگال که برده‌داری یک «راز اسلامی» است کمی گیج‌کننده است.** هنگامی که اسلام به عنوان نهاد مذهبی و سیاسی سازمان‌یافته ظهور کرد، برده‌داری در واقعیت زندگی جریان داشت. در حقیقت واقعیتی بود که از هزار سال قبل از ظهور اسلام وجود داشته است.

● **دین اسلام قطعاً نژادپرست نیست.** این کاملاً از جای جای آیات قرآن و سخنان و احادیث نبوی روشن است. با این حال، به عنوان یک تمدن، نژادپرستی در آن وجود دارد.

● **نژادپرستی مسلمانان، در ارتباط با افراد بی‌سواد، متعصب و حاشیه‌ای است.** نژادپرستی غربی‌ها اما اغلب حمایت‌های عظیمی را در بر داشته و تلاش کرده که خودش را به عنوان پایه‌ای برای بدعت در مسیحیت و شبه‌علمی و جادو جنبل تثبیت کند. در جهان اسلام شخصیت‌هایی شبیه آدولف هیتلر یا هندریک فرورد وجود ندارد.

عبارت «رونق اقتصادی» در پنجمین ماه سال تعریف شد!

تولید» در این گزارش «مجموعه فعالیت‌هایی است که از تعمیم رکود جلوگیری می‌کند و از ظرفیت‌های خالی موجود بخش واقعی اقتصاد استفاده می‌کند».

این گزارش در ادامه آورده است: «به عبارت دیگر مفهوم رونق تولید مجزا از پروژه‌های رایج اقتصاد مقاومتی، طرح‌ها یا پروژه‌های توسعه‌ای و یا برنامه‌های اجرایی معمول دستگاه‌های اجرایی است و در حوزه اجرایی شامل برنامه‌هایی است که با تحریک ظرفیت‌های موجود، موجبات رونق تولید را حداکثر تا پایان سال ۱۳۹۸ فراهم می‌سازد».

این گزارش در ادامه مواردی را به عنوان «رویکردهای کلان رونق تولید» مطرح کرده است. «تأمین مالی»، «نظام مالیاتی»، «نظام بیمه‌ای»، «نظام تجاری»، «نظام ارزی»، «محیط کسب و کار» و «فناوری اطلاعات» به عنوان رویکردهای کلان رونق تولید مطرح و برای هر محور پیشنهاداتی کلی ارائه شده است.

حمیدرضا فولادگر رئیس کمیسیون ویژه حمایت از تولید ملی و شورای اسلامی معتقد است تمرکز این کمیسیون بر بهبود محیط کسب و کار در ایران است. او گفته است که «رونق تولید ملی وابسته به بهبود کسب و کار است، زیرا این مهم به ایجاد فضای مساعد و مناسب کسب و کار نیاز دارد، در صورتی که بهترین رتبه ما در سال‌های اخیر در فضای کسب و کار در میان ۱۸۰ کشور جهان ۱۱۸ بوده است که نشان می‌دهد از فضای کسب و کار مناسبی در میان کشورهای جهان برخوردار نیستیم. ضمن آنکه رونق تولید به حمایت نیاز دارد و حمایت در حوزه بانکی، بازار سرمایه، بیمه، مالیات و تأمین منابع مالی مشوق تولیدکنندگان است. از سوی دیگر با رفع موانع تولید می‌توان زمینه را برای بهبود عملکرد تولیدکنندگان فراهم کرد».

گفتنی است بحران‌های اقتصادی

● بحران‌های اقتصادی در سال‌های گذشته محور شعارهایی بوده که علی‌خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی برای هر سال خورشیدی اعلام کرده است و هر سال وضعیت اقتصاد ایران بحرانی‌تر از پیش شده است.

● حجم بحران در حالی هر روز عمیق‌تر می‌شود که دولت در نوعی بی‌تفاوتی یا گنجی بسر می‌برد و اقدام مؤثری برای بهبود وضعیت انجام نمی‌دهد.

پس از سال‌ها که موضوع «رونق تولید» از سوی رهبر جمهوری اسلامی و دولت شعار داده می‌شود، به تازگی کمیسیون ویژه حمایت از تولید ملی در مجلس شورای اسلامی تلاش کرده این عبارت را «تعریف» کند!

کمیسیون ویژه حمایت از تولید ملی و اصل ۴۴ قانون اساسی مجلس شورای اسلامی با گذشت چهار ماه از سال «رونق تولید» برای تحقق این شعار اقدام به آسیب شناسی بخش واقعی اقتصاد کشور و ارائه راهکارهای سیاستی با هدف رونق تولید و مقابله با تحریم‌ها در سال ۱۳۹۸ کرده است. این گزارش با همکاری سایر کمیسیون‌های تخصصی مجلس در مرحله نهایی قرار داشته و در نوبت قرائت در صحن علنی مجلس است.

در این گزارش مفهوم رونق تولید، تبیین شده تا با ایجاد یک درک مشترک از مفهوم رونق تولید بتوان تحت یک ساز و کار واحد بر رونق بخشی و افزایش تحرک بخش واقعی اقتصاد تمرکز و سپس راهکارهای سیاستی را مطرح کرد.

بر اساس گزارش کمیسیون ویژه حمایت از تولید ملی، منظور از «رونق

اصلاح طلبان؛ خواجگان....

حق بودن جمهوری اسلامی و ظلم جهانی

اصلاح طلبان بعد از چهار سال فاجعه هنوز مواضع خارجی جمهوری اسلامی را بر حق می‌دانند البته با این قید که «برحق بودن کافی نیست». چهره‌های اصلاح طلب هنوز معتقدند که مشکل از مواضع نبوده است: «جمهوری اسلامی همواره از برحق بودن مواضع خارجی خود دفاع کرده از قبیل دفاع از مظلوم، مقابله با ظالم، مبارزه با غصب، آپارتاید و زورگویی. اما از هزینه‌هایی که اتخاذ این مواضع برحق بر گردهای ملت ایران وارد می‌کند هرگز سخنی نگفته است» (محسن کدیور در مصاحبه با انصاف نیوز). اینها هنوز معتقدند که جمهوری اسلامی از مظلوم دفاع می‌کند، با ظالم مبارزه می‌کند و با زورگویی و آپارتاید

پرتره پادشاه و ملکه هلند

همزمان با آن نقاشی به سبک کلاسیک را شروع کند تا شناخت وی نسبت به رنگ و ترکیب رنگ‌ها و مفهوم حجم با کپی برداری از آثار دیگر هنرمندان روز به روز بیشتر شود. وی تحصیلات دوران کارشناسی خود را در دانشگاه هنر در رشته نقاشی به پایان رسانده و به گفته‌ی خودش سبک مورد علاقه‌ی او بعد از دوران دانشگاه به سمت سوررئالیسم یعنی فراتر از واقعیت گرایش پیدا کرد. سبکی که هنرمند اسپانیایی سالوادور دالی از آن تبعیت می‌کرده است.

امیر ادیسی اکنون در کشور هلند بطور جدی به نقاشی روی بوم و خلق آثار بر روی دیوار پرداخته و هنرمند مورد علاقه وی نیز ونسان ون‌گوگ نقاش سرشناس هلندی است. وی در اولین فرصت حضورش در کشور هلند به دیدار موزه ون‌گوگ در شهر

چهار راهکار دولت برای جبران کسری بودجه تصویب شد

هزار میلیارد تومان نیز از صندوق ملی توسعه توسط دولت برای تأمین هزینه امور جاری کشور برداشت خواهد شد. همچنین دولت باید از طریق واگذاری و مولدسازی دارایی‌های خود توسط وزارت اقتصاد، ۱۰ هزار میلیارد تومان درآمد کسب کند. دولت قرار است به عنوان چهارمین راهکار از فروش اوراق مالی اسلامی مازاد قانون بودجه ۹۸ مبلغ ۳۸ هزار میلیارد تومان درآمد کسب کند.

مجموع مبالغ را پیش‌بینی شده در این چهار راهکار ۹۷ هزار و ۵۰۰ میلیارد تومان است که کمتر از دو سوم کسری بودجه دولت خواهد بود. از سوی دیگر بر اساس قانون، سقف مجاز دولت برای فروش اوراق و برداشت از صندوق توسعه ملی در مجموع ۶۲ هزار میلیارد تومان است. بر اساس این طرح اما دولت ۲۱ هزار میلیارد تومان مازاد بر سقف مجاز خود از محل فروش اوراق و برداشت از صندوق توسعه ملی درآمد کسب می‌کند. حال مشخص نیست که آیا این اختلاف ۲۱ هزار میلیارد تومانی از طرح دولت کاسته می‌شود یا اینکه به دلیل شرایط فوق بحرانی اقتصادی کشور و جیب خالی دولت برای پرداخت حقوق کارمندان، شورای عالی هماهنگی اقتصادی سران قوا برای دولت استثناء قائل شده و قانون را نادیده گرفته است!

فارسی، صحبت می‌کرد.

همچنین آیت‌الله خمینی، آنگونه که استراوا ادعا می‌کند، نمی‌توانست دانش گسترده‌ای از فلسفه یونانی داشته باشد زیرا بیشتر آثار یونانیان، از جمله افلاطون و ارسطو، هنوز به فارسی یا سایر زبان‌های جهان اسلام ترجمه نشده‌اند. برخی ادعاهای استراوا عجیب‌تر از آن هستند که بتوان درباره‌شان نظری اظهار کرد! برای نمونه او می‌گوید: «ایران سکولارترین جوامع است، مردم به آنچه آخوند‌ها می‌گویند می‌خندند» و با این وجود او معتقد است که از قرار معلوم آخوند‌ها موظف‌اند برای همیشه بر ایران حکومت کنند. اما حتی خودش هم از این تجزیه و تحلیل مطمئن نیست و بلافاصله می‌نویسد «جامعه ایران در زیر پوست خود اصلاً آرام نیست و اکثریت جامعه و رژیم در دو جهت مختلف سیر می‌کنند»

از یک توجیه‌گر جمهوری اسلامی، دست کم این جمله بهتر از هیچی است!

***منبع: شرق‌الوسط
***ترجمه و تنظیم از کیهان لندن
***خبرگزاری دولتی جمهوری اسلامی، ایرنا، حتی درباره‌ی رونمایی این کتاب جک استراوا در لندن بشارت داد!

ایران را دوست می‌داشت که همواره

در پی پیشرفت و آبادانی آن بود و هر فناوری و اسباب هر چیز خوب و برتری را که در سفرهای خود می‌دید برای ایران می‌خواست. از دیگر خصوصیات شاه این بود که در میان مردم بودن برایش بسیار خوشحال کننده بود ولی همین عشق بزرگ و عمیق به ایران و مردم ایران وی را بر می‌انگیخت که بخواهد خودش تأمین کننده و اعطالکننده‌ی هر چیز خوب و برتر به مردم ایران باشد. طاهری ادامه داد که به نظر او در این مورد شاه اشتباه می‌کرد که البته تاریخ باید درباره‌ی آن قضاوت کند. به عبارت دیگر، اگر هر چیز خوب و برتری را دولت‌ها برای مردم به سادگی و راحتی فراهم آورند و مردم برای به دست آوردن آنها تلاش و زحمت نکنند، قدر و ارزش آنها را نخواهند فهمید و آنها را شاید به زودی از دست بدهند چنانکه در ایران اتفاق افتاد. طاهری در پایان سخنانش اشاره کرد که اشتباه دیگر آن بود که شاه همواره در صف اول کلیه‌ی مسائل سیاسی قرار داشت و هر روز در صفحه اول روزنامه‌ها تیتیر می‌شد در حالی که، به گفته‌ی طاهری، شاه نه حرف اول بلکه حرف آخر را می‌بایست می‌زد.



مولدسازی دارایی‌های دولت و فروش اوراق مالی اسلامی ۴ راهکار دولت برای جبران کسری بودجه است.

دولت روحانی که تا چندی پیش تلاش داشت اوضاع اقتصادی را تحت کنترل و عادی جلوه دهد، اکنون با چنان بحرانی روبروست که برای تأمین هزینه‌های جاری نیز با مشکل روبرو شده است. کل کسری بودجه امسال حدود ۱۵۰ هزار میلیارد تومان تخمین زده شده است و دولت تصمیم دارد نیمی از کسری بودجه را با کاهش هزینه‌ها و نیمی دیگر با افزایش منابع تأمین شود. بر اساس راهکارهای ارائه شده ۵۰ درصد موجودی حساب ذخیره ارزی از مبلغ ۴۵۰۰ میلیارد تومان و ۴۵

از صفحه ۱۸

کتاب استراوا که خواندنش سبب انبساط خاطر و تفریح می‌شود، بیش از آن دارای اشتباه و حدس و گمان‌های غیرقابل قبول است که بتوان در اینجا به همه‌ی آنها اشاره کرد. مثلاً، من شک دارم که حتی اگر رژیم سرپا بماند، مجتبی، پسر دوم آیت‌الله خامنه‌ای، شانس این را بیابد که به عنوان «رهبر» جانشین وی شود. استراوا همچنین در مورد وضعیت آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی و آیت‌الله صادق لاریجانی که اکنون رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام است افراف می‌کند. استراوا لاریجانی را تحسین می‌کند زیرا او انگلیسی را «روان» صحبت می‌کند، اما واقعیت این است که وی در میان روحانیت شیعه فاقد یک موقعیت و جایگاه مهم و واقعی است. ضمناً زبان مادری خامنه‌ای «ترکی» زبان که وجود ندارد، نیست؛ مادر او اهل اصفهان است و فارسی زبان مادری اوست و خامنه‌ای مدعی است که از طرف مادری از نوادگان شاعر کمال‌الدین اسماعیل است. پدر خامنه‌ای اهل آذربایجان بود و به زبان آذری، یک زبان آلتایی با حجم بزرگی از واژگان

از صفحه ۷

عصبی در برابر سادات گفت که کمک به فلسطینی‌ها وظیفه ماست و از همان دوران پایه‌های دوستی عمیق بین شاه و انور سادات ریخته شد و مصر انور سادات تنها کشوری بود که شاه فقید را بعد از انقلاب پذیرفت و شاه در همان کشور دار فانی را نیز وداع گفت. اندیشه و شاه همیشه به دنبال تبدیل دشمن به دوست و دوست به برادر بود. نمونه‌های دیگری از این رویکرد شاه وجود دارد. اساساً شاه بر مبنای فرهنگ ایران همواره سعی داشت پیام‌آور و میانجی صلح در خاورمیانه و جهان باشد. همین رویکرد شاه در مخاصمه بغرنج بین ایران و عراق بسیار چشمگیر است. شاه در این بحران به هیچ وجه دنبال جنگ نبود و می‌خواست با مذاکره منافع ایران را تأمین می‌کند. شاه در پی آن بود که از نفوذ فرهنگی ایران برای پیشبرد سیاست صلح کمک بگیرد و منادی صلح باشد. سخنران پس از جواب دادن به اتهاماتی که علیه شاه مطرح می‌شد چند خاطره از همراهی‌هایش با شاه فقید برای حضارن تعریف کرد. در اواخر سخنرانی، امیر طاهری به این موضوع پرداخت که شاه آنقدر عاشقانه

● بر اساس راهکارهای ارائه شده ۵۰ درصد موجودی حساب ذخیره ارزی به مبلغ ۴۵۰۰ میلیارد تومان و ۴۵ هزار میلیارد تومان نیز از صندوق ملی توسعه توسط دولت برای تأمین هزینه امور جاری کشور برداشت خواهد شد.

● کل کسری بودجه امسال حدود ۱۵۰ هزار میلیارد تومان تخمین زده شده و دولت تصمیم دارد نیمی از کسری بودجه را با کاهش هزینه‌ها و نیمی دیگر با افزایش منابع تأمین شود.

شورای عالی هماهنگی اقتصادی سران قوا راهکارهای دولت روحانی برای جبران کسری بودجه را تصویب کرد.

برداشت از صندوق توسعه ملی و حساب ذخیره ارزی از جمله این راهکارها است!

شورای عالی هماهنگی اقتصادی سران قوا روز شنبه پنجم امرداد ۱۳۹۸ چهار راهکار دولت برای جبران کسری بودجه را تصویب کرد. برداشت ۴۵ هزار میلیارد تومانی از صندوق توسعه ملی، استفاده از حساب ذخیره ارزی، واگذاری و

کار، کار انگلیسی‌هاست

در سال ۱۹۴۱، و نه آنطور که استراوا می‌گوید ۱۹۴۲، بریتانیا همراه با اتحاد جماهیر شوروی به ایران حمله کرد، اما آنطور که تصور می‌شود «کل ایران» را اشغال نکرد! در حقیقت، نیروی اعزامی بریتانیا، که اکثر از کارمندان استخدام شده از مستعمره‌ی هند تشکیل شده بود، در پنج منطقه در ایران مستقر شدند و از سال ۱۹۴۳ تا دو سال بعد که از ایران بطور کامل خارج شدند تحت فرماندهی آمریکا بودند.

«کار، کار انگلیسی‌هاست» که مشابه اصطلاح فرانسوی «انگلیسی مکار» (perfidie Albion) است، برای حفظ دشمنی دو ملت طراحی شده که با وجود همه‌ی آنچه میان آنها گفته و انجام شده، رابطه‌ی «عشق و نفرت» بین آنها شکل می‌گیرد. پدیده‌ای که بسیاری از روابط انسانی را در تاریخ رقم زده است. در زمان مشهور و محبوب «دایی جان ناپلئون» اثر ایرج پزشکزاد از کلیشه «کار، کار انگلیسی‌هاست» به عنوان یک شوخی استفاده شده. بر خلاف ادعای استراوا، پزشکزاد این اثر را در سال ۱۹۷۰ و نه در دهه ۱۹۴۰ نوشته است!

سخنرانی امیر طاهری

یکی دیگر از حملاتی که به شاه می‌شد در مورد مسئله فلسطین بود به‌خصوص از طرف اسلامگرایان و روحانیون. امیر طاهری در این زمینه تعریف کرد که چندی پیش در یک مهمانی در منزل سفیر کویت یکی از مقامات بلندپایه فلسطینی گفته است که فرق ایران زمان شاه و حال آن است که ایران در آن زمان برای فلسطینی‌ها مدرسه و کلینیک درست می‌کرد ولی حالا ایران به فلسطینی‌ها موشک‌های نقطه‌زن و مهمات عملیات تروریستی می‌دهد. یعنی در عمل فلسطینی‌ها را تشویق به پیشباز مرگ رفتن می‌کند تا آنها قهرمان شوند که این در عمل به نفع فلسطینی‌ها نیست. طاهری ادامه داد ولی همین شاه بود که با ملک حسن مراکش و ملک فیصل سعود و انور سادات، که آن زمان نایب رئیس جمهور بود، نخستین کنفرانس سران اسلامی را برای رسیدگی به مسئله فلسطین و دفاع از منافع آنها در ریاط تشکیل داد. در آن کنفرانس شاه در سخنرانی خود از لزوم صلح سخن گفت که این با واکنش منفی انورسادات - که آن زمان انقلابی بود - روبرو شد ولی شاه بجای واکنش

در سال‌های گذشته محور شعارهایی بوده که علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی برای هر سال خورشیدی اعلام می‌کند و البته هر سال وضعیت اقتصاد ایران بحرانی‌تر از پیش شده. از سال گذشته و با اجرایی شدن تحریم‌های ایالات متحده علیه جمهور اسلامی نیز اقتصاد ایران گام به گام به ورشکستگی نزدیک شده است.

بحران اقتصادی کشور در حالی هر روز عمیق‌تر می‌شود که دولت در نوعی بی‌تفاوتی یا گنجی بسر می‌برد و اقدام مؤثری برای بهبود وضعیت انجام نمی‌دهد. مجلس شورای اسلامی نیز اکنون پس از گذشت چهار ماه از سال، تازه عبارت «رونق اقتصادی» را تعریف و چند محوری که پیشتر بارها و بارها از سوی کارشناسان و تحلیلگران اقتصادی به عنوان موارد حائز اهمیت برای برون‌رفت از بن‌بست اقتصادی مطرح شده بود را در گزارش خود بازنشر کرده است.

در چنین شرایطی است که فضای کسب و کار نه تنها بهبود پیدا نکرده بلکه با چهار پله سقوط روبرو شده است؛ سقوطی که بسیاری آن را نتیجه کم‌کاری و بی‌تفاوتی دولت عنوان می‌کنند.

حسین سلاح‌ورزی نایب رئیس اتاق بازرگانی ایران در این رابطه گفته است: «دولت مهم‌ترین عامل بی‌ثباتی اقتصاد و فضای کسب‌وکار است که با سیاست‌گذاری غلط و دخالت در بازار، مقررات‌گذاری یک‌شبه و توزیع یارانه، شرایط بی‌ثباتی را فراهم کرده است.» وی با انتقاد از قوانین دست‌وپاگیر فضای کسب‌وکار گفته که: «شاید اگر این قوانین نبود بهتر بود، زیرا با وجود تلاش‌هایی که برای مقررات‌زدایی انجام می‌شود، ماشین تولید قوانین و مقررات دست و پا گیر جدید در بخش‌های دیگر در حال کار است و هر قدمی که در راه مقررات‌زدایی برداشته می‌شود، نه‌تنها موجب بهتر شدن وضعیت نمی‌شود، بلکه جایگاه ما نسبت به سال قبل بدتر می‌شود.»

از صفحه ۱۵

در پی براندازی رژیم نکبت و فلاکت نمی‌روند در قاموس اصلاح طلبان «نجیب» است، همانطور که نام زنایی که بردگی جنسی شوهران و بردگی حکومت دینی را پذیرا می‌شوند و حجاب تحمیلی را رعایت می‌کنند شده «عقیف و با حجب و حیا».

برای سیاست‌ورزی خود حق پندارانه و خودبزرگ‌بینانه نیازی به آزادی و دموکراسی نیست؛ در همان چارچوب جمهوری اسلامی می‌شود این کار را انجام داد. به همین دلیل اصلاح طلبان در داخل همچنان مشغول این نوع سیاست‌ورزی هستند. اما اندسته از اصلاح طلبان که به خارج آمده‌اند و چپ‌های غربی آنها را می‌شیران آزادی و دموکراسی در جوامع‌شان تلقی می‌کنند دارند سرمایه‌ی آزادی و دموکراسی را به هدر می‌دهند. دوگانگی رفتار اصلاح طلبان وقتی از کشور خارج می‌شوند متوقف نمی‌شود.

از صفحه ۵

آمستردام رفت. امیر ادیسی تأثیر استادان ایرانی همچون داور یوسفی و استاد آل محمد تاتاری و همچنین مینیاتورهای استاد حسین بهزاد را در پیشرفت مسیر هنری‌اش بسیار عمیق می‌داند و به این نکته نیز اشاره می‌کند که در دوران تحصیلی و آغازین هنرآموزی‌اش هرگز از جانب خانواده حمایت و تشویق نشده است. امیر ادیسی به پروژه‌های بلندمدت آینده‌اش در هلند نیز اشاره کرده و می‌گوید: «مجموعه‌ی پرتره «کودکان جنگ» از اقدامات بعدی من در هلند خواهد بود که زمان ۲ الی ۳ ساله را از آغاز تا پایان این پروژه پیش‌بینی کرده‌ام.» وی توضیح می‌دهد: «به عقیده من قربانیان اصلی خشونت و ترک وطن درواقع کودکان هستند. هدف من از پروژه «کودکان جنگ» بازتابی است از برقراری صلح، محبت و



است. با این حال، واقعیت این است که مجلس خبرگان که خودش توسط رأی مردم انتخاب شده، خامنه‌ای را انتخاب می‌کند.

در همین حال روحانی مانند پیشینیان‌اش نمی‌توانست بدون حکم «رهبر» رئیس جمهور شود. به عبارت دیگر، در سیستمی که در آن همه انتخاب‌ها یکسان و یا از ابتدا به عنوان جعلی رد می‌شود، اینکه چه کسی انتخاب می‌شود یا نمی‌شود اصلاً اهمیتی ندارد.

استراو همچنین بر این باور است که مجلس شورای اسلامی که او به اشتباه آن را «مجلس شورای ایرانیان» نامیده، تابع شورای نگهبان است که در اشتباهی دیگر پنداشته آن را فقط رهبر انقلاب تعیین می‌کند.

استراو نسبت به نقش روحانیون شیعه در سیاست ایران در پنج قرن گذشته افراتق می‌کند تا این موضوع را توجیه کند که نقش آخوندها مهم است و ادعای آنها برای حکومت کردن طبیعی است. او فتوای یک آیت‌الله گمنام در تحریم تنباکو را به عنوان یک واقعه مهم، بسیار بزرگ جلوه می‌دهد. روحانیون در انقلاب مشروطه سال ۱۹۰۶ نقش داشتند اما یک نقش فرعی. آخوندها همچنین از شاه در عزل نخست وزیر محمد مصدق در سال ۱۹۵۳ حمایت کردند؛ اتفاقی که استراو آن را «کودتا» خوانده و مدعی شده که توسط اطلاعات بریتانیا و CIA طراحی و اجرا شد. او این واقعیت را که شاه قبلاً نیز در دو نوبت مصدق را به عنوان نخست وزیر منصوب و برکنار کرده بود بدون اینکه کودتا خوانده شود به راحتی نادیده می‌گیرد. جک استراو از محمدرضا شاه پهلوی متغیر است و تلاش می‌کند تا او را احتمالاً برای توجیه قیام آخوندها در سال ۱۹۷۹ کم‌اهمیت جلوه دهد.

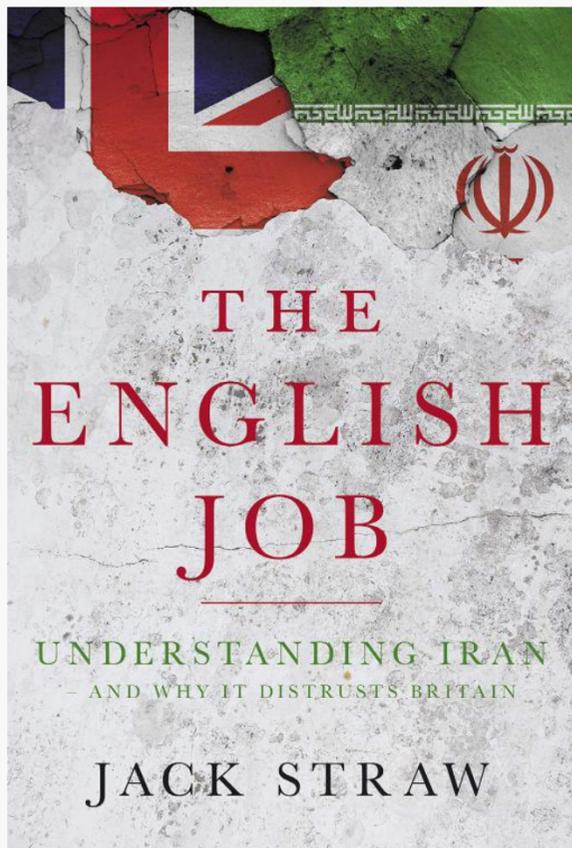
همچنین او در مورد نقشی که انگلیسی‌ها در ایران بازی کرده‌اند افراتق می‌کند. نخبگان حاکم فاسد ایران، به ویژه در دهه‌های آخر حکومت قاجار، از مداخلات انگلیس و روسیه، دو دشمن امپریالیستی ایران در آن زمان، به عنوان بهانه‌ای برای توضیح و توجیه فساد و بی‌عرضگی خود استفاده می‌کردند.

هیچ قدرت خارجی نمی‌تواند اراده خود را بدون کمک حداقل برخی از نخبگان آن کشور، حتی به ضعیف‌ترین ملل تحمیل کند. این عبارت معروف فارسی که «همه چیز زیر سر انگلیس است» بیانگر نارضایتی مداوم مردم ایران از نقشی است که این کشور در رابطه با ایران در یک قرن گذشته بازی کرده است.

با این حال، این عبارت بیشتر یک شوخی است تا یک اظهار نظر جدی درباره تاریخ؛ چرا که انگلیسی‌ها هیچگاه حضور گسترده از نظر تعداد در ایران نداشته‌اند. حتماً صرفاً معدودی از ایرانیان هستند که تا کنون یک «انگلیسی بدسیرت» را به چشم خود مشاهده کرده باشند؛ شرکت نفت انگلیس و ایران در کمتر از یک درصد از قلمرو ایران فعالیت می‌کرده و در اوج خود کمتر از ۲۰۰ غیرایرانی را استخدام کرد که بیشتر آنها نگهبانان «سیک» و رانندگان پنجایی بودند. همچنین، انگلیس هرگز در بین پنج شریک تجاری برتر ایران قرار نگرفت و نتوانست با فرانسه و آلمان رقابت کند و از دهه ۱۹۶۰ به بعد ایالات متحده آمریکا به یک قطب جذاب برای ایرانیانی که به دنبال تحصیلات عالی در خارج از کشور بودند، تبدیل شد.

در دهه ۱۹۶۰ که من در لندن دانشجوی بودم، در انگلیس زیر ۲۰۰ دانشجوی ایرانی وجود داشت. در همین زمان دانشجویان ایرانی در آلمان غربی ۳۰۰۰ نفر و در ایالات متحده ۸۰۰۰ نفر بودند.

ادامه در صفحه ۱۷



اسلامی می‌آید، یک صلح‌جوی تمام‌عیار می‌شود. او ادعا می‌کند که تنها راه صحیح، استفاده از دیپلماسی برای تغییر رفتار تهران است. بطور خلاصه، استراو مدعی است که برجام یا برنامه جامع اقدام مشترک یا «توافق هسته‌ای ایران» که توسط دولت اوباما منعقد شد بسیار معتبر



جک استراو و کمال خرازی؛ لندن؛ فوریه ۲۰۰۳

است. استراو ابتدا در سال ۲۰۰۶، قبل از اینکه رئیس‌اش تونی بلر او را به سمتی دیگر منصوب کند، این ایده را به کاندولیزا رایس وزیر خارجه جرج دبلیو بوش فروخته بود. در دو دهه گذشته، استراو هفت بار از ایران بازدید داشته که پنج بار آن در کسوت وزیر امور خارجه بریتانیا بوده است. در یک دیدار، او جزو هیئت پارلمانی انگلیس بود که نوزدهم لامونت وزیر پیشین دارای انگلیس و جرمی کوربین رهبر فعلی حزب کارگر که آن زمان با شبکه «پرس تی‌وی» متعلق به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی همکاری می‌کرد، وی را همراهی می‌کردند.

در یک دیدار خصوصی، او و همسرش همراه با چند نفر از دوستان، مورد آزار و اذیت مأموران جمهوری اسلامی قرار گرفتند و در نهایت توسط یکی از ۹ نهاد امنیتی که در جمهوری اسلامی فعالیت دارند، از ایران خارج شدند. جک استراو از پرزیدنت دونالد ترامپ انتقاد می‌کند که دیپلماسی را رد می‌کند در حالی که از نگاه رهبران جمهوری اسلامی هرگونه تلاش عمومی برای بهبود و نزدیکی روابط ایران و آمریکا خفت‌بار است. وی ادعا می‌کند که «معامله هسته‌ای» این امکان را دارد که

کار، کار، کار انگلیسی‌هاست؛ درباره کتاب مفرح و پر از اشتباه جک استراو



دیدگاه استراو چه کسانی در تهران «اصلاح‌طلب» هستند؟ او تعدادی از افراد از جمله علی‌اکبر هاشمی رفسنجانی و محمد خاتمی رؤسای جمهوری پیشین، حسن روحانی رئیس جمهوری کنونی، میرحسین موسوی و مهدی کروبی نامزدهای سابق ریاست جمهوری که در حصر

می‌کند به این دلیل که ایران، یک تمدن باستانی است، شاعران بزرگی را پرورده، فرش‌های نفیس داشته و بهترین غذاهای دست‌پخت جهان را به ارمغان آورده، پس مستحق است که قلم عفو بر روی سایر فعالیت‌های نامتعارف نظام جمهوری اسلامی در زمینه‌هایی مانند گروگانگیری،



جک استراو و حسن روحانی

خانگی هستند را لیست می‌کند. او همچنین از افرادی در رده‌های پایین‌تر جمهوری اسلامی از جمله محمدجواد ظریف و کمال خرازی که آنها را «دوست قدیمی من» خوانده و همچنین مصطفی تاجزاده نام می‌برد. مشکل اما این است که استراو قادر نیست حتی یک اقدام اصلاحی توسط این جناح اصلاح‌طلب را نام برد که نشان دهد این جناح چه اصلاحاتی در ایران انجام داده است!

بدر اینک او فراموش می‌کند که در زمان حجج‌الاسلام خاتمی و روحانی اعدام‌ها و دستگیری‌های سیاسی بیشتر از زمان رئیس جمهور ظاهراً «تندرو» محمود احمدی‌نژاد بوده است. کژفهمی سوم این است که در معامله با جمهوری اسلامی، همه گزینه‌ها فقط به دو گزینه محدود می‌شود: «هضم کردن و تحمل هر کاری که جمهوری اسلامی ایران انجام می‌دهد» و «با شروع یک جنگ تمام‌عیار علیه آن»!

این در حالیست که جک استراو یکی از پرشورترین و متعصب‌ترین طرفداران حمله‌ی نظامی آمریکا علیه عراق بود و اعتقاد داشت رژیم بعث قابل اصلاح نیست! با این حال، هنگامی که وزیر خارجه سابق بریتانیا به سراغ جمهوری

نقش روحانیون شیعه در سیاست ایران در پنج قرن گذشته افراتق می‌کند تا این موضوع را توجیه کند که ادعای آنها برای حکومت کردن طبیعی است. کتاب استراو که خواندنش سبب انبساط خاطر و تفریح می‌شود، بیش از آن دارای اشتباه و حدس و گمان‌های غیرقابل قبول است که بتوان در اینجا به همه‌ی آنها اشاره کرد.

امیر طاهری - عنوان فرعی کتاب جدید جک استراو این امید را می‌دهد که گویی قرار است خواننده را در «فهم ایران» کمک کند: «ایران و اینکه چرا به انگلیس اعتماد ندارد را بفهمیم!»

اما آنچه از مطالعه ۳۹۰ صفحه به دست می‌آید این است که کتاب بیشتر توانسته سوء تفاهم و برداشت نادرستی را که در مورد ایران امروز وجود دارد بهتر نشان دهد؛ سوء تفاهمی که مانع شده تا بریتانیا و سایر قدرت‌های غربی بتوانند یک سیاست واقع‌بینانه در قبال جمهوری اسلامی ایران در پیش بگیرند و در نتیجه به طولانی‌تر شدن بحران ناشی از رفتار غیراخلاقی جمهوری اسلامی در عرصه بین‌المللی کمک کرده است.

The English Job: Understanding Iran and Why It Distrusts Britain
جک استراو
انتشارات هاردبک؛ بریتانیا؛ ژوئیه ۲۰۱۹
کژفهمی استراو شاید ناشی از «شیدایی مطلق» او به ایران ذهنی و خیالی‌اش باشد که سه وجه دارد. نخست همانطور که در کتاب به خوانندگان یادآوری کرده فکر

اما پرسش این است که از